

گامی به سوی شکل گیری مجمع مدیران پروژه های تالابی

درس آموخته هایی از مرکز و غرب آسیا و مدیترانه

کتاب مرجع برای مدیران و طراحان پروژه های تالابی



گامی به سوی شکل گیری مجمع مدیران پروژه های تالابی

Designed by: Farhad Shayanfar



■ عکس گروهی شرکت کنندگان در کارگاه



مجموعه‌ای منتشر شده توسط پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران و مرکز منطقه‌ای کنوانسیون رامسر در آسیای مرکزی و غربی، سال ۲۰۱۱. برای مدیران پروژه‌های تالاب: تعلیماتی برگرفته از آسیای مرکزی، غربی و محدوده مدیترانه.

گردآوری و ویرایش: دکتر مایک موزر

منطقه غرب و مرکز آسیا و مدیترانه همواره شریان حیاتی ارتباط بین اروپا و آسیا بوده است. امروزه اهمیت جهانی این منطقه شامل اهمیت تجاری، انرژی، فرهنگ و محیط‌زیست برای همگان روشن است.

طی چند سال گذشته، تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از تالابها در منطقه مورد توجه ویژه قرار گرفته است. به منظور تبادل تجربیات و درس‌های آموخته در خصوص حفاظت و مدیریت تالابها، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و مرکز منطقه‌ای آموزش و پژوهش کنوانسیون رامسر در غرب و مرکز آسیا، کارگاه مشترکی را تحت عنوان "گامی به سوی شکل‌گیری مجمع مدیران پروژه‌های تالابی"، در اکتبر ۲۰۱۰ برگزار نمودند.

این کتاب مرجع که بر اساس کارگاه مذکور تهیه شده است، تجارب یازده نمونه موردی از پروژه‌های مدیریت تالاب را ارائه می‌نماید. بنابراین شامل طیف وسیعی از تالاب‌هایی می‌باشد که در کشورهای مختلف به نوعی تحت مدیریت و حفاظت قرار گرفته‌اند. امیدوارم مطالب ارائه شده در این کتاب برای مدیران پروژه‌های تالابی و سایر خوانندگان سودمند باشد و روش‌های نوین مدیریت و حفاظت تالاب را به خوبی ارائه نماید. همچنین امیدوارم از طریق تبادل دانش و همکاری صمیمانه بین پروژه‌ها و کشورهای مختلف، بتوان برگزاری چنین کارگاه‌هایی را تداوم بخشید.

محمدباقر صدوق

معاون محیط‌زیست طبیعی و مجری ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران
سازمان حفاظت محیط زیست، ایران

LIST OF ABBREVIATIONS

ABS	<u>Access and Benefit Sharing</u>	IUCN	<u>The World Conservation Union</u>
AEWA	<u>African Eurasian Migratory Waterbird Agreement</u>	IRBM	<u>Integrated River Basin Management</u>
BBOP	<u>Biodiversity and Business Offset Programme</u>	IWRM	<u>Integrated Water Resources Management</u>
CBD	<u>Convention on Biological Diversity</u>	JICA	<u>Japanese International Cooperation Agency</u>
CBO	<u>Community Based Organisation</u>	NBSAP	<u>National Biodiversity Strategy and Action Plan</u>
CEPA	<u>Communications Education and Public Awareness</u>	NGO	<u>Non-Governmental Organisation</u>
CIWP	<u>Conservation of Iranian Wetlands Project</u>	PES	<u>Payments for Ecosystem Services</u>
CITES	<u>Convention on International Trade in Endangered Species</u>	PRA	<u>Participatory Rural Appraisal</u>
CMS	<u>Convention on Migratory Species</u>	RAPPAM	<u>Rapid Assessment and Prioritisation of Protected Areas Management</u>
DOE	<u>Department of Environment, Islamic Republic of Iran</u>	RRA	<u>Rapid Rural Appraisal</u>
EIA	<u>Environmental Impact Assessment</u>	RSCN	<u>Royal Society for Conservation of Nature, Jordan</u>
EU	<u>European Union</u>	SMART	<u>Specific Measurable Attainable Relevant Time-bound</u>
GDP	<u>Gross Domestic Product</u>	TEEB	<u>The Economics of Ecosystems and Biodiversity</u>
GEF	<u>Global Environment Facility</u>	UAE	<u>United Arab Emirates</u>
GIS	<u>Geographic Information System</u>	UN	<u>United Nations</u>
GPS	<u>Global Positioning System</u>	UNDP	<u>United Nations Development Programme</u>
ICDP	<u>Integrated Conservation and Development Project</u>	UNESCO	<u>UN Educational, Scientific and Cultural Organisation</u>
ICZM	<u>Integrated Coastal Zone Management</u>	WWF	<u>World Wide Fund for Nature</u>

فهرست

۴۰	۳. آموخته‌ها و تجارب موفق	۴۰
۴۱	۳.۱. برنامه مدیریت یکپارچه	۴۱
۴۵	۳.۲. تمهیدات مالی، نهادی و دولتی	۴۵
۵۰	۳.۳. استفاده پایدار از منابع آب و مدیریت حوضه آبخیز	۵۰
۵۴	۳.۴. حفاظت از تنوع زیستی و احیاء تالاب	۵۴
۵۸	۳.۵. مشارکت و معیشت جوامع محلی	۵۸
۶۴	۳.۶. ارتباطات، آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی	۶۴
۶۸	۳.۷. پایش یکپارچه و مدیریت اطلاعات	۶۸
۷۳	۳.۸. سیاست‌ها، قوانین و مقررات و توسعه دستاوردها در سطح ملی	۷۳
۷۶	۴. طراحی، مدیریت و استراتژی‌های خروج پروژه	۷۶
۷۸	۴.۱. طراحی و تدوین پروژه	۷۸
۷۹	۴.۲. راهبری پروژه و پرسنل	۷۹
۸۰	۴.۳. بودجه‌بندی و ترتیبات اداری پروژه	۸۰
۸۱	۴.۴. اجرای پروژه	۸۱
۸۲	۴.۵. استراتژی‌های خروج پروژه	۸۲
۸۶	۵. نتایج	۸۶

۵	I. فهرست مطالب	۵
۶	II. سپاسگزاری و همکاران	۶
۸	III. چکیده جامع	۸
۱۰	۱. مقدمه	۱۰
۱۶	۲. مطالعات موردی	۱۶
۲۰	۲.۱. بلاروس	۲۰
۲۲	۲.۲. ایران (تالاب انزلی)	۲۲
۲۴	۲.۳. ایران (پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران)	۲۴
۲۶	۲.۴. ایران (درنا‌ی سیبری)	۲۶
۲۷	۲.۵. اردن	۲۷
۲۸	۲.۶. قزاقستان	۲۸
۳۰	۲.۷. نپال	۳۰
۳۲	۲.۸. پاکستان	۳۲
۳۴	۲.۹. دریاچه‌های پرسپا (آلبانی، جمهوری سابق یوگسلاوی مقدونیه، یونان)	۳۴
۳۶	۲.۱۰. ترکیه	۳۶
۳۸	۲.۱۱. امارات متحده عربی	۳۸

پیوست: لیست شرکت‌کنندگان ملی

۱۱. سپاسگزاری و همکاران

- پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران و مرکز منطقه‌ای کنوانسیون رامسر در آسیای مرکزی و غربی مراتب سپاسگزاری خود را از همکاری افراد و سازمان‌های ذیل در برگزاری این کارگاه و تهیه این کتاب مرجع اعلام می‌دارد.
- سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران، برای حمایت‌های مالی و نظارت بر سازماندهی این کارگاه
 - با سپاس ویژه از آقای دکتر محمد باقر صدوق و خانم مهندس شیرین ابوالقاسمی
 - اداره کل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی، برای ارائه بهینه تدارکات و هماهنگی‌های اجرایی
 - با سپاس ویژه از آقایان مهندس حسن عباس‌نژاد، مهندس حمید رعناقد، دکتر حجت جبّاری، دکتر وحیدرضا کارآمد
 - حامد برزگر، موسی شجاع و خانم‌ها گلرخ جلال‌ت، مژگان خلیل‌اللهی و زهرا عبداله‌زاده
 - استانداری آذربایجان غربی، برای خوشامدگویی به استان
 - با سپاس ویژه از آقای منوچهر ایران‌پناه
 - دبیرخانه کنوانسیون رامسر برای حمایت‌های مداوم، مشارکت‌ها و تشویق‌ها
 - با سپاس ویژه از دکتر لو یانگ
 - نماینده برنامه توسعه سازمان ملل متحد در ایران (UNDP)، با تشکر ویژه از سرکار خانم کانسوئلا ویدال، سرکار خانم الزیرا ساگین بائوا، آقای مهندس فردوسی و سرکار خانم کارینه درور برای حمایت‌های تدارکاتی و حمایت از شکل‌گیری
 - مجمعی از پروژه‌ها جهت تبادل تجربیات
 - تفرجگاه باری، برای خوشامدگویی گرم، ارائه تسهیلاتی با بالاترین کیفیت و خدمات کارآمد



عکس: هفتک همای

با تشکر صمیمانه از کلیه دست‌اندرکاران داخل و خارج از ایران به ویژه کسانی که مطالعات موردی را ارائه نمودند که از آن‌ها به عنوان مبنای مجموعه حاضر بهره گرفته شده است:

بلاروس

ولها چابروسکایا، مدیر پروژه
الگا استپانیوک، دستیار مدیر پروژه

ایران (انزلی)

دایامین هاناداته، JICA
تاکاهيرو هیرانو، JICA

ایران (CIWP)

دکتر علی نظری‌دوست، مدیر ملی پروژه
دکتر مایک موزر، مشاور ارشد بین‌المللی پروژه
محسن سلیمانی، معاون مدیر پروژه
دکتر سیدعلیرضا سیدقزیشی، هماهنگ‌کننده طرح در
آذربایجان غربی
مهری اثنا عشری، کارشناس مسئول ارتباطات
سارا کوچکی، دستیار پروژه
علی ارواحی، دستیار پروژه
امید بنابی، دستیار هماهنگ‌کننده طرح در
آذربایجان غربی

ایران (درنای سیبری)

صادق صادقی‌زادگان، مدیر ملی پروژه

اردن

نشات حمیدان، جامعه سلطنتی حفاظت از طبیعت

قزاقستان

آرای بلگوبایوا، کارشناس ملی مناطق حفاظت شده

نپال

دکتر آناپورنا داس، مجری ملی پروژه
تاپ خطری، مدیر ملی پروژه

پاکستان

ریچارد گارستانگ، WWF پاکستان
حفیظاله حفیظاله، WWF پاکستان
شادمینا خانوم، موسسه حیات وحش هیمالیا

پرسپا

دیمیتریجا سکوفسکی، مدیر ملی پروژه، مقدونیه
آردیت کونومی، هماهنگ‌کننده محلی پروژه، آلبانی
گوردانا سیوتکسکا، دستیار پروژه، مقدونیه

ترکیه

مصطفی اوزگور برکه، WWF ترکیه

امارات متحده عربی

دایان کلایمی، نماینده برنامه UNEP، بحرین

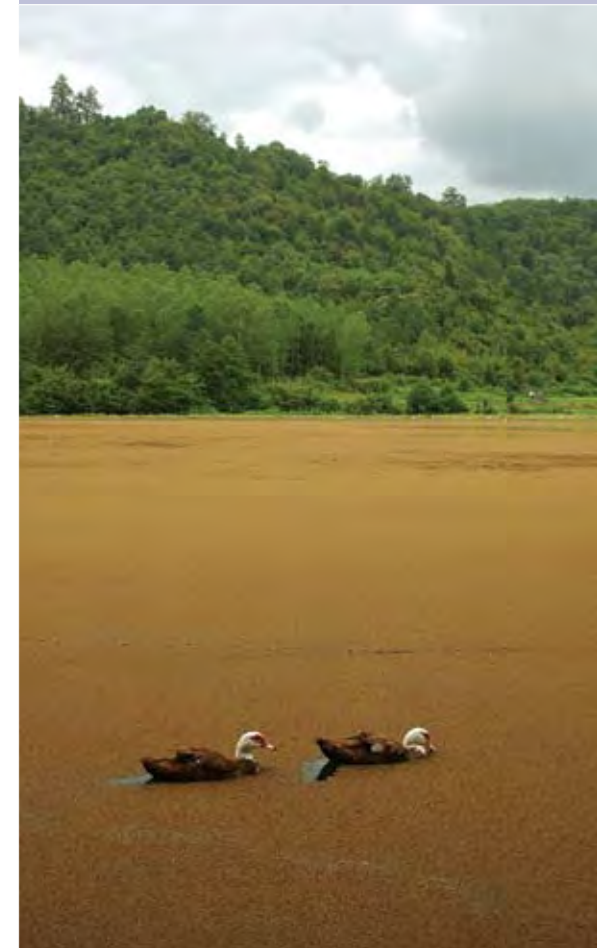
۱. کارگاه از تاریخ ۹ تا ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰ در سواحل دریاچه ارومیه در جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید. در این کارگاه مدیران ۱۱ پروژه حفاظت از تالاب گرد هم آمده و مطالعات موردی را از نواحی آسیای مرکزی و غربی و مدیترانه ارائه نمودند.

۲. از جمله اهداف این کارگاه تبادل روش‌ها و آموخته‌ها میان مدیران پروژه‌ها بوده و به عنوان زیربنایی جهت ایجاد مجموعه‌ای از پروژه‌ها جهت تبادل تجربیات می‌باشد تا به ارتقاء پروژه حاضر و پروژه‌های آتی در منطقه کمک نماید. این کتاب مرجع به ارائه چکیده‌ای از این یافته‌ها اختصاص داده شده است.

۳. هشت مورد از یازده پروژه مورد حمایت موسسات بزرگ بین‌المللی بوده و از طریق تسهیلات جهانی محیط‌زیست حمایت شده بودند، یک مورد از آنها توسط یک آژانس کمک‌های دوجانبه و یکی توسط بخش خصوصی حمایت می‌شد. این مجموعه دامنه‌ای از انواع تالاب‌ها از پیتزارها گرفته تا واحه‌ها را شامل می‌شد که در این میان تالاب‌های داخل خشکی نسبت به سیستم‌های ساحلی غالب بودند. بین ۱۰-۵ سال از عمر اغلب پروژه‌ها می‌گذشت.

۴. علی‌رغم ارزش‌های بسیاری که تالاب‌ها دارند، در منطقه مورد بررسی، شرایط بحرانی هم در درون تالاب‌ها و هم در حوضه‌های بالادست آنها ایجاد گردیده است که عمدتاً ناشی از فعالیت‌های ناپایدار بشر می‌باشد. فشارهای وارد بر منابع آب، به ویژه برای تأمین آب جهت آبیاری و نیروگاه‌های آبی، اثرات شدیدی را بر تالاب‌های نواحی خشک و نیمه‌خشک این مناطق وارد می‌نماید. اثرات ناشی از تغییرات آب و هوایی این معضلات را تشدید می‌کند.

۵. منطق زیربنایی پروژه‌های حاضر بیان می‌دارد که روش‌های نوینی برای مدیریت و احیای بهینه تالاب‌ها مورد نیازند. بیشتر این پروژه‌ها معتقدند که باید روش‌های سنتی «بخشی و دولتی» با متدهای یکپارچه و مشارکتی ارائه شده توسط روش اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی جایگزین گردند. برای حفاظت از تنوع زیستی و حمایت از جوامع محلی وابسته به تالاب، چنین ابزارهایی مورد نیازند.





۶. این کارگاه شاخص‌های موفق، آموخته‌ها و مثال‌هایی از تجارب موفق را از پروژه‌های انجام شده به صورت مطالعه موردی ارائه نمود که هشت وضعیت اجرایی مختلف را نشان می‌داد. به علاوه، مروری داشت بر آموخته‌ها و بهترین عملکردها در طراحی پروژه، مدیریت و استراتژی‌های خروج.

۷. مقیاس چالش‌هایی که تالاب‌های منطقه با آن مواجه هستند، بسیار وسیع‌تر از آن است که بتوان در پروژه‌های جداگانه به آن پرداخت. اگر چه در بسیاری از موارد، این پروژه‌ها اثر کاتالیستی قابل توجهی در تغییر رویکردها و توسعه بیشتر روش‌های یکپارچه و مشارکتی داشته‌اند.

۸. بزرگترین چالش برای چنین پروژه‌هایی تضمین یک استراتژی خروج پایدار است که از طریق آن روش‌های نوین معرفی شده بتواند پس از اتمام پروژه توسط ذینفعان محلی و ملی اجرا گردد. ظرفیت‌سازی و ارتقاء سطح آگاهی در این زمینه حائز اهمیت زیادی می‌باشد، ضمن این که طرح‌های مدیریت یکپارچه مناطق و استراتژی‌های ملی تالاب به همراه ساختارهای سازمانی مربوطه، سازوکاری فراهم می‌نماید که سبب پیشرفت این فرآیند می‌گردد.

۹. می‌توان طراحی و اجرای پروژه‌ها را با بذل توجه بیشتر به تبادل تجارب، آموخته‌ها و تجارب موفق پروژه‌ها بهبود بخشید. در این کارگاه مشخص شد که اگر مجمعی برای تبادل تجربیات شکل گیرد، نتایج ارزشمندی حاصل خواهد شد. کارگاه‌های بعدی که به نوبت به میزبانی پروژه‌ها برگزار می‌شود، می‌تواند بر موضوعات ویژه مربوط به اجرا و مدیریت پروژه‌ها تأکید نمایند.

۱۰. توافقاتی چند جانبه محیط‌زیستی (MEAs) به عنوان حکمی ارزشمند و منبعی تخصصی برای اجرای پروژه‌ها محسوب می‌شوند. بر عکس، پروژه‌ها نیز فرصت مناسبی برای ارتقاء وضعیت اجرایی توافقاتی چندجانبه محیط‌زیستی (MEAs) می‌باشند. به همین دلیل UNEP, UNDP, MEAs و GEF باید از توسعه بیشتر چنین مجمعهایی حمایت نموده و یافته‌های خود را با آنها به اشتراک گذارند.



عکس: مالتا جیسی

فصل اول

مقدمه و اهداف

پیشینه

در ۹ تا ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰ یک کارگاه بین‌المللی برای مدیران پروژه‌های تالاب، در تفرجگاه باری در سواحل دریاچه ارومیه در کشور جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. در این کارگاه مدیران ارشد ۱۱ پروژه تالابی (به ویژه مطالعات موردی انجام شده توسط GEF) از ۹ کشور در نواحی آسیای مرکزی و غربی و مدیترانه گرد هم آمدند تا تجارب خود را با هم مبادله نمایند و گروهی فعال برای تبادل تجربیات مدیران پروژه‌ها تشکیل دهند. مجموعه حاضر، خلاصه‌ای از یافته‌های این کارگاه ارائه نموده و منبعی را برای پروژه‌های مشارکتی و نیز کسانی که به دنبال توسعه و اجرای مسیرهای یکپارچه حفاظت از تالاب‌ها در مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی می‌باشند، در اختیار می‌گذارد.

چالش‌های حفاظت از تالاب

تالاب‌ها، در معنی واقعی خود، اکوسیستم‌هایی هستند که بیشترین نقش را در تأمین معاش و توسعه انسانی بازی می‌کنند و با این حال از طریق فعالیت‌های بشر به شدت تهدید می‌شوند.^۱ این امر به دلیل وجود خاک‌های ارزشمند و حاصلخیز تالاب‌ها و نیز آسیب‌پذیری منابع آب آنها می‌باشد که در اثر فعالیت‌های بشر در نواحی بالادست، بر آنها وارد می‌گردد. محدوده‌های وسیعی از تالاب‌ها در سراسر جهان به واسطه زهکشی و تبدیل اراضی برای کشاورزی نابود گشته‌اند. از سوی دیگر، سد هایی که در بالادست تالاب‌ها به منظور تأمین آب کشاورزی و منابع آب شرب (یا نیروگاه آبی) احداث گردیده‌اند، سیستم رودخانه‌ها را تخریب نموده و از سهم آب محیط‌زیست تالاب‌های پایین دست کاسته‌اند. این معضلات در مناطق

خشک و نیمه‌خشک نظیر حوضه‌های بخش‌های مرکزی و غربی آسیا و مدیترانه شدیدتر هستند.

با توجه به این که تالاب‌ها حد فاصل آب و خشکی هستند، از اهمیت زیادی برای تنوع‌زیستی و نیز امرار معاش جوامع محلی اطرافشان، برخوردارند. این سیستم‌های پویا، گستره وسیعی از خدمات اکوسیستمی را که «پشتیبان حیات» می‌باشند، ارائه می‌نمایند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

تأمین محصولات نظیر ماهی، گیاهان و نمک، عملکردهایی مثل تقویت سفره‌های آب زیرزمینی، تعدیل شرایط اقلیمی و کنترل سیلاب، ارائه خدماتی چون گردشگری طبیعی و ارزش‌های فرهنگی. چنین خدمات اکوسیستمی دارای ارزش‌های قابل توجه اقتصادی می‌باشند و معمولاً در امرار معاش ساکنین اطراف تالاب‌ها به خصوص روستاییان فقیر نقش بسیار مهمی دارند.

به دلیل وجود چنین ارزش‌هایی، بیشتر تالاب‌های محدوده موردنظر این کارگاه، از چندین دهه پیش به عنوان مناطق تحت حفاظت در نظر گرفته شده‌اند. با این حال، رویکرد کلاسیک (بخشی و صرفاً حفاظتی) حفاظت از این تالاب‌ها، در مقابل روند افزایشی فشارهای ناشی از توسعه، ناموفق مانده و نتیجه این امر کاهش شدید تنوع‌زیستی و نیز افت گزینه‌های معیشتی برای مردم محلی بوده‌است. این روند با اثرات ناشی از تغییرات جهانی آب وهوا (نظیر خشکسالی‌ها و سیلاب‌ها) و معرفی گونه‌های مهاجم بیگانه تشدید گردیده‌است. امروزه تالاب‌های منطقه مورد بررسی در وضعیت بحرانی قرار دارند از این رو نیاز به روش‌های نوینی است که به فوریت آینده تالاب‌ها و نیز آینده کسانی که به تالاب‌ها وابسته‌اند را نجات دهند.

1. Millennium Ecosystem Assessment, see www.greenfacts.org/ecosystems/#99 and www.millenniumassessment.org

پروژه‌های توسعه و حفاظت یکپارچه

رفع چالش‌های مربوط به حفاظت از تالاب‌ها نیاز به روش‌های بین‌بخشی و اکوسیستمی دارد برخلاف ساختار سنتی نهادهای حفاظت از طبیعت که در آن تنها تأکید بر حفاظت از گونه‌ها و مناطق حفاظت شده داشته‌است. به همین دلیل، در دهه‌های اخیر از طریق سازمان‌های بین‌المللی بسیاری از جمله کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌ها، مجموعه‌های سازمان ملل، تسهیلات جهانی محیط‌زیست (GEF)، آژانس‌های کمک‌های دوجانبه و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نظیر IUCN، تالاب‌های بین‌المللی و صندوق جهانی حفاظت از طبیعت، حمایت‌های ظرفیت‌سازی زیادی به دولتهای کشورهای در حال توسعه ارائه گردیده تا بتوانند با بحرانی که تالاب‌ها با آن مواجهند، مقابله نمایند. چنین حمایت‌هایی عمدتاً از طریق کمک‌های مالی و انتقال دانش و اطلاعات و در قالب طرح‌های یکپارچه توسعه و حفاظت صورت گرفته است.^۱ این کار با هدف حفاظت از تالاب‌ها انجام شده و در عین حال به ارتقاء وضعیت معیشت جوامع محلی نیز کمک کرده‌است.

برنامه تنوع‌زیستی GEF پیشگام این فعالیت‌ها بوده‌است و هدف آن حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع‌زیستی، حفظ خدمات و محصولات اکوسیستمی که تنوع‌زیستی برای جامعه تأمین می‌کند و تقسیم عادلانه عایدی‌های حاصل از کاربرد منابع ژنتیکی است. این استراتژی با روش‌های یکپارچه حفاظت از تنوع‌زیستی و بهره‌برداری پایدار که در روش اکوسیستمی در چارچوب اولیه کنوانسیون تنوع‌زیستی ارائه شده، همخوانی دارد. هشت طرح از یازده طرح ارائه شده در این کارگاه توسط GEF تأمین اعتبار مالی شده‌اند. گرچه تجارب قابل توجهی از این طرح‌ها به دست آمده‌است، با توجه به بودجه‌های هنگفتی که صرف شده، تلاشی

1. Hughes, R. and Flintan, F. (2001) Integrating Conservation and Development Experience: A Review and Bibliography of the ICDP Literature. London: International Institute for Environment and Development.

برای تبادل اطلاعات و آموخته‌های حاصل در میان مدیران پروژه‌ها، به ویژه برای کسانی که در ابتدای راه هستند، صورت نگرفته‌است.

کارگاه بین‌المللی باری برای مدیران پروژه‌های تالابی

از سال ۲۰۰۵، پروژه UNDP/GEF/DOE حفاظت از تالاب‌های ایران (CIWP)، اقدام به ظرفیت‌سازی دولتی و اجتماعی جهت حفاظت از سه تالاب مهم بین‌المللی در ایران نموده و در حال حاضر سعی بر آن دارد که این کار را در سطح ملی گسترش دهد. آگاهی یافتن از بهترین شیوه‌های حفاظتی بین‌المللی از جمله اهداف اصلی این طرح می‌باشد. علیرغم این که پیشرفت‌های خوبی در زمینه توسعه روش‌های یکپارچه صورت گرفته، هنوز چالش‌های عمده‌ای ناشی از شدت تهدیدات وارد بر تالاب‌های ایران، به ویژه به دلیل تداوم شرایط خشکسالی در نواحی مورد بررسی این طرح، وجود دارند که باید بر آنها فائق آمد. به همین دلیل طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، با همکاری برنامه توسعه ملل متحد در ایران و مرکز منطقه‌ای کنوانسیون رامسر برای غرب و مرکز آسیا تصمیم گرفتند کارگاهی برای تبادل تجربیات مدیران پروژه‌های مشابهی که در منطقه وجود دارند، سازماندهی نمایند. از جمله اهداف این کارگاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبادل برترین تجارب موفق و درس-آموخته‌های حاصل از پروژه‌های مشابه بین‌المللی مرتبط در نواحی آسیای مرکزی، غربی و مدیترانه که بر حفاظت از تالاب‌ها متمرکز بوده‌اند.
- ایجاد مجمعی برای تبادل تجربیات مدیران طرح‌های مشارکت‌کننده
- تهیه کتاب مرجعی از آموخته‌ها برای شاغلین در این زمینه، بر اساس تجارب مشترک

و UNEP را نیز که بر پروژه‌های تالابی GEF نظارت دارند، مد نظر دارد. امید است که دبیرخانه MEA هم بتواند از این مجموعه برای توسعه راهنماهای خود برای فعالان عرصه تالاب استفاده کند.

این کارگاه کاملاً مشارکتی بوده و به بازنگری تجارب پروژه‌های مختلف می‌پردازد و نتایج حاصل از جنبه‌های مختلف مدیریت پروژه‌ها را استخراج می‌کند. طی یک بازدید کوتاه میدانی شرکت کنندگان از نزدیک شاهد معضلات و روش‌های اجرایی مربوطه بودند. تعدادی از دست‌اندرکاران و مدیران ملی و محلی نیز در نخستین روزهای کارگاه حضور یافتند تا از تجارب به دست آمده از طرح‌های بین‌المللی استفاده نمایند.

این کتاب مرجع به شرح یازده پروژه شرکت کننده پرداخته و خلاصه‌ای از بحث‌های مشترکی را که تشکیل دهنده مبنای این کارگاه می‌باشند، ارائه می‌نماید. اساس کار، حول نه محور اصلی بود که از آنها برای تهیه این کتاب مرجع استفاده شده است:

- برنامه‌ریزی مدیریت جامع
 - ترتیبات مالی، راهبری و سازمانی
 - استفاده پایدار از منابع آب و مدیریت حوضه آبریز
 - حفاظت از تنوع زیستی و احیاء تالاب
 - معیشت و مشارکت عمومی
 - ارتباطات، آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی
 - پایش یکپارچه و مدیریت اطلاعات
 - سیاست‌ها و قوانین و مقررات ملی
 - طراحی پروژه، مدیریت و استراتژی خروج
- برای هر یک از این محورها، شاخص موفقیت تعیین می‌گردد، درس‌های آموخته حاصل از هر پروژه ارائه می‌شوند و بهترین تجارب مشخص می‌گردند.
- اولین گروه هدف برای این مجموعه منتشر شده، مدیران و طراحان پروژه‌های فعلی و آتی تالاب می‌باشند، اما در گام بعدی کارکنان و مقامات دولتی UNDP

برنامه کارگاه باری



روز مقدماتی. شنبه ۹ اکتبر ۲۰۱۰

- ورود شرکت کنندگان ملی به ارومیه قبل از ظهر
- جلسه معارفه شرکت کنندگان ملی
- ورود شرکت کنندگان بین‌المللی به ارومیه قبل از شام
- شام خوشامدگویی

روز اول. یکشنبه ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰

- ثبت نام
- مراسم رسمی افتتاحیه
- مروری بر انتظارات، اهداف و برنامه‌ها
- ارائه یافته‌ها، آموخته‌ها و بهترین تجارب حاصل از پروژه‌ها توسط نمایندگان آن‌ها
- بحث و گفتگو

روز دوم. دوشنبه ۱۱ اکتبر ۲۰۱۰

- بازدید میدانی از دریاچه ارومیه و یکی از تالاب‌های اقماری آن
- جلسه جمع‌بندی برای شرکت کنندگان ملی

روز سوم. سه‌شنبه ۱۲ اکتبر ۲۰۱۰

- میزگردی پیرامون آموخته‌ها، بهترین تجارب و موضوعات کلیدی در خصوص مدیریت و حفاظت از تالاب‌ها
- جلسه بحث و گفتگوی شامگاهی در خصوص مدیریت پروژه

روز چهارم. چهارشنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰

- ادامه میزگردی پیرامون آموخته‌ها، بهترین تجارب و مبانی کلیدی در خصوص مدیریت و حفاظت از تالاب‌ها
- ارزیابی کارگاه
- جلسه اختتامیه

رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی

چارچوب اولیه عملکرد تحت کنوانسیون تنوع زیستی

تعریف

«استراتژی مدیریت یکپارچه زمین، آب و منابع حیاتی جهت ارتقاء همسان حفاظت و استفاده پایدار»

۱۲ اصل (خلاصه شده)

۱. اهداف مدیریت یکپارچه زمین، آب و منابع حیاتی مسأله انتخاب اجتماعی می باشند.
۲. مدیریت باید تا پایین ترین سطح مناسب تمرکززایی شود.
۳. مدیران اکوسیستمها باید اثرات حاصل از فعالیت های خود (اعم از بالقوه یا بالفعل) را بر اکوسیستم های مجاور و یا دیگر اکوسیستمها در نظر داشته باشند.
۴. با در نظر داشتن منافع حاصل از مدیریت، معمولاً لازم است که اکوسیستم از دیدگاه اقتصادی مدیریت شود.
۵. حفاظت از عملکرد و ساختار اکوسیستم به منظور بقاء خدمات اکوسیستم، باید جزء نخستین اهداف رویکرد اکوسیستمی باشد.
۶. اکوسیستمها باید بر مبنای محدوده های عملکردی که دارند، مدیریت شوند.
۷. رویکرد اکوسیستمی باید در مقیاس های زمانی و مکانی مناسبی به کار گرفته شود.
۸. از آنجایی که فرآیندهای اکوسیستمی را مقیاس های زمانی متفاوت و اثرات تأخیری تعیین می کنند، باید اهداف مدیریت اکوسیستم برای زمانی طولانی طراحی گردند.
۹. مدیریت باید در نظر داشته باشد که بروز تغییرات اجتناب ناپذیر است.
۱۰. رویکرد اکوسیستمی باید توازن و یکپارچگی میان حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی برقرار سازد.
۱۱. رویکرد اکوسیستمی باید انواع اطلاعات مرتبط شامل دانش محلی، بومی و علمی، نوآوری ها و روش ها را در نظر داشته باشد.
۱۲. رویکرد اکوسیستمی باید در برگیرنده تمامی بخش های اجتماعی مرتبط و گزینه های علمی باشد.



فصل دوم

پروژه‌های انجام شده به صورت مطالعات موردی

مقدمه

در این کارگاه نمایندگان ۱۱ پروژه که به عنوان مطالعات موردی در ۹ کشور انجام شده‌اند، شرکت نمودند (نقشه ۱). خلاصه‌ای از اطلاعات مربوط به این پروژه‌ها در جدول ۱ ارائه شده‌است و شرح مختصری از هر یک از آنها در ادامه همین فصل ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از اطلاعات مربوط به مطالعات موردی

کشور	عنوان پروژه	مشارکت‌کنندگان اصلی	طول مدت پروژه (سال)	سایت‌های آزمایشی	زیستگاه‌های اصلی	زمینه اصلی تمرکز	سیاست ملی تالابی	توسعه معیشت
۱ بلاروس	احیاء توربزارها در بلاروس	وزارت جنگلداری، UNDP, GEF	۵	۱۵	FW	R	Y	Y
۲ ایران	پروژه تالاب انزلی	سازمان حفاظت محیط زیست، جایکا	۵+۳	۱	FW	M	N	Y
۳ ایران	پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران	سازمان حفاظت محیط زیست، UNDP, GEF	۷	۳	FW	M/R	Y	Y
۴ ایران	پروژه درنا سبیری	سازمان حفاظت محیط زیست، UNDP, GEF	۶	۳	FW	M	N	Y
۵ اردن	مدیریت تالاب ازرق، اردن	RSCN, UNEP, GEF, سازمان محیط زیست	۱۵+	۱	FW	R	N	Y
۶ قزاقستان	حفاظت یکپارچه از زیستگاه تالابی پرند مهاجر حائز اهمیت جهانی در قزاقستان	وزارت منابع طبیعی و حفاظت محیط زیست UNDP, GEF	۷	۳	FW	M	Y	Y
۷ نپال	حفاظت و استفاده پایدار از تالاب‌ها در نپال	UNDP, GEF وزارت جنگل‌ها و حفاظت از خاک	۵	۲	FW	M	Y	Y
۸ پاکستان	پروژه تالاب‌های پاکستان	وزارت محیط زیست WWF-PK, UNDP, GEF	۷	۴	FW, C	M	Y	Y
۹ پرسپا ^۱	مدیریت یکپارچه اکوسیستم حوضه دریاچه‌های پرسپا در آلبانی، جمهوری پیشین یوگسلاوی مقدونیه و یونان	وزارت محیط زیست UNDP, GEF	۵	۱	FW	M	Y	Y
۱۰ ترکیه	استفاده معقول از منابع آب در حوضه کُتیا	WWF - ترکیه	۸+	۱	FW	M	Y	Y
۱۱ امارات متحده عربی	دریاچه الورسن، تالاب مصنوعی	بخش خصوصی (ناکهیل)	۶+	۱	FW	C	N	Y

۱. آلبانی، جمهوری پیشین یوگسلاوی مقدونیه، یونان

۲. آب شیرین = FW، ساحلی = C؛ دریایی = M

۳. مدیریت = M؛ احیا = R؛ ایجاد = C

تمام پروژه‌ها به جز دو مورد (شماره ۱۰ حوضه کنیا و شماره ۱۱ دریاچه الوارسن) به وسیله بودجه‌های کلان بین‌المللی که از سوی تسهیلات جهانی محیط‌زیست و یا مشارکت دو جانبه ارائه شده بود و از طرف مجامع ملی یا دیگر شرکت‌ها تأمین مالی تکمیل می‌شد، حمایت شدند. به طور کلی پروژه‌ها توسط یک تیم اجرایی که در یک بخش دولتی یا وزارتخانه قرار داشتند (در برخی موارد نیز به صورت بخشی توسط سازمان‌های غیر دولتی ملی یا بین‌المللی) هدایت می‌شدند و از حمایت اجرایی UNEP یا UNDP نیز بهره می‌گرفتند.

در ضمن، این مطالعات موردی تمام انواع تالاب‌ها از توربزارها تا واحه‌ها را در بر می‌گیرند و عموماً بر تالاب‌های داخلی و دارای آب شیرین تأکید دارند (به ویژه دریاچه‌ها)، البته فقط پروژه پاکستان به طور خاص به تالاب‌های نواحی ساحلی می‌پردازد.

هدف اکثر این پروژه‌ها بهبود مدیریت تالاب‌های در معرض تهدید و تخریب شده موجود می‌باشد. دو مورد از این پروژه‌ها مربوط به توربزارهای بلاروس و واحه ازرق در اردن بودند که در درجه اول به احیای سیستم‌های تالابی که عملکرد پیشین خود را از دست داده‌اند توجه داشتند. پروژه دریاچه Al Warsan در امارات متحده عربی (UAE) از نظر تلاشی که برای ایجاد تالابی مصنوعی در درون یک محدوده شهری صورت گرفته، منحصر به فرد بود و این پروژه از سوی بخش خصوصی بسیار حمایت شده بود. پروژه دریاچه پرسپا نیز در پرداختن به چالش‌هایی خاص در زمینه مدیریت یک تالاب فرامرزی که بین سه کشور قرار داشت، منحصر به فرد بود.

پروژه‌ها سعی دارند به چه چیزی دست یابند؟

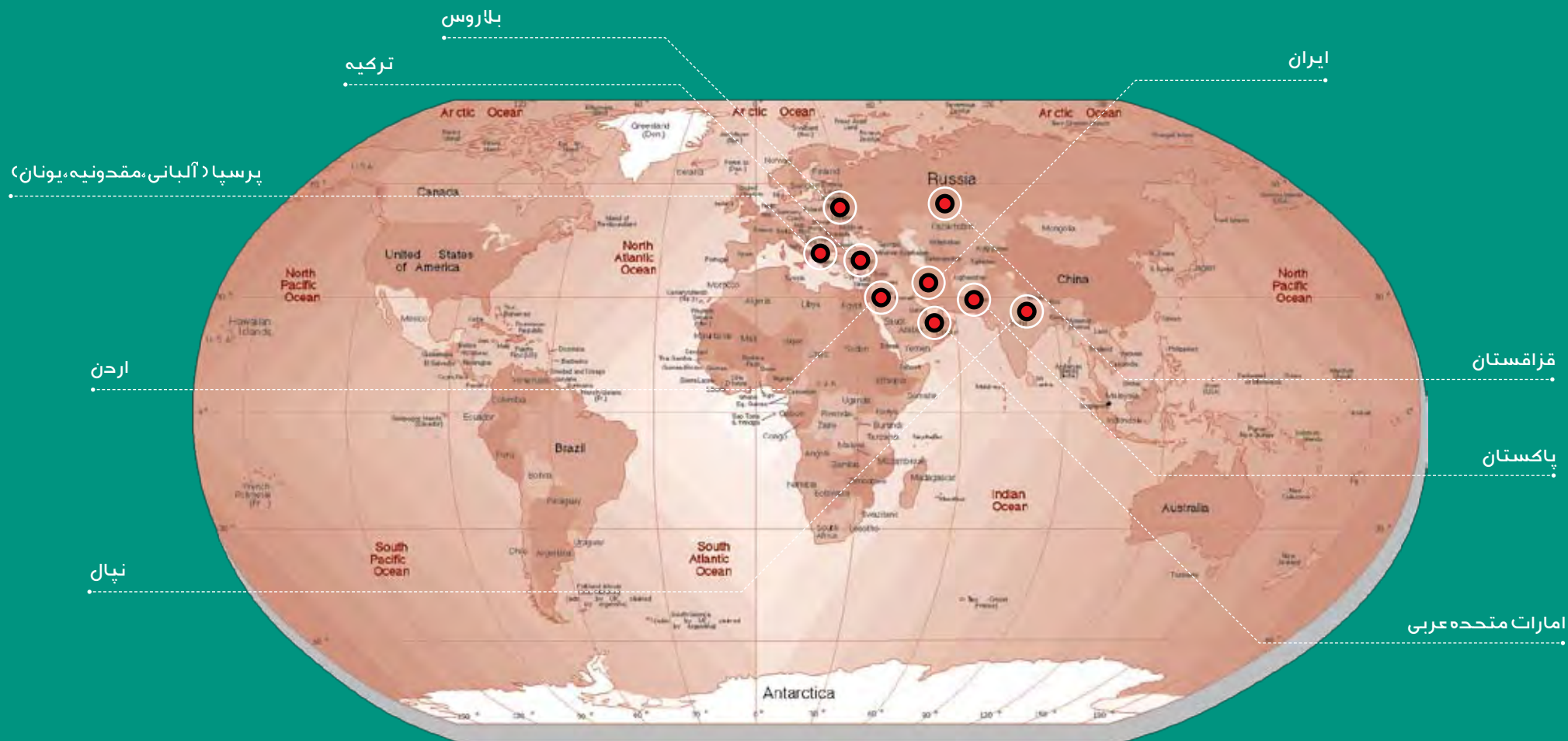
منطق این پروژه‌ها بر این نکته استوار است که شیوه‌های سنتی در حفاظت

از تالاب‌های کشور در مقابل فشارهای حاصل از توسعه مدرن کارایی ندارند و وجود یک شیوه جدید اکوسیستمی برای حفظ عملکرد تالاب‌ها و حمایت از تنوع‌زیستی و جوامع محلی ضروری می‌باشد. بنابراین، این پروژه‌ها طی ۱۰-۵ سال مداخله، متمرکز آمده‌اند تا تغییرات چشمگیری را در شیوه‌های محلی و ملی ایجاد کنند.

یکی از چالش‌های اصلی در مواجهه با این پروژه‌ها، تغییرات پیچیده‌ای است که از سوی آنها برای سیستم‌های موجود ارائه می‌گردد. هدف روش‌های اکوسیستمی، ایجاد تغییرات استراتژیک در نحوه استفاده از تالاب‌ها و منابع آبی است. در شیوه جدید، نیاز به یکپارچه‌سازی تصمیم‌سازی‌های میان‌بخشی می‌باشد، که همچنین جوامع محلی اطراف تالاب‌ها را نیز قادر به مشارکت در این تصمیم‌سازی‌ها ساخته و بخشی از مسئولیت حفاظت و بهره‌برداری از منابع را بر دوش آنها می‌گذارد. این وضعیت یعنی ایجاد یک تغییر بنیادی نسبت به حالت معمولی که در بیشتر کشورها مشاهده می‌شد، یعنی شرایطی که در آن هر تالاب به استان مربوطه تعلق داشته و هر منبعی به صورت بخشی و مرکزی مدیریت می‌شد. اگر این پروژه‌ها بخواهند موفق باشند، باید بسیار فعال بوده و نیز راهبری بسیار متفکرانه‌ای داشته باشند تا بتوانند فرآیند ایجاد تغییرات را تسهیل نمایند.

فرآیند ایجاد تغییرات از طریق ظرفیت‌سازی، ارتقاء آگاهی عمومی و ارائه روش‌های جدید حفاظت از تالاب‌ها در یک یا چند سایت آزمایشی دنبال شده بود. سپس در چندین پروژه، از تجارب کسب شده در سایت‌های آزمایشی استفاده شد تا این شیوه‌های نوین در سیاست‌ها و قوانین ملی گسترش یافته و این تجربه‌ها را در تالاب‌های سراسر کشور به کار گیرند.

نقشه مطالعات موردی



در این پروژه ۵ ساله، وزارت جنگلداری، UNDP و GEF بر روی ۱۵ توربزار تهنی شده و باتلاق تخریب شده به مساحت ۲۸۲۰۷/۷ هکتار کار کردند. این توربزارها و باتلاقها قبلاً برای تنوع‌زیستی حائز اهمیت بوده و مردم محلی به شیوه سنتی از توربزارها برای تأمین سوخت، جمع‌آوری غذاهای وحشی و شکار استفاده می‌کردند. اخیراً توربها جهت تأمین سوخت و دیگر محصولات، معدنکاو شده‌اند و در نتیجه به طور جدی تخریب گردیده‌اند. قبل از راه‌اندازی این پروژه، در سال ۲۰۰۶، مقرر شده بود که از بیشتر توربزارهای تخریب‌شده جهت کشاورزی و جنگلداری استفاده شود.

هدف از انجام پروژه حاضر، احیای ۱۵ توربزار تخریب شده می‌باشد تا بدین ترتیب به کنترل تغییرات آب و هوایی و حفظ مزایای تنوع‌زیستی در سطح بین‌المللی پرداخته شود و در عین حال جنبه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در جوامع محلی نیز مد نظر قرار گیرد. برای احیاء پایدار توربزارها طرح و برنامه‌ای تهیه خواهد شد که در سراسر جهان مفید خواهد بود. این پروژه در سطوح ملی و بین‌المللی تجاری برای مدیریت و احیای توربزارهای تخریب شده ارائه می‌نماید، به طوری که به ایجاد منافع محلی و جهانی منجر می‌گردد.

برای بیان موانع موجود در مسیر احیاء توربزارها و کسب اطمینان از انجام تعهدات در درازمدت، عملیات مورد نظر

در سه سطح استراتژیک، تحقیقات و ظرفیت‌سازی برای احیاء ۱۵ سایت صورت گرفته است. هدف این فرآیند، حل معضل تصمیم‌سازی می‌باشد، معضلی که در حوضه بسیاری از توربزارهای تخریب شده وجود دارد. یکی از نتایج موردانتظار افزایش تعداد افراد مجرب است که در مواجهه با مسائل کاربری و احیاء اراضی، برخورد کارآمدی داشته باشند.

تا به امروز، اساس اصولی احیاء توربزارها و بهره‌برداری پایدار از آنها بهبود یافته‌است. ۱۵ سایت مورد مطالعه احیاء شده و به گونه‌ای مناسب، پایش می‌گردند. چندین تکنیک آبرسانی مجدد مورد آزمایش قرار گرفته و در حال حاضر پروژه‌های احیاء توربزارها بیشتر در برنامه‌های اجرایی و سیاست‌های سراسر کشور گنجانده شده‌اند. نتایج خوبی در محدوده چهار منطقه گسترده مشخص شده‌است. زیرا از تغییرات آب و هوایی و انتشار گازهای گلخانه‌ای به میزان چشمگیری کاسته شده است. تنوع‌زیستی با وجود تعداد زیادی از گیاهان تالابی و پرندگانی که مجدداً بازگشته‌اند، نظیر گونه‌های کمیاب گیلان‌شاه بال سفید، عقاب خالدار بزرگ و بوتیمار به طور قابل توجهی افزایش یافته‌است. از سوی دیگر می‌توان به منافع اقتصادی شامل کاهش آتش گرفتن توربها و پتانسیل فروش منابع کربنی اشاره کرد. مردم محلی نیز از لذت بهبود وضعیت محصولات تالاب (مثل، انواع قارچ‌ها و توت‌ها)، ایجاد فرصت‌هایی برای صید

ماهی و پیدایش مجدد گیاهان دارویی و در نتیجه درآمد حاصل از آنها بهره‌مند گشته‌اند.

از آنجایی که پروژه به پایان می‌رسد، برای حصول اطمینان از تداوم احیاء اکولوژیکی توربزارها، فعالیت‌های بسیاری صورت گرفته تا ظرفیت‌سازی و پایداری نتایج پروژه‌ها تضمین شود. بدین منظور توزیع دستورالعمل‌های

قاعده‌مندی در راستای احیاء اکولوژیکی توربزارها صورت گرفته، همچنین به ارائه برنامه‌های آموزشی از طریق سیستم آموزشی بخش جنگل‌داری پرداخته شده‌است و اطلاع‌رسانی گسترده‌ای در تمامی سطوح انجام شده‌است. یک فیلم ویدیویی نیز با عنوان «باتلاق‌ها زنده می‌مانند!» از کانال‌های تلویزیونی ملی و بین‌المللی نمایش داده شده‌است.



ب



الف

■ توربزار بارتینخا الف) سال ۲۰۰۶ قبل از احیاء، ب) سال ۲۰۰۹. بعد از احیاء

مطالعه موردی ۲ جمهوری اسلامی ایران

پروژه تالاب انزلی

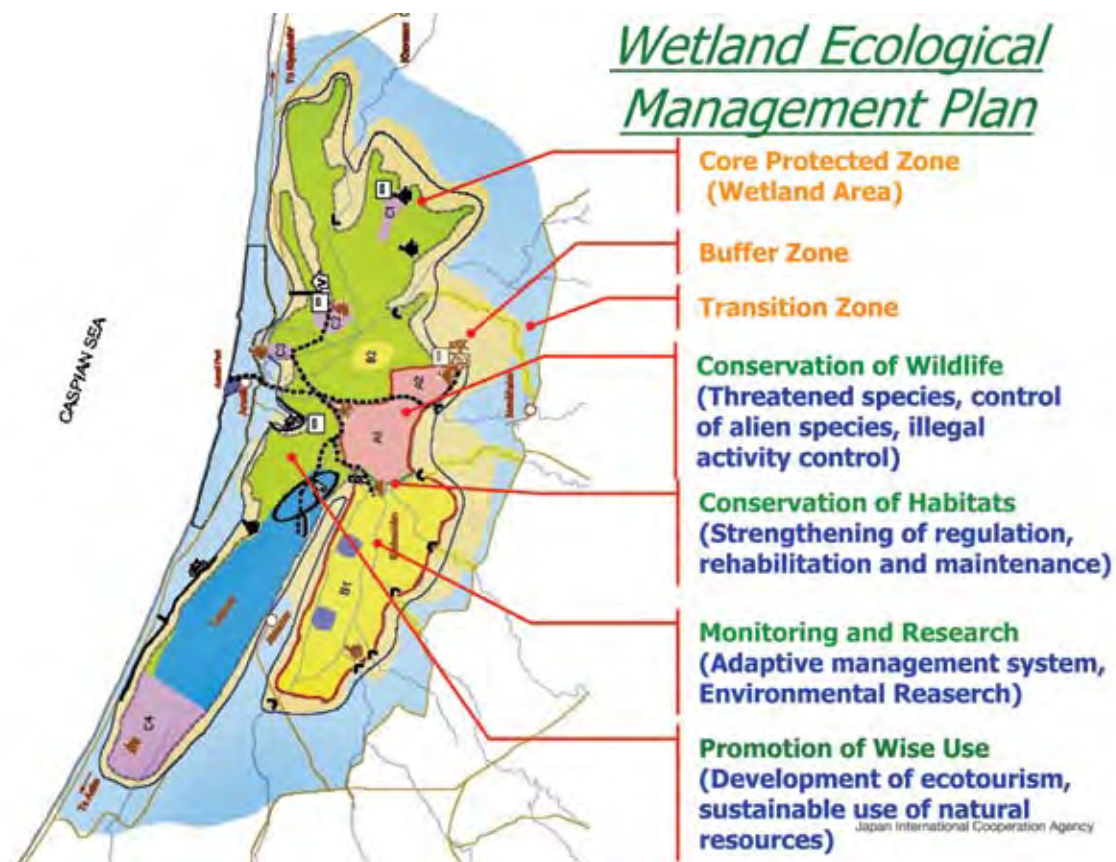
<http://www.jica.go.jp/project/english/iran/0603927/index.html>

بودجه پروژه حاضر، به وسیله آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن (جایکا) تأمین گردیده‌است و توسط جایکا و سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران در دو فاز انجام شده‌است. یک مطالعه بنیادی طرح جامع از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ صورت گرفت و سپس یک پروژه ۵ ساله مدیریت اکولوژیکی از سال ۲۰۰۷ آغاز گردید.

انزلی یک تالاب آب شیرین می‌باشد که با حوضه‌ای معادل ۳۶۱۰ کیلومتر مربع به دریای خزر زهکش می‌شود. این تالاب جزء تالاب‌های ثبت شده در کنوانسیون رامسر می‌باشد و نقطه‌ای حساس برای توقف بیش از ۷۷ گونه پرنده مهاجر آبرزی به تعداد حدود ۲۰۰۰۰۰ پرنده است. بیش از یک میلیون نفر در این ناحیه زندگی و کار می‌کنند و فعالیت‌های اقتصادی مهمی نظیر ماهیگیری، صید و شکار، استفاده‌های تفریحی - تفرجی و گردشگری را انجام می‌دهند. از جمله عوامل تهدیدکننده این تالاب می‌توان به ماهیگیری، صید و شکار، استفاده از قایق‌های موتوری و توسعه بی‌رویه شهری اشاره نمود. آب ورودی به تالاب معضلات ناشی از آلاینده‌ها و رسوبات را به همراه دارد، از طرفی سطح دریای خزر هر سال دچار تغییراتی می‌گردد.

هدف این پروژه، اجرای مدیریت یکپارچه محیط‌زیستی به منظور حفظ توازن اکولوژیکی تالاب انزلی و حوضه آن می‌باشد. هدف فاز اول تهیه طرح جامعی برای مدیریت و حفاظت یکپارچه از تالاب، اجرای پروژه‌های آزمایشی، تهیه

ابزارهای بازدارنده اثرات و ارتقاء توان تخصصی کارکنان و سازمان‌های مربوطه بود. فاز دوم، که تحت نظارت سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران در حال اجراست، تأکید بر عملیات اجرایی داشته و انتظار می‌رود که پنج خروجی داشته باشد. این موارد شامل ایجاد کمیته مدیریت تالاب انزلی، برنامه آگاهی‌رسانی و آموزش محیط‌زیست و توسعه تسهیلات گردشگری در مقیاس کوچک می‌باشد. در فاز اول این پروژه پیش‌نویس طرح‌های مدیریتی مختلفی از حوضه آبخیز گرفته تا مواد زائد جامد، تهیه شد و چندین پروژه آموزشی، اکوتوریسمی و اقتصادی ارائه گردید. در فاز دوم، تحقیقات بیشتری در راستای تحکیم و بهبود طرح‌های مدیریتی صورت گرفت، برای دست‌اندرکاران جلساتی برگزار شد که طی آنها به مفهوم زون‌بندی پرداخته شد و هم‌اکنون با استفاده از مرکز محیط‌زیست تالاب انزلی به عنوان یک مرجع، گردشگری پایدار در حال توسعه می‌باشد.



برنامه مدیریت اکولوژیک تالاب انزلی

مطالعه موردی ۳ جمهوری اسلامی ایران

پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران (CIWP)

<http://www.wetlandsproject.ir/>

این پروژه ۷ ساله، بین دولت ایران (تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست ایران)، GEF و UNDP از سال ۲۰۰۵ فعالیت خود را آغاز کرد. ایران دارای تالاب‌های متعدد و ارزشمندی است که ۸۳ مورد از آنها جزء مناطق تحت حفاظت بوده و ۲۲ مورد نیز در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده‌اند. سایت‌های تعیین شده در این پروژه شامل سه تالاب از مهمترین تالاب‌های ایران می‌باشند: دریاچه ارومیه در شمال غربی، تالاب شادگان در جنوب و دریاچه پریشان در جنوب شرقی کشور. دریاچه بسیار شور ارومیه با مساحتی معادل ۵۱۸۷۶ کیلومتر مربع و حوضه زهکشی بسته، پذیرای جمعیت قابل توجهی از فلامینگوها و پلیکان‌های سفید می‌باشد، حال آنکه تالاب‌های آب شیرین اطراف این دریاچه از تنوع زیستی بالاتری برخوردارند.

تالاب شادگان با مساحتی بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ هکتار، در برگیرنده زیستگاه‌هایی ساحلی با آب شیرین کم‌عمق و خوریات می‌باشد. بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر برای امرار معاش خود به تالاب شادگان وابسته‌اند.

دریاچه پریشان با مساحتی بالغ بر ۵۲۰۰ هکتار، دریاچه‌ای کم‌عمق و دائمی در جنوب رشته کوه‌های زاگرس می‌باشد که به وسیله باتلاق‌های پرغذا (یوتروفیک)، نیزارها و گیاهان شور دوست (هالوفیت) احاطه شده‌است. این تالاب برای پلیکان خاکستری، اردک مرمری و اردک سرسفید بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

هدف CIWP کاهش یا حذف دائمی تهدیداتی است

که تنوع زیستی ارزشمند جهانی این منطقه و به طور کلی پایداری و بقاء اکوسیستم‌های تالابی ایران با آن روبرو می‌باشند. مدیریت یکپارچه تالاب در سه سایت تعیین شده در حال اجراست و آموخته‌ها و تجارب حاصل، به دیگر تالاب‌ها در سراسر ایران بسط داده خواهد شد. مبنای این پروژه بر این است که "اگر تصمیم گیرندگان و جوامع محلی از منافع متعدد و ارزشمند تالاب‌ها آگاه و بهره‌مند گردند و چنانچه در مدیریت آنها شرکت داده شوند، از مدیریت پایدار و احیاء تالاب‌ها حمایت خواهند کرد". بنابراین در این پروژه یک عامل ارتباطی قوی وجود دارد. فعالیت‌های انجام شده شامل مطالعات پایه و ارزیابی‌های لازم، ظرفیت‌سازی و تشویق همکاری بیشتر دست‌اندرکاران می‌باشد. طرح‌های مدیریتی آماده شده و در سایت‌های تعیین شده، به تصویب رسانده می‌شوند سپس به دیگر سایت‌های تالابی ارائه می‌شوند. این روند خود شاهدهی است بر اینکه تغییر مشخصی در نوع کار حاصل شده به طوری که از شیوه کارهای بخشی سازمان‌های دولتی به شکل روش‌های مشارکتی و یکپارچه تر تبدیل شده‌است.

پروژه حاضر به توسعه یک استراتژی برای تالاب‌های ملی و نیز قوانین مربوطه، با هدف بهبود وضعیت مدیریت تالاب‌ها در سراسر کشور، می‌پردازد. با توجه به ارزیابی میان‌دوره‌ای پروژه، در ژوئن ۲۰۰۹، توصیه شد که این پروژه تا پایان سال ۲۰۱۲ ادامه یابد، به گونه‌ای که بتوان نتایج را توسعه بخشیده و سیستم مدیریتی تالاب را به سراسر کشور ارائه کرد.



■ فلامینگوها در دریاچه ارومیه

مطالعه موردی ۴ جمهوری اسلامی ایران

توسعه یک سایت تالابی و شبکه
راه‌های هوایی به منظور حفاظت از
درنا‌ی سیبری و سایر پرندگان آبی
مهاجر در آسیا

<http://www.scwp.info/>

پروژه تالاب‌های درنا‌ی سیبری GEF/UNEP (SCWP) با هدف ارتقاء ظرفیت مدیریت سه سایت در ایران ایجاد شده که دارای درجات مختلفی از حفاظت تحت قوانین ملی می‌باشد. این مناطق تحت حفاظت، همگی تالاب‌هایی با ارزش بین‌المللی هستند و تحت نظارت کنوانسیون رامسر می‌باشند که به همراه دیگر سایت‌ها در محدوده اراضی پست خزری در ایران، نواحی بسیار مهمی برای درنا‌ی سیبری *Grus leucogeranus* به عنوان گونه‌ای بحرانی و در معرض خطر محسوب می‌شوند.

هدف این پروژه دستیابی به شرایطی است که بتوان از منابع، استفاده پایدار نموده و در سایت‌های تعیین شده به بهبود وضعیت حفاظت پرداخت که این امر از طریق همکاری فعالانه دست‌اندرکاران، از جمله جوامع محلی، در فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به مدیریت تالاب امکان‌پذیر می‌باشد. امکان دستیابی به این هدف از طریق آموزش و آگاهی‌رسانی محیط‌زیستی فراهم می‌شود و با اجرای پروژه‌های آزمایشی در مقیاس کوچک، به ارتقاء معیشت جایگزین کمک می‌گردد. این پروژه، برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای مردم محلی و کارکنان استانی سازمان محیط‌زیست، کمیته‌های مدیریت سایت و سازمان‌های مردم‌نهاد را به انجام رساند. مجموعه‌ای از طرح‌های مدیریت مشارکتی برای سایت‌های کلیدی تهیه شده بودند که تأکید اصلی آنها بر افزایش آگاهی عمومی به ویژه در سطح مدارس بود.

چالش اصلی، ممانعت از انجام فعالیت‌های غیرقانونی است. در این پروژه، کنترل منطقه با کمک نگهبانانی که از جوامع محلی استخدام شده بودند، انجام گرفت. همچنین در این پروژه تله‌گذاری برای پرندگان آبی در دراز مدت مورد پایش قرار گرفت با این دیدگاه که پایداری آنها بهبود یابد و در عین حال آداب و رسوم مردم و درآمد جوامع محلی حفظ گردد.



■ برنامه آموزشی در مدارس



بودجه این پروژه طولانی مدت توسط GEF و UNEP تأمین شده و تشکل غیر دولتی اردن و انجمن سلطنتی حفاظت از طبیعت اردن آن را اجرا می کنند. واحه ازرق در دل یک حوضه زهکشی شده داخلی قرار دارد که بخشی از یک سیستم باتلاقی بسیار بزرگتر و در بردارنده گسترده ترین اکوسیستم آب شیرین در اردن بود. قبل از دهه ۸۰ میلادی، این واحه در میان صحرای خشک و پهناور عربی، به عنوان توقفگاه اصلی پرندگان مهاجر و سایت مهمی برای جوجه آوری آنها در مسیر هوایی آفریقا-اوراسیا محسوب می شد. همچنین این تالاب میزبان شغال قرمز، روباه آسیایی و گونه های متعدد ماهیان شامل مهره داران بومی انحصاری اردن ماهی کیلی ازرق *Aphanius sirhani*، که در فهرست گونه های بحرانی در معرض خطر IUCN قرار دارد، می باشد. به طور سنتی جمعیت کثیری از مردم بومی این منطقه برای امرار معاش خود به اکوسیستم این تالاب وابسته اند. در سال ۱۹۷۸ ذخیره گاه تالابی ازرق ایجاد و در کنوانسیون رامسر به ثبت رسید. آنگیزی از این تالاب آن قدر ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۹۹۳ کاملاً خشک شد.

پروژه احیای تالاب در سال ۱۹۹۴ با هدف احیاء ۱۰٪ از آب آن، آغاز شد. از دیگر اهداف این پروژه، ایجاد یک واحد ارزیابی اثرات زیست محیطی در سازمان محیط زیست و بهبود وضعیت اجرای راهبردهای کنوانسیون رامسر در اردن بود. فرآیند احیای تالاب شامل مشارکت جوامع محلی،

برنامه های آگاهی رسانی و جذب سرمایه بود.

منابع آب زیرزمینی بررسی شده و راهبردهایی برای توسعه کشاورزی پایدار تهیه گردید. طرح های مدیریت، پایش و تحقیقات بلندمدت آماده گردید. تاکنون، هدف افزایش ده درصدی سطح آب این تالاب تأمین نشده است. با این حال حدود پنج درصد از واحه اصلی احیا شده و بسیاری از گونه های نادر بازگشته اند. یک مرکز مخصوص بازدیدکنندگان، مخفیگاه تماشای پرندگان و مسیرهای پیاده روی چوبی برای توسعه گردشگری ساخته شده است. در ۱۲ سال اخیر پروژه ای برای نجات ماهی کیلی ازرق از خطر انقراض آغاز به کار کرده، تلاش های بسیاری برای زاد و ولد این گونه در اسارت انجام شده، احیاء زیستگاه بر اساس مبانی علمی و توزیع مجدد آب صورت گرفته است. در این پروژه دانش آموزان مدارس نیز مشارکت می نمایند.



حین اجرا، پروژه به درک جدیدی از بهسازی و احیاء دست می یابد

مطالعه موردی ۶ قزاقستان

حفاظت یکپارچه از زیستگاه تالابی
پرندگان مهمی که در اولویت جهانی
قرار دارند

<http://www.wetlands.kz>

این پروژه ۷ ساله، توسط وزارت منابع طبیعی و حفاظت محیط زیست قزاقستان، GEF و UNDP انجام شده و بر روی سه سایت معین که همگی دارای ارزش جهانی به لحاظ پرندگان مهاجر می باشند، کار می کند. دلتای رودخانه اورال در برگیرنده بخشی از سواحل خزر می باشد که میزبان جمعیت های پرندگان مهم بین المللی از جمله پلیکان ها و کفچه نوک، گونه نادر فوک خزری و گونه های ارزشمند اقتصادی مثل ماهی خاویاری می باشد. دریاچه های آلاکل - ساسیکل از اهمیت ویژه ای برای پرندگان آبی و گونه های کمیابی مثل آهو برخوردارند. دریاچه های Tengiz-Korgalzhyn دارای بیشترین جمعیت پلیکان خاکستری، گراز وحشی و گرگ که دائماً در حاشیه این دریاچه ها وجود دارند، می باشند. از جمله تهدیدات این مناطق می توان به بهره برداری ناپایدار از محصولات تالاب، استفاده بیش از حد از آب و گردشگری نامنظم اشاره نمود.

در این پروژه از سایت های تعیین شده برای مشخص نمودن منافع حاصل از بکارگیری یک روش یکپارچه در امر حفاظت و نیز بهره برداری پایدار از تنوع زیستی استفاده شده است. این پروژه چارچوب معمول را اصلاح نموده و مدیریت مناطق و گونه های تحت حفاظت را تقویت می کند. این کار با ارتقاء سطح آگاهی عمومی نسبت به اهمیت تالاب ها، دستیابی به حمایت و مشارکت دست اندرکاران، ارائه فرصت هایی برای بهره برداری پایدار از تنوع زیستی و

ایجاد صندوق حفاظت از تنوع زیستی صورت می گیرد. تاکنون چارچوب قانونی لازم برای حمایت از نواحی تالابی تا حد زیادی اصلاح شده است. در ماه می سال ۲۰۰۷، قزاقستان کنوانسیون رامسر را پذیرفت و دریاچه های Tengiz-Korgalzhyn به عنوان نخستین سایت های این کشور بودند که در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیدند. این پروژه مستندات لازم برای پیوستن به توافقنامه پرندگان آبی مهاجر افریقا-اوراسیا را تهیه نموده و پرونده ذخیره گاه Korgalzhyn را برای ثبت شدن به عنوان سایت میراث جهانی در یونسکو آماده کرده است. در این سه سایت می بایست اقدام به ایجاد مناطق تحت حفاظت جدید بشود. کارکنان ذخیره گاه های تالابی و مسئولین ملی و محلی، آموزش های گسترده ای در خصوص حفاظت و پایش تالاب ها با روش اکوسیستمی دیدند. طرح های مدیریتی مناطق و گونه های تحت حفاظت تهیه شده اند.

تلاش های بسیاری برای ارتقاء سطح آگاهی عمومی نسبت به تنوع زیستی از بزرگداشت روز جهانی تالاب تا روز جهانی زمین صورت گرفته تا طی آنها ابزارهایی برای آموزش محیط زیست به مدارس تهیه گردیده و ویدئو کلیپ هایی از گونه های شاخص تالاب تولید شود. جوامع محلی آموزش هایی در رابطه با شیلات و کشاورزی پایدار و فرصت های درآمدزای متناسب با تنوع زیستی دیده اند. ساختار اکوتوریسم با ایجاد مراکزی برای بازدیدکنندگان،

تهیه تجهیزات، کامیون و قایق
موتوری اصلاح گردیده است. در نهایت
صندوق تنوع زیستی در راستای کمک
به پیشگامان تنوع زیستی در سراسر
کشور ایجاد شده است.



■ سیستم دریاچه‌های Tengiz-Korgalzhyn

مطالعه موردی ۱ نیپال

حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تالاب‌ها در نیپال

<http://www.wetlands.org.np>

این پروژه از همکاری بین دولت نیپال، GEF و UNDP تشکیل شده و توسط وزارت حفاظت از خاک و جنگل‌ها اداره می‌شود. محدوده مورد مطالعه متشکل از دو سایت حائز اهمیت به لحاظ جهانی است که در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده، ذخیره گاه حیات وحش Koshi Tappu و دریاچه‌های Ghodaghodi در آن قرار دارند. Koshi Tappu و محدوده بافر آن را دشت سیلابی رودخانه‌ای تشکیل می‌دهد که ۳۴۸۰۰۰ هکتار وسعت دارد. این منطقه میزبان بزرگترین مرغ ماهیخوار و تنها جمعیت باقیمانده بوفالو آبی وحشی در نیپال می‌باشد. Ghodaghodi مجموعه‌ای از دریاچه‌های طبیعی، دائمی و فصلی با مساحتی بالغ بر ۲۵۶۳ هکتار می‌باشد. در این مجموعه بزرگترین دریاچه U شکل نیپال قرار دارد و برای حیات وحش به عنوان گذرگاه مهمی بین دشت‌ها و تپه‌ها محسوب می‌گردد. این منطقه به واسطه وجود بالغ بر ۱۴۰ گونه پرنده از جمله جمعیت‌های آسیای جنوبی خوتکا غاز شهرت دارد. در محدوده این پروژه ۱۵۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند. در Ghodaghodi بیشتر جوامع محلی از دریاچه برای ماهیگیری، آبیاری محصولات کشاورزی یا دیگر فعالیت‌ها استفاده می‌کنند. در Koshi Tappu حدود یک سوم از مردم به تالاب وابسته هستند. این پروژه در سال ۲۰۰۸ با هدف حفظ و افزایش تنوع زیستی در تالاب و ارائه خدمات و کالاهای محیط زیستی، شروع به کار کرد تا وضعیت معیشتی جوامع محلی را بهبود

بخشد. نتایج موردانتظار از این پروژه عبارتند از: افزایش آگاهی‌ها در خصوص منافع حاصل از تنوع زیستی تالاب؛ حفاظت و بهره‌برداری پایدار؛ ادغام ارزش‌های تنوع زیستی با سیاست‌های ملی و طرح‌های استراتژیک؛ تقویت ظرفیت ملی، نهادی، تخصصی و اقتصادی؛ و در نهایت، مدیریت بهینه منابع تالابی با همکاری میان تمامی گروه‌های بهره‌بردار و سیاستگذاران.

پروژه تاکنون فعالیت‌های متعددی را به انجام رسانیده است. در این پروژه به اصلاح دانش تخصصی از طریق جمع‌آوری اطلاعات پایه، تعیین گونه‌های شاخص، فهرست‌برداری از تالاب و طرح‌های مدیریتی پرداخته شده است و فاکتورهای زیر فراهم گردیده است: یک ابزار برای پایش و ارزیابی فهرست داشته‌های تالاب؛ ابزارهای ارزشگذاری اقتصادی؛ استراتژی CEPA و چارچوب انتشار؛ دستورالعمل‌های مربوط به گونه‌های بیگانه مهاجم، متدولوژی تهیه مستندات مربوط به دانش بومی تالاب؛ ایجاد حساسیت و آگاهی‌رسانی به رسانه‌ها و مردم؛ احیاء مناطق تالابی بحرانی دانش بومی با محصولات تالاب ارتباط داده شده، مبانی معیشتی ارزیابی شده و طرح‌های مدیریتی تکمیل گردیده‌اند. مجمعی از دست‌اندرکاران مختلف و همچنین یک کمیته تراز اول در خصوص تالاب‌های ملی برای برقراری همکاری میان بخش‌های مختلف ایجاد شده است. به طور همزمان، فعالیت‌هایی برای توسعه و بهبود شرایط اقتصادی اجتماعی



■ کارشناسان در شناسایی محصولات تالابی از مردم محلی کمک می‌گیرند

در جوامع محلی صورت گرفته که برخی از آنها عبارتند از یافتن فرصتهایی برای توسعه اقتصادی پایدار در زمینه محصولات تالابی نظیر ماهی، شاه بلوط آبی، انرژی‌های جایگزین مانند هاضم‌های متان، تهیه کمپوست از علف‌های هرز و گونه‌های مهاجم، کاهش نابودی محصولات به دلیل حمله حیوانات وحشی که این کار با نصب حصارهای الکتریکی در مناطق آسیب‌پذیر انجام شده‌است. بنابراین جوامع محلی در هر دو سایت مورد مطالعه، شروع به دریافت منافع از تلفیق حفاظت و تأمین معاش نموده‌اند.

این پروژه ۷ ساله GEF و UNDP، از سال ۲۰۰۵ کار خود را آغاز کرده و توسط وزارت حفاظت از محیط زیست و WWF پاکستان در حال اجراست. با وجود آب و هوایی خشک در پاکستان، این کشور دارای بیش از ۲۲۵ تالاب طبیعی می‌باشد که ۱۹ مورد از آنها در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده‌است. طور کلی این پروژه تمامی این تالاب‌ها را مدنظر دارد ولی تأکید خاص آن بر چهار منطقه معین است. مجموعه تالاب‌های ساحلی مارکان شامل انواع مرجان، مرداب‌های مانگرو و گیاهان دریایی، لاک‌پشت‌های تهدید شده، کروکودیل مرداب در معرض خطر انقراض، انواع گونه‌های خانواده نهنگ‌ها و دلفین‌ها دریایی و تعداد زیادی پرندگان مهاجر می‌باشد. مجموعه تالاب‌های مرکزی ایندوس شامل بخشی از رودخانه ایندوس و دشت سیلابی آن می‌باشد که تضمین‌کننده بقای بازمانده جمعیت گونه در معرض خطر انقراض دلفین رودخانه ایندوس بوده و مسیر پروازی اصلی پرندگان مهاجر می‌باشد. مجموعه تالاب‌های نمک‌زار متشکل از دریاچه‌های آب شور و شیرینی است که پناهگاهی برای پرندگان زمستان‌گذران و میزبان گونه بومی و در معرض خطر انقراض قوچ اوریال پنجاب می‌باشد. در نهایت، مجموعه تالاب‌های شمالی آلپ می‌باشد که دارای دریاچه‌های مرتفع و مجموعه منحصر به فردی از گیاهانی است که تنها در مراتع کوهستانی هیمالیا، هندوکش و کاراکورام یافت می‌شوند. این چهار منطقه تالابی روی هم،

حدود ۱۴۴ میلیون سکنه و ۳ تا ۴ میلیون از مردم آواره کشورهای همسایه و نواحی دچار تعارض اطراف را در خود جای داده‌است. تالاب‌های پاکستان، عموماً به واسطه عوامل بسیاری که بیشتر آنها ریشه در فقر دارند، تهدید می‌شوند ولی به دلیل ضعف علمی و مدیریتی، این عوامل تشدید می‌گردند.

هدف اصلی این پروژه حفظ تنوع زیستی تالابی ارزشمند پاکستان و کمک به کاهش فقر می‌باشد. از جمله مقاصد این پروژه تهیه طرح‌های پیشگامانه‌ای است که برای ایجاد محیط زیست ملی شکل گرفته‌اند و می‌توانند سبب ارتقاء وضعیت مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع تالابی گردند. برنامه‌های مدیریت مشورتی نیز برای این چهار سایت تعیین شده، آماده خواهد شد و در عین حال از آنها به عنوان مدلی برای دیگر نواحی تالابی استفاده خواهد شد. مجمع‌های محلی با حضور نمایندگان تمامی دست‌اندرکاران مربوطه تشکیل خواهد شد و گزینه‌هایی برای کسب درآمد به صورت پایدار تهیه خواهد شد. تا پایان این برنامه، تلاش می‌گردد تا آگاهی عمومی نسبت به مبانی حفاظت از تالاب ارتقاء یافته و توان تخصصی برای مدیریت پایدار منابع آب شیرین و تالاب‌ها افزایش یابد.

سیاست ملی حفاظت از تالاب‌ها شکل یافته‌است. دوره‌های آموزشی برای کاربران مختلف شامل کارکنان ارتش و کارمندان خدمات دولتی ارائه گردیده و از مفاد این



دوره‌ها در کتابچه‌های راهنمای مدیریت تالاب استفاده شده‌است. یک گروه از دوستداران تالاب، اقدام به آگاهی‌رسانی در مدارس سراسر کشور در سطحی وسیع نموده، روز جهانی تالاب را جشن گرفته و سخنرانی‌هایی در جوامع وابسته به تالاب برگزار کردند. چندین کمیته حفاظت روستایی تشکیل شد و با تدارک و ارائه منابع انرژی جایگزین، فرصت آزمایش معیشت‌های جایگزین برای جوامع محلی فراهم گردید.



■ تیم‌های مشغول به کار در نواحی دورافتاده، علیرغم بروز حوادث طبیعی به کار خود ادامه می‌دهند

آلبانی (جمهوری سابق یوگسلاوی)، مقدونیه و یونان

مدیریت یکپارچه اکوسیستم در حوضه
دریاچه‌های پرسپای آلبانی (جمهوری سابق
یوگسلاوی)، مقدونیه و یونان
<http://prespa.iwlearn.org> ; www.undp.org.mk ; <http://www.prespapark.org>

حوضه دریاچه‌های پرسپا با وسعتی معادل ۱۶۰۰ کیلومتر مربع، بین سه کشور فوق قرار دارد اما بیشترین بخش آن در مقدونیه واقع شده است. تقریباً ۳۰۰۰۰ نفر در این محدوده با اقتصادی مبنی بر کشاورزی، ماهیگیری، گردشگری و کار در کارخانجات مقدونیه، زندگی و کار می‌کنند. این منطقه یکی از مناطق فرامرزی اصلی اکولوژیکی اروپا و به دلیل کیفیت زیستگاه‌های خود، تعدد گونه‌ها و ارزش آنها به لحاظ کمیابی از "نقاط حائز اهمیت" تنوع‌زیستی می‌باشد. این منطقه سرپناهی برای بیش از ۹۰ گونه پرنده مهاجر و محل جوجه‌آوری گونه نادر پلیکان خاکستری می‌باشد. عواملی که این اکوسیستم را تهدید می‌نمایند عبارتند از کاهش سطح آب‌ها، آلودگی، زباله، ماهیگیری به شیوه‌های نامناسب، ضعف مدیریتی جنگل‌ها و مناطق تحت حفاظت، استفاده کنترل نشده از منابع آب و تقسیم غیرمتوازن آب و منابع تالابی.

این برنامه ۵ ساله که بودجه آن توسط UNDP/GEF تأمین گردیده بود، توسط سه ارگان دولتی زیر نظر وزارتخانه‌های محیط‌زیست مربوطه اجرا می‌گردد. در مقیاس فرامرزی، این پروژه تحت نظارت کمیته سه‌جانبه و هماهنگ‌کننده‌ای با عنوان کمیته هماهنگی پرسپا پارک^۱ می‌باشد که متشکل از نمایندگان از دولت‌های محلی و

۱. به دنبال امضای یک تفاهم‌نامه رسمی بین‌المللی در پرسپا در دوم فوریه ۲۰۱۰، (روز جهانی تالاب)، این مکانیسم همکاری فرامرزی، با تأسیس کمیته مدیریت پارک پرسپا (جایگزین کمیته هماهنگی پارک پرسپا) که مجموعه‌ای سه جانبه با مدیریتی فرامرزی است، ارتقاء بیشتری یافته‌است.

مرکزی، بخش شهری تمامی ایالت‌های ساحلی و ناظرینی از سازمان‌های متعدد ملی و بین‌المللی است. شعار پرسپا پارک "سه کشور، دو دریاچه، یک آینده" می‌باشد و این پروژه گام مهمی است به سوی یک شیوه هماهنگ و یکپارچه فرامرزی در سطح حوضه‌آبخیز برای حفاظت و مدیریت تنوع‌زیستی و منابع آب مشترک. گرچه ایالت‌ها، پرسپا را به عنوان یک "پارک" فرامرزی سمبلیک معرفی می‌کنند، اما در حقیقت این پارک یک چشم‌انداز پرتولید است که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند و بر اکوسیستم اطراف آن اثر می‌گذارند. این پروژه تلاش نموده تا در سطح ملی، ظرفیت احیاء سلامت تالاب‌ها را تقویت نماید که این امر از طریق هدایت رویکردهای اکوسیستم در برنامه‌ریزی فضایی و مدیریت آب، کشاورزی، شیلات و مناطق تحت حفاظت صورت گرفته‌است. در این پروژه اتخاذ شیوه‌های مدیریتی توصیه می‌شود که به طور همزمان بین تأمین اهداف اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی با حفاظت از تنوع‌زیستی و کاهش آلودگی، هماهنگی ایجاد می‌کنند. مسیر اصلی این پروژه ایجاد سیاست‌های مؤثر میان‌بخشی و تهیه برنامه عملی زیست‌محیطی در سطح محلی است. نتایج به دست آمده در سطح محلی، به بهتر شدن همکاری‌های فرامرزی کمک می‌کند. پروژه حاضر سبب تقویت نهادهای فرامرزی موجود شده و پیشگامان جدید بین‌المللی حفاظت و مدیریت را راهبری می‌نماید.



■ دریاچه پرسپا، یک تالاب فرامرزی مشترک بین سه کشور

WWF ترکیه از سال ۲۰۰۲ بر روی استفاده معقول از منابع آب در حوضه کُنیا فعالیت نموده است. این حوضه با وسعتی معادل ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع، ۷ درصد از وسعت ترکیه را دربر گرفته و WWF آن را به عنوان یکی از ۲۰۰ منطقه اکولوژیکی بین‌المللی در سطح جهان معرفی نموده است. این منطقه شامل یک دریاچه بزرگ نمک، دو تالاب ثبت شده در کنوانسیون رامسر، ۱۶ منطقه پرندگان مهم، یک پارک ملی و بزرگترین دریاچه آب شیرین ترکیه می‌باشد. در این منطقه محدوده وسیعی از انواع گیاهان وابسته به دریاچه‌های نمک منحصر به فرد آناتولی مرکزی وجود دارد. همچنین منطقه مهم اقتصادی با مقادیر زیادی محصولات صنعتی و کشاورزی است. ۶۰ درصد از نمک ترکیه از صنایع نمک در این منطقه تأمین می‌گردد. تنوع زیستی در حوضه کُنیا از رقابت رو به افزایش بین بهره‌برداری و حفاظت از منابع طبیعی رنج می‌برد. در اینجا سیاست‌ها و برنامه‌های کوتاه‌مدت اندکی وجود دارند. مهمترین معضلات عبارتند از نرخ سریع کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، نابودی زیستگاه‌های تالابی، آلودگی منابع آب و دریاچه‌ها. هدف این پروژه استفاده معقول از منابع آب در حوضه کُنیا می‌باشد. در ترکیه، می‌توان حفاظت از تالاب در مقابل تخریب آن را از طریق مدیریت آب تعیین نمود، لذا هدف، اجرای یک تغییر مسیر استراتژیک در شیوه مدیریت و بهره‌برداری از آب است. WWF ترکیه به همراه تمامی

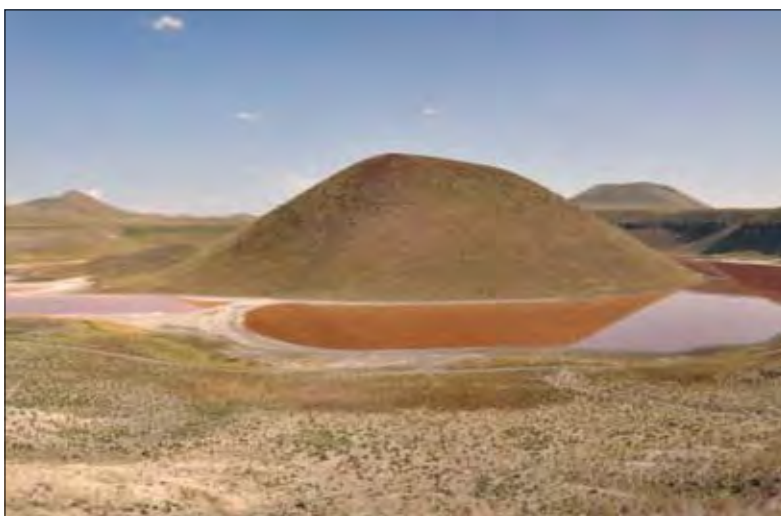
دست‌اندرکاران در منطقه، با مشارکت یکدیگر تلاش می‌کنند تا برنامه یکپارچه‌ای برای مدیریت حوضه رودخانه تهیه نمایند. اولویت‌های مربوطه عبارتند از ارائه مفهوم مدیریت یکپارچه، تهیه طرح‌های مدیریتی محلی، ارتقاء سطح آگاهی‌ها در خصوص رابطه آب-کشاورزی-محیط زیست، مدیریت آب و معرفی تکنیک‌های مدرن آبیاری. هدف دیگر نیز توسعه سیاست‌های ملی آب، کاهش اثرات منفی برنامه‌های زیرساختی و ارتقاء آنها در مقیاس وسیع است به طوری که حفاظت و استفاده معقول از زیستگاه‌های آب شیرین بتواند هم منافع طبیعت و هم منافع مردم را تأمین نماید.

تاکنون، تحقیقات علمی و تجزیه و تحلیل‌هایی از جمله در خصوص اثرات ناشی از تغییرات آب و هوایی صورت گرفته است، گزارشاتی در خصوص کشاورزی و ساختار اقتصادی-اجتماعی حوضه نوشته شده است و طرح‌های مدیریتی باتلاق‌های Eregli و دریاچه نمک تهیه گردیده است. پروژه‌های آزمایشی برای آبیاری قطره‌ای در ۸ ناحیه مختلف حوضه انجام شد و ۱۵۰۰ کشاورز در سایت موردنظر آموزش دیدند.

بهترین کاری که با همکاری تشکل غیردولتی همگانی صورت گرفت، پروژه آبیاری قطره‌ای بود که با مشارکت ۱۰۰ کشاورز انجام شد و نتیجه آن افزایش ۲۵ درصدی تولیدات و ۴۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف آب بود. وزارت کشاورزی



کمک هزینه‌هایی اعطا نموده‌است و آبیاری قطره‌ای حداقل تا میزان ۴۰٪ در حوضه افزایش یافته‌است. آگاهی‌رسانی در مقیاس وسیع از طریق رسانه‌ها انجام شده‌است. گفتگوهای مفیدی بین دست‌اندرکاران، عوام و سیاستگذاران، از طریق برگزاری کارگاه‌ها و جلسات مختلف صورت گرفته‌است.



مطالعه موردی ۱۱ امارات متحده عربی

پروژه دریاچه الورسن، دبی
<http://www.alwarsanlake.com>

الورسن یک تالاب مصنوعی است که در اواخر دهه ۹۰ میلادی، هنگامی که آب تصفیه‌شده اضافی تصفیه‌خانه فاضلاب شهری دبی به گودال‌های صخره‌های اطراف ریخته می‌شد، ایجاد گردید. آبگیرهای پدید آمده طی این فرآیند، به تدریج تبدیل به زیستگاهی مهم برای پرندگان آبی مهاجر، بومی و در معرض خطر انقراض گردیدند. این مجموعه آبگیرها تنها تالاب آب شیرین در یک ناحیه وسیع بیابانی هستند و توقفگاهی حیاتی در مسیر پروازی آفریقا-اوراسیا محسوب می‌شوند.

از جمله پرندگان مهم بین‌المللی در این تالاب می‌توان به هوبره، حواصیل بنفش و عقاب خالدار بزرگ اشاره نمود. این تالاب ۲۹ هکتاری در پیرامون یک منطقه مسکونی توسعه یافته جدید قرار دارد که به شهر بین‌المللی معروف است و دارای ۶۰۰۰۰ سکنه می‌باشد و به صورت دوره‌ای فاضلاب تصفیه شده به آن وارد می‌شود. با این حال نمی‌توان به تأمین منظم آب اطمینان کرد، دریاچه مقادیری آب را از طریق تبخیر از دست می‌دهد و به این ترتیب تضمینی برای مقدار و کیفیت آب وجود ندارد.

شرکت توسعه ناکهیل، به اهمیت این تالاب پی برد و مأموریتی را برای حفاظت، حمایت و توسعه این دریاچه به عنوان یک ذخیره گاه طبیعی بین‌المللی و یک مکان جذاب گردشگری، آغاز کرد. موقعیت این تالاب در دل یک کویر موجب اهمیت یافتن آن گردیده‌است. شرکت

ناکهیل کنسرسیوم پروژه حفاظت از دریاچه را متشکل از متخصصینی در زمینه تالاب، پرندشناسان، متخصصین تصفیه آب، طراحان منظر و طراحان کاربری اراضی ایجاد کرد که وظایف آنها حفاظت و ارتقاء شرایط محیطزیست برای پرندگان مهاجر و به رسمیت شناختن کنوانسیون رامسر بود.

به منظور حفظ سطح آب دریاچه، شوری، pH و مواد مغذی دریاچه در حد مناسب برای تولید، این کنسرسیوم اقدام به ایجاد سیستم مدیریت آب دریاچه شامل یک دستگاه اسمز معکوس نمود. یک طرح مدیریتی با توجه به دستورالعمل‌های کنوانسیون رامسر در دست تهیه می‌باشد تا به کمک آن بتوان از کاربری پایدار اکوسیستم و منابع آن اطمینان حاصل کرد. در برنامه توسعه دریاچه از شیوه ابدایی و خلاقانه‌ای استفاده می‌شود که آمیخته‌ای است از طرح‌های زیبا و هنری چشم‌اندازها، و در عین حال نسبت به حفظ گونه‌ها در حد بالاترین استانداردها اطمینان کسب می‌شود. این طرح شامل یک مرکز آموزشی با مشارکت گسترده دست‌اندرکاران، همکاری ساکنین محلی، گردشگران، بخش خصوصی، متخصصین بین‌المللی و دولتی می‌باشد. در حال حاضر، به دلیل کمبود بودجه، پروژه متوقف گردیده است. متأسفانه دریاچه به تدریج در حال شور شدن است و وضعیت اکولوژیکی آن تغییر می‌کند که بر تنوع گونه‌های پرندای که از اینجا به عنوان پناهگاه استفاده می‌کنند، تأثیر می‌گذارد.



■ دریاچه الورسن، یک تالاب مصنوعی در بستی شهری



فصل سوم
آموخته‌ها و بهترین تجارب

برنامه مدیریت یکپارچه

"فرق بین موفقیت و شکست در برنامه‌های مدیریتی در مشارکت تمامی دست‌اندرکاران مربوطه است."

مقدمه و سؤالات کلیدی



جلسات برنامه‌ریزی مدیریتی همراه با ذینفعان

تالاب‌ها مناطقی پرتولید و پویا می‌باشند که به دلیل داشتن تنوع‌زیستی و ارائه طیف وسیعی از خدمات اکوسیستمی، حائز اهمیتند. با این حال در معرض اثرات مختلف ناشی از فعالیت‌های بشر می‌باشند که در درون یا بیرون از مرزهایشان انجام می‌شوند. از این رو حفاظت از آنها موضوعی چند وجهی است که نیازمند کمک‌های مالی تعداد زیادی از نهادهای دولتی، بخش خصوصی، کاربران، تشکلهای غیردولتی و سازمانهای مردم‌نهاد می‌باشد. یک برنامه مدیریتی یکپارچه، موجب جلب رضایت تمامی این دست‌اندرکاران در دستیابی به اهداف درازمدت خواهد شد. با تشکیل کمیته مدیریتی در سطح سایت که در برگیرنده تعداد زیادی از دست‌اندرکاران باشد، کمک شایانی به توسعه برنامه و نظارت بر اجرای صحیح آن خواهد شد (رجوع کنید به بخش ۲-۳).

در تمامی مطالعات موردی صورت گرفته، برنامه مدیریت یکپارچه به عنوان ابزار کلیدی در حفاظت از تالاب مورد استفاده قرار گرفته تا اهداف حفاظت و احیاء ویژگی‌های اکولوژیکی مناطق مورد بررسی‌شان تأمین گردد، تنوع‌زیستی تالاب بهبود یابد و مردم منطقه بتوانند از منابع تالاب استفاده معقول نمایند. چه آموخته‌هایی در جریان اجرای پروژه‌ها برای تهیه یک برنامه مدیریتی، کسب موفقیت و ضمانت اجرایی کسب شده‌است؟

نشانه‌های موفقیت چیست؟

■ برنامه مدیریت یکپارچه توسط تمام دست‌اندرکارانی که دید مشترکی در مورد آینده مناطق مورد بررسی‌شان دارند به طور رسمی پذیرفته شده‌است.

- برنامه مدیریتی می‌تواند بدون حمایت پروژه به طور موفقیت‌آمیز اجرا شود.
- دانش و مشارکت محلی در حال پیشبرد برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد.
- دست‌اندرکاران به مسئولیت‌های خود واقفند.
- جوامع محلی به شدت در اجرا به کار گماشته می‌شوند.
- نظارت، پایش و مدیریت تطبیقی انجام می‌شود.
- تهدیدها در حال کاهش می‌باشند و وضعیت تالاب رو به بهبود است.
- عملکرد اصلاح شده سبب افزایش خدمات اکوسیستمی می‌گردد.
- تنوع‌زیستی در حال احیاء است.
- مردم محلی در حال دریافت منافع بیشتری هستند.

ابزارهای سودمند

دستورالعمل‌ها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع‌زیستی^۱
- دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی مدیریتی کنوانسیون رامسر^۲
- دستورالعمل‌های IUCN^۳
- دستورالعمل پرندگان مهاجر آبی-آفریقا-اوراسیا (AEWA)^۴
- دستورالعمل‌های پهنه‌بندی (تهیه شده توسط پروژه‌های ایران و قزاقستان)

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>
 2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-guidelines-new-guidelines-for/main/ramsar/1-31-105%5E20857_4000_0__
 3. http://www.iucn.org/about/union/commissions/wcpa/wcpa_puball/wcpa_bpg/?378/Guidelines-for-Management-Planning-of-Protected-Areas
 4. http://www.unep-aewa.org/publications/conservation_guidelines.htm

تجزیه و تحلیل مشکل

- چارچوب منطقی
- تجزیه و تحلیل علت ریشه‌ای
- قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها (SWOT)
- پیش‌نویس راه‌حل
- قدردانی (نیپال، بلاروس)

اطلاعات

- تجزیه و تحلیل دست‌اندرکاران
- مرور مقالات و منابع علمی
- اطلاعات پایه (اجتماعی و بیوفیزیکی)
- دانش بومی

مشارکت

- ایجاد کمیته‌های محلی
- کارگاه‌ها
- دوره‌های آموزشی
- بازدیدهای میدانی برای نمایندگان در تمامی سطوح
- برگزاری مراسم نمادین امضاء (برای جوامع محلی)

قوانین و مقررات و سیاست‌ها

- قوانین و مقررات تالاب‌ها
- سیاست‌های ملی مربوط به تالاب
- مکاتبات، توافقنامه‌ها، شرایط همکاری و غیره

درسهای آموخته از مطالعات موردی

تدوین برنامه مدیریت

- کارها را، حتی در حین تهیه برنامه مدیریتی آغاز نمایید، در غیر این صورت همکاران و مشارکت کنندگان ناامید خواهند شد.
- یک کمیته مدیریتی متشکل از همه دست‌اندرکاران در منطقه موردنظر ایجاد کنید تا به توسعه طرح کمک نموده و بر اجرای آن نظارت کند (رجوع کنید به بخش ۲-۳).
- برنامه را با هر گونه اطلاعاتی که در دست می‌باشد آغاز نمایید؛ اجازه ندهید که نیاز به تحقیقات، عاملی برای متوقف نمودن کار گردد.
- تهیه نقشه‌ها ابزار بسیار مفیدی در تشریح مفاهیم مدیریتی است و زون‌بندی که خود ابزار کلیدی اجرای اقدامات مدیریتی است، بر مبنای این نقشه‌ها انجام می‌شود.
- طرح را در سطح محلی تهیه کنید و سپس به سطح دولتی بسط دهید (نپال و پاکستان) یا به طور همزمان طرح‌ها را در سطوح محلی و دولتی تهیه کنید (ایران).
- یک برنامه آگاهی‌رسانی اولیه و مستمر برای تمامی دست‌اندرکاران در نظر داشته باشید.
- از تشکلهای غیردولتی و سازمانهای مردم‌نهاد کمک بگیرید تا بدین ترتیب از مشارکت جامعه استفاده کرده‌باشید.
- از مشارکت گسترده و اثرگذار تمامی دست‌اندرکاران اصلی اطمینان حاصل نمایید؛ مراقب باشید که به اجبار سرعت توسعه برنامه‌های مدیریتی از میزان لازم بیشتر نشود تا دست‌اندرکاران توانایی انجام کار را داشته‌باشند.
- توسعه برنامه‌های مدیریتی به صورت مشارکتی عامل بسیار مهمی در فرآیند ظرفیت‌سازی می‌باشد. از تسریع این فرآیند به وسیله نوشتن برنامه‌های مدیریتی

توسط تیم یک پروژه خودداری کنید.

- "به دوستان و حتی مخالفانتان نزدیک باشید!" این بدان معنی است که باید روی دست‌اندرکارانی که نسبت به فرآیند برنامه‌های مدیریتی بدبین و مخالف هستند، زمان بیشتری صرف نمود.
- برای دستیابی به یک چشم‌انداز مشترک آماده باشید (به طور مثال برای تعیین حقایق یا تعیین مرزهای مناطق تحت حفاظت).
- در ابتدا، روی اجزایی از برنامه‌های مدیریتی که اجرای آنها نسبتاً آسان است متمرکز شوید تا اطمینان جامعه را جلب نمایید.
- مسئولیت‌ها برای اجرای برنامه می‌بایست SMART^۱ باشد.
- در تعیین و طرح‌ریزی فعالیت‌های لازم برای اجرای طرح واقع‌بین باشید و بیشتر بر روی تهدیدات و اهداف مهم و کلیدی تأکید کنید.
- یک برنامه تجزیه و تحلیل ریسک و نیز یک طرح فوریتی را مدنظر داشته باشید.
- روند تهیه برنامه مدیریتی را از طریق نوشتاری یا ثبت با دوربین بایگانی کنید.

اصلاح و تصویب طرح

- مفاهیم قانونی و ملزومات طرح را در مراحل اولیه در نظر داشته باشید، چرا که ضمانت اجرایی مستلزم وجود مبانی قانونی می‌باشد.
- تعارضات محلی را زود حل کنید و وضعیت مالکیت افراد را مشخص کنید در غیر این صورت، طرح تصویب یا پذیرفته نخواهد شد.
- حمایت اولیه مسئولینی نظیر فرمانداران محلی، رؤسای شوراهای و تشکلهای غیردولتی را جلب کنید.
- از تأییدهای ملی و محلی مطمئن شوید.

۱. SMART : Specific, Measurable, Achievable, Realistic, Timely

طرح مدیریت دریاچه ارومیه (ایران) طی مراسم امضای توافقنامه بین وزرا و استانداران تصویب شد.



■ مراسم امضاء توافقنامه مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه (ایران)

- پس از جلب تأییدها، خلاصه کوتاهی از طرح را که نشان‌دهنده عناصر کلیدی و مسئولیت هر کس برای انجام کاری معین می‌باشد، در مقیاس وسیع توزیع نمایید.
- برنامه‌های مدیریتی باید قابل تعمیم به سایر طرح‌های جامع و بخشی منطقه باشد.
- ترتیبی دهید که برای تصویب اصلاحیه‌های برنامه‌های مدیریتی از فرآیندهایی با رسمیت و پیچیدگی کمتر استفاده شود.

برخی از نمونه‌های برتر

بحران‌های محیط‌زیستی می‌توانند به فرصت‌هایی برای انجام مدیریت بهتر تالاب مبدل گردند: سیلاب و زلزله (پاکستان)، خشکسالی (ایران و ترکیه)، آتش‌سوزی معادن (بلاروس)



■ آتش‌سوزی در تورب‌زارها (بلاروس)

و "واسطه‌ای امین" میان دست‌اندرکارانی باشند که در ابتدای کار اغلب دارای تعارضات می‌باشند. حفظ یک برنامه و چشم‌انداز کلی بین دست‌اندرکاران وقت زیادی می‌گیرد و معمولاً پروژه‌ها کوتاه‌تر از این هستند که تضمین‌کننده یک خروج پایدار باشند (یعنی شرايطی که دست‌اندرکاران خود به طور کامل صاحب، مجری و تأمین‌کننده بودجه طرح هستند). برنامه‌ریزی مدیریتی یک پروسه تطبیقی است و هرگز پایان نمی‌پذیرد. پس در هر برنامه باید مکانیسمی برای بازبینی‌های آتی در نظر گرفته شود.

۲-۳- تمهیدات مالی، نهادی و دولتی

"مدیریت باید به پایین‌ترین سطح مناسب متمرکز شود" (اصل رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی)



جلسه کمیته محلی مدیریت تالاب پریشان، ایران.

استاندار و هیئت مدیره استانی محیط‌زیست ایسپارتا (ترکیه)، پشتیبانان طرح مدیریتی دریاچه Egirdir می‌باشند، لذا این طرح به عنوان بهترین طرح مدیریتی می‌باشد که در ترکیه در دست اجراست.



نتایج کلیدی

برنامه‌های مدیریتی ابزاری دقیق و مؤثر برای مدیریت سایتهای تالابی در حوضه آبخیز می‌باشند ولی اجرای آنها از خود برنامه مهم‌تر است. دستورالعمل مدیریتی کنوانسیون رامسر چارچوبی مطلوب ارائه نموده و به عنوان یک منبع آموزشی محسوب می‌گردد.

پروژه‌ها می‌توانند به تقویت برنامه‌های توسعه مدیریتی کمک مؤثری نمایند

مقدمه و سؤالات کلیدی

به دلیل ماهیت بین‌بخشی عوامل تأثیرگذار بر تالاب‌ها، سازمان‌های متعددی می‌بایست در امر مدیریت مداخله نمایند. از آنجایی که برنامه‌های مدیریتی چارچوبی برای عملکردها آماده می‌نمایند، وجود نظارت مؤثر، تمهیدات مالی و نهادی ضروری است تا اجرای طرح را عملیاتی نموده و بر آن نظارت نماید. مدیریت و نظارت مؤثر، شفاف و پاسخگو می‌باشد.

برای به هم پیوستن بخش‌های دولتی مختلف، که مهمترین آنها بخش‌های محیط‌زیست، کشاورزی و آب هستند، مکانیسم‌های هماهنگ‌کننده افقی مورد نیاز می‌باشد. به علاوه باید میان این گروه‌ها با بخش‌های خصوصی، غیردولتی و اجتماعی نیز هماهنگی وجود داشته باشد. این امر معمولاً از طریق یک کمیته مدیریت محلی که مسئول اجرای برنامه مدیریتی است انجام می‌شود. هماهنگ‌سازی‌ها و مطلع نگه‌داشتن بسیاری از دست‌اندرکاران بستگی به تشکیل دبیرخانه‌ای دارد که به سازمان‌دهی نشست‌ها پرداخته و اطلاعات را متمرکز و توزیع نماید.

وجود هماهنگی عمودی بین لایه‌های مختلف دولتی نیز ضروری است (محلی، ناحیه‌ای، استانی، ملی و حتی بین‌المللی برای سایت‌های فرامرزی) تا اطمینان حاصل گردد که سیاست‌ها و طرح‌ها هم‌تراز شده‌اند، قوانین و مقررات نقش حمایت‌کننده دارد و بودجه در دسترس می‌باشد.

در بیشتر مطالعات موردی پیشرفت چشمگیری در مکانیسم عملکرد آنها در سایت‌های مورد بررسی‌شان مشاهده می‌شود. آنها چه درسی در خصوص اداره، هماهنگی و تأمین بودجه آموخته‌اند که به استمرار فعالیت دست‌اندرکاران پروژه بیانجامد.

نشانه‌های موفقیت چیست؟

- کمیته‌های مدیریت محلی (و یا در مقیاس حوضه‌آبخیز رودخانه)، بدون حمایت پروژه، کار خود را به خوبی انجام می‌دهند.
- دست‌اندرکاران کلیدی درگیر شده، آموزش دیده و با یکدیگر کار می‌کنند تا به یک چشم‌انداز مشترک برسند.
- برقراری توازن مناسب در نمایندگی بخش‌های دولتی و غیردولتی یا جوامع محلی
- وظایف و مسئولیت‌ها به خوبی درک شده و دست‌اندرکاران کارها را در حیطه وظایف معمول خود انجام می‌دهند.
- جلسات گروه‌های کاری و کمیته‌ها تشکیل می‌شود و جزئیات بدون دخالت پروژه انجام می‌شود.
- کمیته ملی (و گاهی اوقات استانی یا ناحیه‌ای) از کمیته مدیریت محلی حمایت مؤثری می‌کند.
- مکانیسم‌های مالی پایدار در حال اجراست.
- یک دبیرخانه رسمی ایجاد شده تا به کمیته مدیریت محلی خدمات‌رسانی نموده و کانون مرکزی اطلاعات و ارتباطات باشد.

ابزارهای سودمند

دستورالعمل‌ها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع‌زیستی^۱
- دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی مدیریتی کنوانسیون رامسر^۲

1. <http://www.cbd.int/ecosystem>

2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-guidelines-new-guidelines-for/main/ramsar/1-31-105%5E20857_4000_0__

- کتاب راهنمای شماره ۳ کنوانسیون رامسر در خصوص قوانین، مؤسسات و نهادهای

سازوکارها

- کمیته‌های مدیریت محلی تالاب
- کمیته‌های ملی تالاب
- کمیته‌های همکاری‌های فرامرزی
- دبیرخانه‌های هماهنگ کننده
- گروه‌های کاری تخصصی
- بازدیدهای آموزنده

بودجه‌بندی

- ردیف‌های بودجه‌ای موجود و جدید
- سپرده‌ها و وجوه امانی
- وجوه خدمات اکوسیستمی (مانند درآمد حاصل از گردشگری، اعتبارات کربنی)
- برنامه‌های تجاری و تنوع‌زیستی
- حمایت اشخاص حقوقی

درس‌های آموخته از مطالعات موردی

ایجاد مکانیسم راهبری

- کمیته‌های مدیریتی تأیید شده توسط دولت در این مقیاس‌ها مورد نیازند:
- خرد (محلی)، مزو (ناحیه‌ای، استانی)، کلان (ملی). برای سایت‌های فرامرزی، کمیته‌های هماهنگ کننده بین‌المللی نیز الزامی است.

1. http://www.ramsar.org/cda/ramsar/display/main/main.jsp?zn=ramsar&cp=1-30%5E21323_4000_0_

- کمیته‌های مدیریت محلی باید توازنی بین نمایندگان دولتی و غیردولتی یا جوامع برقرار سازند.
- تغییرات سریع در صاحب‌منصبان دولتی می‌تواند معضلات جدی در تداوم کار ایجاد نماید.
- اعتمادسازی میان نمایندگان دولتی و غیردولتی زمان بر است چرا که سابقه‌ای از چنین همکاری‌هایی در دست نیست.
- برای انجام پروژه‌های مدیریتی، دانش بومی بسیار حائز اهمیت است (نیپال).
- اعضای کمیته‌های محلی باید نسبت به نقش خود و کسانی که در کمیته‌های محلی و گروه‌های کاری نماینده‌شان هستند، آگاه باشند. ممکن است این امر مستلزم آموزش باشد.
- وجود تناقضاتی در ساختار و قانونگذاری در بین کشورهایی که در بر دارنده تالاب‌های فرامرزی می‌باشند، امری اجتناب‌ناپذیر است (پرسپا).
- بازدید از سایت‌های مورد مطالعه، به عنوان یک ابزار ظرفیت‌سازی، برای کمیته‌ها، قانونگذاران و سایر ذینفعان حائز اهمیت زیادی است.

دبیرخانه‌ها

- اگر مدیریت دبیرخانه به یکی از نهادهای موجود واگذار گردد، پایداری بیشتری خواهد داشت. با این وجود، در شرایط خاص (تالاب فرامرزی یا تالاب‌های خیلی وسیع) ممکن است یک بدنه جدید نیاز باشد.
- تبادل اطلاعات یکی از مهمترین مسئولیت‌های دبیرخانه می‌باشد و به این دلیل وجود برنامه ارتباطات مؤثر، الزامی است.
- سایت‌های اینترنتی ابزار خوبی برای تبادل اطلاعات هستند ولی در دسترس تمامی دست‌اندرکاران نمی‌باشند.

- انتشارات هدفمندی در خصوص برنامه‌های مدیریتی، برای سیاستگذاران تهیه کنید (مانند خلاصه گزارشات "وضعیت تالاب").
- به صورت دوره‌ای خلاصه‌ای از فعالیت‌ها را به صاحب‌منصبان عالی رتبه ارائه نمایید.

تأمین بودجه پایدار

- چنانچه بتوان از طریق بودجه‌های موجود دولت‌های ملی و محلی به بودجه پایدار دست یافت، فرآیند اجرای طرح‌ها تضمین می‌گردد؛ بودجه‌های اضافی مورد نیاز پروژه‌ها را می‌توان از طریق بخش خصوصی و منابع بین‌المللی تأمین کرد.
- بر اساس نیازهای مدیریتی باید به دنبال منبع مناسبی برای افزایش تأمین بودجه بود.
- در شرایط خاص، ممکن است دولت متقاعد گردد که یک ردیف بودجه مخصوص ایجاد نماید.
- حمایت‌های اشخاص حقوقی، در پاکستان با شکست مواجه شد و در امارات متحده عربی نیز به دلیل رکود اقتصادی، متوقف گردید.
- جذب منابع مالی تنها هنگامی موفق خواهد بود که سطح آگاهی بالا باشد.
- سپرده‌های حاصل از سرمایه‌داری‌های بزرگ مقیاس یا در جایی که درآمد قابل توجهی از طریق گردشگری به دست می‌آید و یا حتی سرمایه‌گذاری‌های کربنی به عنوان یک منبع سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند.
- اعتبارات کربنی در بلاروس با کاهش انتشار دی‌اکسید کربن حفظ شدند، نپال به تجارت بیوگاز پرداخته است.
- در نپال، بودجه پروژه علاوه بر سطح ملی در سطح محلی نیز مورد حسابرسی قرار گرفت.
- جوایز پتانسیل‌های مکانیسم‌های بدیع مالی باشید تا سرمایه‌ها و در نتیجه

انگیزه‌های حفاظت افزایش یابد. برخی از این مکانیسم‌ها عبارتند از افزایش هزینه‌های خدمات اکوسیستمی، برنامه متعادل‌سازی تنوع‌زیستی با تجارت، مدل‌های جدید مالیاتی و انگیزه‌های مالی، بازاریابی برای محصولات سبز یا خدمات تالاب، سرمایه‌گذاری در قراردادهای مربوط به تنوع‌زیستی و غیره. این ابزارهای پایدار در کنوانسیون تنوع‌زیستی معرفی شده و قبلاً از آنها در کشورهای توسعه‌یافته استفاده شده‌است و ضروری دیده می‌شود که به کشورهای در حال توسعه نیز بسط داده شوند.

برخی از نمونه‌های برتر

در پروژه پرسپا مطالعات موردی بین‌المللی بازنگری شده و با مدل موجود فرامرزی تطابق داده شدند. به علاوه، این پروژه از تشکیل انجمنی برای مدیریت حوضه آبریز (انجمن مدیریت حوضه آبریز پرسپا) در سطح ملی در مقدونیه حمایت کرد که متشکل از نمایندگان بخش‌های مهم و اثرگذار بر کیفیت و کمیت آب در حوضه آبخیز می‌باشد.



دریاچه پرسپا

نتایج کلیدی

یک مکانیسم اجرایی خوب برای تالاب‌ها باید هم در برگیرنده یکپارچه‌سازی افقی بین بخش‌ها باشد و هم یکپارچه‌سازی عمودی را در سطوح محلی تا ملی (و حتی برای سطوح بین‌المللی در تالاب‌های فرامرزی) نشان دهد. مدیریت تالاب‌های فرامرزی واقعاً چالش‌برانگیز هستند زیرا با چندین سازمان در ارتباط می‌باشد و ممکن است این سازمان‌ها اختلافات زیادی از نظر ساختار، قوانین و سیاست‌ها داشته باشند. وجود ارتباطات خوب و مداوم از طریق فعالیت یک دبیرخانه مشترک برای حفظ علائق، پیوستگی‌ها و مشارکت مؤثر گروه‌های چندگانه ضروری است. معمولاً سرمایه‌گذاری برای اجرا زمانی بیشترین دوام را خواهد داشت که از طریق مکانیسم‌های موجود ارائه گردد. با این حال باید مکانیسم‌های جدید و بدیع نیز مورد توجه قرار گیرند.

در نپال، بودجه مربوط به اجرای برنامه مدیریت و توسعه معیشت از محل عایدی حاصل از بازدید از زون حائل مناطق تحت حفاظت و بودجه حفاظت از تنوع زیستی که یک وام گردشگری تسهیلات بوده و توسط تعاونی‌های محلی اداره می‌گردد، تأمین می‌شود.

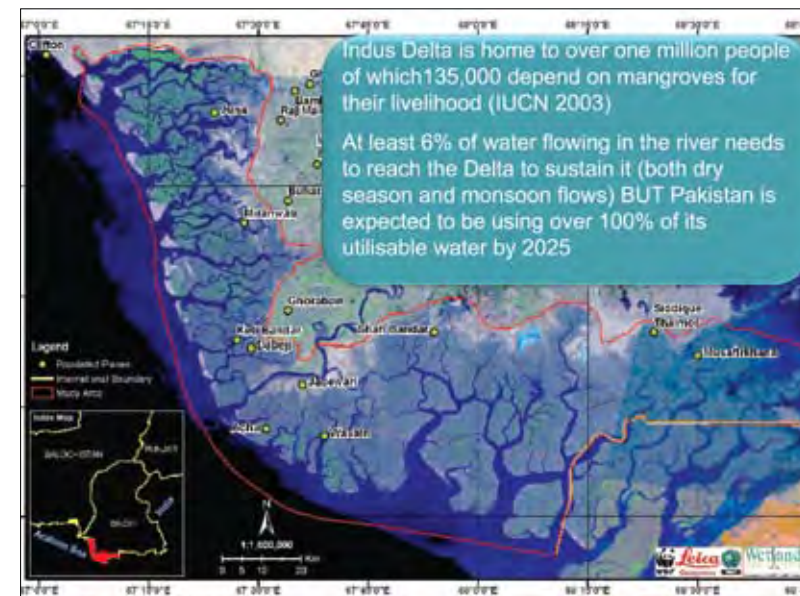
در ترکیه (دریاچه Egirdir)، بخش اعظم سرمایه لازم برای اجرای برنامه مدیریتی، از محل اتحادیه‌ای تأمین می‌گردد که شهرداری‌های نواحی اطراف تشکیل داده‌اند. ۵۰ درصد از بودجه سالانه شهرداری‌های مربوطه به بودجه "اتحادیه شهرداری‌ها" به اجرای برنامه مدیریتی اختصاص داده شده‌است.



دریاچه Egirdir (ترکیه)

۳-۳- استفاده پایدار از منابع آب و مدیریت حوضه آبخیز

"اگر جوامع نسبت به اهمیت آب آگاه باشند، از آن حفاظت خواهند نمود."



دلتای ایندوس (پاکستان)

مقدمه و سوالات کلیدی

موجود بودن و مدیریت کارآمد منابع آب سطحی و زیرزمینی، به ویژه در محیط‌های خشک و نیمه‌خشک، معمولاً مهمترین عامل در مدیریت تالاب

می‌باشد. رقابت بر سر آب برای مصارف آبیاری کشاورزی، خانگی و صنعتی منجر به بروز مشکلات جدی برای تالاب‌های پایین دست در بسیاری از نمونه‌های موردی بویژه در دلتای ایندوس (پاکستان)، دریاچه ارومیه (ایران)، حوضه آبخیز کنیا (ترکیه) و واحه ازرق (اردن) شده است.

برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد منابع آب نیازمند رویکردهای نوین و سازوکارهای سازمانی در مقیاس حوضه آبخیز رودخانه، که متأسفانه به ندرت با مرزهای اجرایی همخوانی دارد، می‌باشد. مدیریت جامع حوضه آبخیز (IWRM)، مدیریت یکپارچه حوضه آبخیز رودخانه (IRBM) و قوانین آب اتحادیه اروپا ابزارهای کلیدی بهبود مدیریت آب و زمین مبنی بر رویکرد اکوسیستمی می‌باشند.

پروژه چه درس‌هایی را در خصوص فرایند پیچیده تضمین اختصاص آب کافی به تالابها و مدیریت بهتر بالادست حوضه آبخیز فرا گرفته است؟

نشانه‌های موفقیت چیست؟

- نیاز آبی تالاب مشخص شده است: کمیت، زمان‌بندی، کیفیت.
- موافقت در خصوص تأمین آب برای تالاب‌های پایین دست از نظر قانونی تضمین شده است.
- جریانهای محیط‌زیستی مورد توافق به درون تالاب سرازیر می‌شود (و به دقت مورد پایش قرار می‌گیرد) و کارکردهای تالاب تضمین شده است.
- حمایت از برنامه آب در سطح ملی، حوضه آبخیز و محلی، در کنار برنامه‌های توسعه منطقه‌ای برای کشاورزی، منابع آب و نیروگاه‌های آبی.
- قیمت آب نشان‌دهنده ارزش واقعی آن می‌باشد.
- کشاورزی با میزان آب موجود و الگوهای تغییر اقلیم تطابق یافته است.

دستورالعملها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی (CBD)^۱
- راهنمای شماره ۷ کنوانسیون رامسر در زمینه مدیریت حوضه آبخیز رودخانه^۲
- راهنمای شماره ۸ کنوانسیون رامسر در زمینه مدیریت و تخصیص آب^۳
- راهنمای شماره ۹ کنوانسیون رامسر در زمینه مدیریت آب زیرزمینی^۴
- راهنمای کنوانسیون رامسر در زمینه ارزیابی اثرات^۵
- قوانین آب اتحادیه اروپا^۶

اطلاعات و تحلیل ها

- جمع آوری داده‌های پایه (هیدرولوژی، کاربری آب توسط بخش‌های مختلف، کیفیت آب)
- مدل سازی
- ابزارهای تخصیص آب
- مطالعات موردی از رویکردهای حوضه آبخیز رودخانه

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>
2. http://www.ramsar.org/cda/ramsar/display/main/main.jsp?zn=ramsar&cp=1-30%5E21323_4000_0_
3. http://www.ramsar.org/cda/ramsar/display/main/main.jsp?zn=ramsar&cp=1-30%5E21323_4000_0_
4. http://www.ramsar.org/cda/ramsar/display/main/main.jsp?zn=ramsar&cp=1-30%5E21323_4000_0_
5. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-pubs-handbooks/main/ramsar/1-30-33_4000_0_
6. http://ec.europa.eu/environment/water/water-framework/index_en.html

سازوکارها

- مدیریت جامع منابع آب IWRM
- مدیریت جامع حوضه آبخیز رودخانه IRBM
- قوانین و توافقات در خصوص آب
- طرح‌های جامع آب و کشاورزی
- کارگروه‌های بین‌بخشی
- انجمن‌های کاربران آب

درسهای آموخته از مطالعات موردی

تخصیص آب

- نخستین گام اساسی، تضمین به رسمیت شناختن حقایق تالاب‌های پایین دست توسط ارگانهای دولتی می‌باشد (مانند آنچه که برای دلتای ایندوس و دریاچه ارومیه محقق گردید). آگاهی مطلوب در خصوص خدمات اکوسیستمی که توسط تالاب‌ها ارائه می‌شوند، به این فرایند کمک می‌کند.
- حقایق تالاب‌ها باید در قوانین و مقررات تضمین شوند.
- برای مدیریت جامع منابع آب / مدیریت جامع حوضه آبخیز رودخانه مطالعات پایه خوبی مورد نیاز می‌باشد؛ داده‌های توصیفی کافی نبوده و معمولاً مدل سازی سناریوهای مختلف ضروری می‌باشد.
- کاربری آب زیرزمینی حتی می‌تواند از کاربری آب سطحی اهمیت بیشتری داشته باشد، و باید همیشه مدنظر قرار گیرد.
- مشارکت عملی در فرایند، بهترین راه ظرفیت‌سازی ذینفعان برای اجرای مدیریت جامع منابع آب / مدیریت جامع حوضه آبخیز رودخانه می‌باشد.

شکل‌گیری کارگروه‌های آب و کشاورزی در ایران و مقدونیه بسیار کارآمد بوده‌است.

- برای نظارت بر اجرا و اختصاص منابع لازم، راهبری مطلوبی در سطح حوضه‌آبخیز (به طور مثال شورای منطقه‌ای حوضه‌آبخیز دریاچه ارومیه (ایران)، شورای مدیریت حوضه‌آبخیز پرسپا (مقدونیه) مورد نیاز می‌باشد.
- اجرای تخصیص آب باید به دقت مورد پایش قرار گیرد.

راندمان آب

- اگر جوامع نسبت به اهمیت و ارزش آب آگاه باشند، از آن حفاظت خواهند نمود.
- قیمت آب، فاکتوری کلیدی در تضمین استفاده پایدار از آب می‌باشد.
- کشاورزان برای پایدارترسازی کاربری آب و زمین، نیازمند انتقال دانش و فن‌آوری می‌باشند.
- توسعه ظرفیت انجمن‌ها/ تعاونی‌های کاربران آب، بسیار مؤثر می‌باشد.
- از کشاورزان برتر برای افزایش شیوه‌های ذخیره آب و استفاده از تکنیک‌های آبیاری مدرن استفاده نمایید (ترکیه).
- از لوله‌ها/ کانال‌ها و تکنیک‌های مدرن آبیاری استفاده نمایید تا راندمان آب بیشتر شود (ترکیه/ پاکستان).
- افزایش راندمان آبیاری نوشداروی تمامی مشکلات نیست: بسیاری از تالاب‌ها، به جریان‌های هرزآب از زمینهای کشاورزی وابسته هستند. اگر راندمان آبیاری به ۱۰٪ برسد، این منبع آب از دست خواهد رفت.
- مدیریت پوشش گیاهی برای حذف گونه‌های غیربومی و مهاجم که آب زیادی مصرف می‌کنند.

مدیریت حوضه‌آبخیز

- مدیریت مطلوب جنگل‌ها، مراتع، چراگاه‌ها و تالاب‌های بالادست می‌تواند کمک زیادی به مدیریت پایدار آب نموده، و اثرات سیل‌ها و خشکسالی‌ها را کاهش دهد. طرح‌های مدیریت حوضه‌آبخیز ابزارهای مفیدی برای درگیر ساختن ذینفعان کلیدی می‌باشند.
- سیل‌های سال ۲۰۱۰ در پاکستان منجر به پذیرفتن اهمیت مدیریت حوضه‌آبخیز و عواقب توسعه در دشتهای سیلابی رودخانه، توسط دولت شده‌است.
- الگوهای کشت و کاربری زمین باید، با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های تغییرات اقلیمی، با محیط‌زیست منطقه تطابق داده شود.
- طبیعی بودن رودخانه و جریان‌های اکولوژیک بالادست تالاب باید مورد حفاظت قرار گرفته و احیاء شوند.

برخی از نمونه‌های برتر

پروژه پرسپا یک برنامه مدیریت حوضه‌آبخیز بر اساس رویکرد اکوسیستمی تدوین نموده و از شکل‌گیری یک ساختار مدیریتی بین‌بخشی مسؤول (شورای مدیریت حوضه‌آبخیز) حمایت نموده‌است، که مورد تأیید بالاترین مقام دولتی است و بدین‌ترتیب زیربنای قانونی محکمی برای تداوم کار احیاء و مدیریت آبی پایدار تالاب می‌باشد.

جایکا، برای تالاب انزلی در ایران، یک برنامه مدیریت حوضه‌آبخیز، شامل مدیریت حوضه‌آبخیز، برنامه تصفیه فاضلاب و برنامه مدیریت پسماندهای جامد، تدوین نموده‌است.

در قزاقستان، ۸ انجمن کاربران آب تشکیل شده و برای بهسازی سیستم‌های آبیاری در راستای تسهیل استفاده خردمندان از آب در سیستم دریاچه آلاکل سیسیکل تجهیز گردیدند.



هنگامی که سهم آب دریاچه ارومیه (ایران) مورد توافق واقع گردید، ذینفعان مجموعه‌ای از شاخصهای اقتصادی-اجتماعی را برای تعیین چگونگی تسهیم آب باقیمانده بین سه استان، تعریف نمودند.

برنامه تسهیم آب حوضه آبخیز دریاچه ارومیه

تخصیص (میلیون مترمکعب)		معیار					
		اقتصادی			اجتماعی		
تخصیص	به دریاچه	پتانسیل اراضی تحت آبیاری	سرانه RDP	پتانسیل منابع آب سطحی	سرمایه‌گذاری سرانه برای آب	جمعیت	مصرف سرانه
۱۸۷۰/۵	۲۰۳۵/۶	۲/۸۱	۳۵	۴/۲۴	۶/۰	۱/۷	۴/۰
۳۷۰/۳	۱۰۷۹/۳	۲/۹۴	۳۱	۱/۶۶	۲/۰	۲/۷	۳/۰
۹۵۹	۵۸۵	۰/۲۰۵	۷/۵	۱/۳۸	۱/۰	۰/۴	۱/۰
۳/۱	۳۷۰۰	۵/۹۵۵		۷/۲۸	۹/۰	۴/۸	

۳-۴- حفاظت از تنوع زیستی و احیاء تالاب



مقدمه و سوالات کلیدی

حفاظت از تنوع زیستی هدف اصلی هر یک از پروژه‌های ارائه شده می‌باشد، و تقریباً همه سایت‌های پروژه‌ها حمایت‌کننده تنوع زیستی حائز اهمیت جهانی هستند. بسیاری از پروژه‌ها در شرایطی آغاز به کار نمودند که تنوع زیستی به دلیل فعالیتهای ناپایدار انسانی، به طور جدی دچار صدماتی شده بود. فرض بر این است که با کاهش تهدیدات، تنوع زیستی (زیستگاه‌ها و گونه‌ها) احیاء خواهند شد، و این تالابها خدمات اکوسیستم بیشتری را در راستای منافع مردم ارائه خواهند نمود. پروژه‌های مختلف، تکنیک‌های متعددی را برای حفاظت از تنوع زیستی به کار گرفتند، از فعالیتهای هدفمند برای گونه‌های خاص گرفته تا اقدامات مدیریتی

در حوضه آبخیز کنیا (ترکیه)، یک پروژه آزمایشی با ۱۰۰ کشاورز در منطقه‌ای به مساحت ۵۰۰ هکتار برای استقرار سیستم آبیاری قطره‌ای مدرن، انجام پذیرفت. این پروژه منجر به ۴۰٪ ذخیره آب و ۲۵٪ افزایش محصول دهی گردید.



نتایج کلیدی

به رسمیت شناختن این موضوع که محیط زیست، یکی از کاربران قانونی و اصلی آب می‌باشد، گام اساسی در مدیریت بهتر تالاب است. با این وجود، توافق در خصوص چگونگی تسهیم آب، فرایندی بسیار پیچیده است. قوانین مربوط به آب که حداقل تخصیص آب برای تالابها را ملزم می‌نماید، ابزاری اساسی است. اقداماتی نظیر قیمت گذاری آب و تکنیک‌های آبیاری با راندمان بالاتر، می‌توانند کاربری آب را به سطوح پایدارتری برسانند، اما این نکته حائز اهمیت است که بخشی از آب ذخیره شده به تالابها اختصاص یابد، نه اینکه صرفاً برای توسعه بیشتر کشاورزی استفاده شود. حرکت به سوی مدیریت پایدارتر آب و زمین، به ویژه شیوه‌ها و محصولات کشاورزی که با منطقه و تغییرات اقلیمی سازگاری یافته‌اند، یک نیاز اساسی می‌باشد.

گسترده‌تر بر اساس رویکرد اکوسیستمی، احیاء زیستگاه‌های به شدت تخریب‌شده، و حتی ایجاد تالاب‌های مصنوعی (امارات متحده عربی و پاکستان).
پروژه‌ها چه درسهایی را در خصوص اهمیت نسبی مدیریت اکوسیستمی، در مقابل اقدامات حفاظتی گونه‌ها و زیستگاه برای حفاظت از تنوع زیستی، فرا گرفته‌اند؟ احیاء تالاب تا چه اندازه مؤثر می‌باشد؟

نشانه‌های موفقیت چیست؟

- سیستم مبنی بر شواهد برای بهبود شرایط تنوع زیستی کلیدی، به عنوان بخشی از برنامه مدیریت جامع که از نظر قانونی لازم‌الاجراست، شکل گرفته‌است.
- اقدامات عمل برای گونه‌ها و زیستگاه‌های بحرانی در معرض تهدید، در دست اجرا می‌باشد.
- اقدامات عاجل در حال اجرا می‌باشند.
- کارکردهای تنوع زیستی و اکوسیستم افزایش یافته و تهدیدها کاهش یافته‌اند.
- بهره‌برداری از تنوع زیستی، پایدار می‌باشد.
- از معرفی گونه‌های مهاجم بیگانه جلوگیری به عمل آمده و این موضوع به طور کارآمد مدیریت می‌گردد.

ابزارهای سودمند

دستورالعمل‌ها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی^۱

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>

- دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی مدیریتی (رامسر)^۲
- دستورالعمل‌های پهنه‌بندی (تدوین شده توسط پروژه‌ها در ایران و قزاقستان)
- دستورالعمل‌های IUCN در خصوص گونه‌های مهاجم بیگانه^۳

اطلاعات پایه

- تحقیقات علمی هدفمند و مشهود
- دانش بومی

سازوکارها و ابزارها

- قوانین و مقررات و استانداردها (شامل قانون پرندگان، زیستگاه‌ها و آب اتحادیه اروپا)
- لیست قرمز IUCN، ضمائم CITES و CMS، کتاب داده‌های قرمز (لیست گونه‌های در معرض خطر IUCN)
- لیست مونتر و کنوانسیون رامسر
- گروه‌های مشاوره فنی
- کمیته‌های مدیریت محلی
- فعالیتهای تشکلهای غیردولتی
- ابزارهای فهرست‌برداری و ارزیابی تالاب
- برنامه‌های احیاء
- ارزیابی اثرات زیست‌محیطی
- برنامه‌های عاجل (به طور مثال دوره‌های آلودگی یا خشکسالی)

2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-guidelines-new-guidelines-for/main/ramsar/1-31-105%5E20857_4000_0__

3. <http://www.iucn.org/dbtw-wpd/edocs/Rep-2000-051.pdf>

• نقشه‌برداری: ابزارهای GIS/GPS

• محدوده‌های قرق

• حفاظت خارج از زیستگاه

• گونه‌های پرچم

درسهای آموخته از مطالعات موردی

حفاظت از تنوع زیستی

• مدیریت مبنی بر رویکرد اکوسیستمی در بلندمدت همواره از مدیریت متمرکز بر گونه‌ها مؤثرتر خواهد بود.

• ممکن است برای حفاظت از زیستگاه‌ها و گونه‌های در معرض خطر، اقدامات هدفمند کوتاه‌مدت مورد نیاز باشد. گونه‌ها را به حال خود رها نکنید تا زمانی که به شرایط بحرانی برسند - در مورد درنای سیبری در ایران، پروژه خیلی دیر آغاز به کار نمود.

• در اردن، حفاظت از ماهی بومی *Aphanius sirhani* با استفاده از احیاء زیستگاه بسیار موفق‌تر از زادآوری در اسارت و رهاسازی بود.

• کمبود اطلاعات و آگاهی در خصوص تنوع زیستی در پاکستان، اصلی‌ترین مانع محسوب می‌شد.

• در پرسیا، به دلیل فقدان توافقات فرامرزی در خصوص زیستگاه‌ها و گونه‌های دارای اولویت، یک پروتکل سیستماتیک جهت تعیین گونه‌ها برای اقدامات حفاظتی فوری و فرایند برنامه‌ریزی عملی، پیشنهاد گردید.

• درگیر کردن جوامع محلی در حفاظت از گونه‌ها (و احیاء تالاب) متضمن احساس مالکیت آنها بوده و مقرون به صرفه می‌باشد. در ایران و اردن، مردم

محلی با کمک به افزایش سطح آب طی دوره‌های خشکی، در فرایند نجات ماهیان بومی و لاک‌پشت‌ها مشارکت نمودند.

• از گونه‌های پرچم (به طور مثال دلفین ایندوس و خرس قهوه‌ای هیمالیایی در پاکستان) برای تبلیغات همگانی در خصوص گونه‌هایی که جذابیت کمتری دارند مانند لاک‌پشت آب‌شیرین، حشرات و سایر بی‌مهرگان، استفاده نمایید.

• پروژه درنای سیبری بر گونه‌های پرچمداری که در وضعیت بحرانی قرار داشتند، تمرکز نمود و پروژه‌های قزاقستان عموماً تمرکز بیشتری بر پرندگان آبی می‌هاجر داشت، اما هر دو پروژه رویکرد اکوسیستمی جامعی را برای مدیریت سایتهای کلیدی در پیش گرفتند.

• در نواحی که مورد بهره‌برداری بی‌رویه قرار گرفته‌اند (به طور مثال چرا یا ماهیگیری بی‌رویه)، نواحی محصور یا نواحی بدون بهره‌برداری می‌تواند به نشان دادن پتانسیل‌های احیاء تنوع زیستی که می‌تواند در بخش‌های دیگر نیز گسترش یابد، کمک مؤثری نماید.

• جهت عکس‌العمل سریع برای حفاظت از تنوع زیستی در مقابل آتش‌سوزی، خشکسالی، سیل، زلزله و آلودگی باید اقدامات عاجلی به کار گرفته شود.

احیاء تالاب

• هنگام برنامه‌ریزی برای احیاء تالاب، شامل تعریف یک چشم‌انداز مشخص با جوامع محلی (ماهی بومی اردن)، شجاع و بی‌باک باشید.

• قبل از اینکه خیلی دیر شود (و اکوسیستم نابود شود)، اقدام کنید، چرا که احیاء، هزینه‌های زیادی در بر خواهد داشت (واحه ازرق در اردن، و دریاچه ارومیه در ایران).

• علم به اندازه دانش بومی در فعالیتهای احیاء اهمیت دارد. برای موفقیت هر



در نپال، پاک‌سازی گونه‌های مهاجم بیگانه، کارکردهای تالاب را احیاء نموده، مواد و مصالح معیشت مردم را تأمین نمود و زادآوری و احیاء گونه‌های کلیدی چون خوتکا غاز آسیایی (*Nettapus coromandelianus*) را ترغیب نمود و اولین رکورد زادآوری چنگر نوک سرخ (*Gallinula chloropus*) را در کشور به ثبت رسانید.

دوی آنها لازم می‌باشند.

- باید متخصصین واجد صلاحیت به کار گرفته شوند، به ویژه برای مدل‌سازی، مهندسی آب، طراحی ساخت و ساز، مستندسازی و غیره.
- راه‌حلهایی با تکنولوژی پایین با استفاده از محصولات و مواد محلی، ارزان‌تر و پایدارتر بوده و هزینه‌ها را به طور اساسی کاهش می‌دهند؛ تکنولوژی بالا باید به عنوان آخرین راه‌حل استفاده شود.
- بحران می‌تواند موقعیت خوبی برای آغاز اقدامات احیاء تالاب فراهم نماید.

- قرار دادن یک تالاب در لیست مونتر و کنوانسیون رامسر می‌تواند محرک ارزشمندی برای اقدام باشد (تالاب ازرق در اردن، تالاب انزلی و دریاچه ارومیه در ایران).

- تالاب‌های مصنوعی می‌توانند برخی از خدمات اکوسیستم را در نواحی که تالاب وجود ندارد (مانند نواحی شهری) ارائه نمایند و همچنین می‌توانند در سایر نواحی نابودی تالابها را تا حدودی کاهش دهند. اگر چه، چنین سیستم‌هایی اغلب برای رسیدن به اهداف خود نیاز به مدیریت شدیدتر (و پرهزینه‌تری) دارند.

برخی از نمونه‌های برتر

در بلاروس، برای احیاء تورب‌زار عمدتاً از مواد محلی با هزینه کم که به آسانی در دسترس می‌باشد، (تورب و چوب) استفاده می‌گردید، اما در مواقع لازم از ماشین‌آلات تخصصی نیز برای مدیریت تورب‌زار کمک گرفته می‌شد.

شود. اقدامات حفاظتی برای گونه‌های پرچم نیز می‌تواند ابزار مهمی برای ارتقاء آگاهی‌ها و دخیل کردن مردم محلی باشد.

احیاء تالاب باید ذینفعان کلیدی را حول یک چشم‌انداز آرمان‌گرایانه برای منطقه جمع کرده و خدمات اکوسیستمی بسیاری را به آنان بازپس دهد. اگر چه، اولویت در این است که قبل از نابودی کارکردهای اکوسیستم، مداخلات آغاز شود، چرا که پس از آن، احیاء کارآمد، بسیار پیچیده و هزینه‌بر خواهد بود.

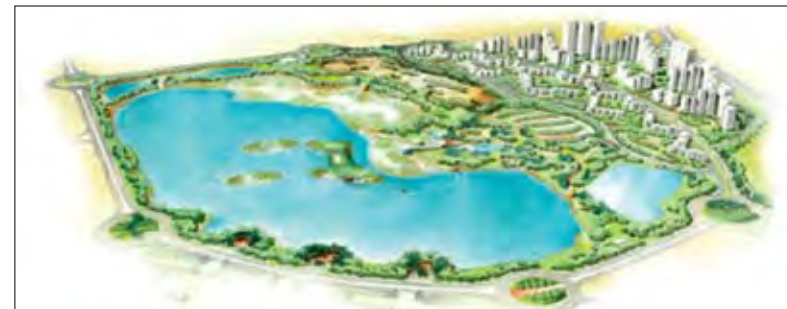
تالاب‌های مصنوعی می‌توانند خدمات اکوسیستمی را ارائه نمایند که جایگزین آنچه در تالاب‌های دیگر از بین رفته، گردد، اما مدیریت آنها چالش‌های ویژه‌ای را به همراه دارد، چرا که این تالاب‌ها اغلب سیستم‌های بسته و به شدت وابسته به مداخلات انسانی می‌باشند.

۳-۵- مشارکت جوامع محلی و معیشت

"گاهی اوقات جوامع باید نقش محرک ایفا نمایند"



در امارات متحده عربی، پروژه الوارسن به دنبال ساخت یک تالاب در بستری شهری بود.



نتایج کلیدی

مدیریت اکوسیستمی تالاب‌ها همواره در بلندمدت مؤثرترین راه حفاظت از تنوع زیستی خواهد بود، اما باید توسط اقدامات کوتاه‌مدت هدفمند برای حفاظت از زیستگاه‌ها یا گونه‌های در معرض خطر، یا مواجهه با شرایط اضطراری، پشتیبانی

مقدمه و سوالات کلیدی

هنگامی که پروژه‌های حفاظت و توسعه آغاز می‌شوند، فعالیتهای انسانی اغلب در سطوح ناپایداری بر تالاب تأثیر می‌گذارند، همچنین ممکن است تعارضاتی در خصوص منابع طبیعی بین کاربران مختلف یا بین جوامع و دولت وجود داشته باشد. به همین ترتیب، پروژه‌های حفاظت از تنوع زیستی نیز ممکن است هنگامی که مردم محلی در فقر به سر می‌برند و برای تأمین نیازهای روزانه خود تلاش زیادی می‌کنند، با مخالفت‌های قابل توجهی مواجه شوند. حل و فصل چنین مسائلی می‌تواند چالش‌های جدی در اجرای پروژه ایجاد نماید و اگر به طور مناسبی پاسخ داده نشود، ممکن است پروژه را در رسیدن به اهدافش با شکست مواجه نماید.

گسترش معیشت جایگزین یا تکمیلی، برای کاهش بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی، ویژگی مشترک تقریباً تمامی نمونه‌های موردی می‌باشد. تالاب‌ها طیف گسترده‌ای از خدمات اکوسیستم را ارائه می‌نمایند که می‌تواند برای افزایش درآمد و رفاه مردم محلی، به صورت پایدار مورد استفاده قرار گیرد.

چه درسهایی در خصوص تسهیل مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع طبیعی و فرایندهای تصمیم‌سازی فرا گرفته شده و پروژه‌ها تا چه اندازه در بهبود معیشت مردم موفق بوده‌اند؟

نشانه‌های موفقیت چیست؟

■ مردم محلی از طریق مشارکت فعال در کمیته مدیریت محلی، بر مدیریت تأثیر می‌گذارند.

■ جوامع از تالاب‌های دارای عملکرد بهتر و/یا از طریق توسعه معیشت جایگزین/

تکمیلی، منفعت می‌برند (درآمد و رفاه).

■ جوامع از طریق تبلیغات، عملکرد و حمایت‌های مالی، از مدیریت بهتر تالاب حمایت می‌کنند.

■ نهادهای دولتی به سنت‌ها و مداخلات جوامع احترام می‌گذارند و از آنها حمایت می‌کنند.

ابزارهای سودمند

دستورالعمل‌ها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی^۱
- راهنمای برنامه‌ریزی مدیریتی کنوانسیون رامسر^۲
- کتابچه راهنمای شماره ۵ کنوانسیون رامسر در خصوص مهارت‌های مشارکتی^۳
- پروتکل تسهیم دسترسی و منافع کنوانسیون تنوع زیستی^۴

اطلاعات

- تجزیه و تحلیل ذینفعان
- ارزیابی مشارکتی (یا سریع) روستایی (PRA/RRA)
- تهیه نقشه‌های اجتماعی

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>

2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-guidelines-new-guidelines-for/main/ramsar/1-31-105%5E20857_4000_0__

3. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-guidelines-new-guidelines-for/main/ramsar/1-31-105%5E20857_4000_0__

4. <http://www.cbd.int/abs/>

- ارزیابی نیازهای معیشتی
- بررسی‌های اقتصادی-اجتماعی، ابزارهای ارزش‌گذاری اقتصادی
- دانش سنتی

سازوکارها

- حل تعارضات
- مجمع ذینفعان
- تعاونی و صدور گواهی کاربران
- مشوقها؛ درآمد حاصل از زون حائل و اعتبارات حفاظت از تنوع‌زیستی (اعتبارات خرد) (به طور مثال در نپال)، وامهای چرخشی، کمک‌هزینه‌ها
- پهنه‌بندی و تعیین ضوابط اجرایی
- مارک‌گذاری برای محصولات (به طور مثال "محصولات پارک پرسپا")

درسهای آموخته از مطالعات موردی

مداخله، مشارکت و حل تعارضات

- شخص مناسبی را به نمایندگی از سوی پروژه انتخاب کنید- این شخص باید بی‌طرف باشد.
- تشکلهای غیردولتی محلی را به عنوان تسهیل‌گر تقویت کنید- این تشکلهای کارآمد، مقرون‌به‌صرفه و نزدیک به محل اجرای برنامه‌ها هستند و بعد از اتمام پروژه آنجا باقی خواهند ماند.
- از سازوکارهای موجود مانند شورای روستا، گروههای محلی، گردهمایی‌های جوامع و دیدارهای عمومی، برای درگیر کردن جوامع استفاده کنید.

- هیچ یک از ذینفعان را از فرایند حذف نکنید.
- تشکیل گروهها و ترسیم مرزها امری بسیار حساس می‌باشد.
- مشارکت تنها برای تشکلهای غیردولتی، مردم بومی و جوامع محلی نیست. شما باید به طور همزمان مشارکت بخش خصوصی و عمومی را نیز جلب نمایید.
- از تعهدات نادرست بپرهیزید و انتظارات را افزایش ندهید.
- برای برخی مسائل معیشتی زیربنایی راه‌حلهایی بیابید تا به افزایش اعتماد و همکاری کمک نماید، به طور مثال نصب میکروژنراتورهای برق قابل تجدید (پاکستان، قزاقستان) یا ساخت سیستم فاضلاب در روستاها (پرسپا)، یا مغازه‌های تعمیر قایق (پاکستان) با استفاده از سرمایه‌های محلی که با بودجه پروژه ترکیب می‌شود، یا نصب فنس‌های الکتریکی که صدمات ناشی از جانوران وحشی به محصولات کشاورزی را کاهش می‌دهد، و کسب و کارها و معیشت تالابی برای افزایش درآمد خانوارها در جوامع وابسته به تالاب (نپال)
- ارسال طرحهای پیشنهادی از سوی اعضاء جوامع به کمیته‌های برنامه‌های مدیریتی نه تنها اعضاء کمیته را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه اعتمادبه‌نفس مردم را نیز افزایش می‌دهد (ایران)
- خود جوامع محلی را در مراحل طراحی پروژه درگیر نمایید
- به کاربردها، دانش و فرهنگ سنتی احترام بگذارید
- زبان و پیام ساده به کار ببرید
- زنان را تا حد ممکن مداخله دهید؛ در نپال به صورت اجباری نماینده‌ای از زنان برای تصمیم‌گیری وجود دارد.
- محیط‌بانان محیط‌زیست محلی و تشکلهای غیردولتی را در زمینه درگیر کردن جوامع و فرایندهای مشارکتی آموزش دهید.
- تلاش کنید که تعارضات را در سطح محلی و در اسرع وقت حل کنید؛ برای

تعارضات جدی‌تر، یک فرایند شفاف حل تعارضات ایجاد نمایید (ایران، پاکستان)

- شکل‌گیری نهادهای مردم نهاد با نمایندگی‌های محلی، در جاهایی که این نهادها قبلاً شکل نگرفته‌اند، بسیار مفید می‌باشد (پاکستان، ایران، نپال)
- مشارکت، تنها تغییر رفتار جوامع محلی نمی‌باشد، بلکه شامل تغییر نگرش نهادهای دولتی محلی در خصوص مشارکت جوامع نیز می‌باشد.

معیشت جایگزین (و مکمل)

- معیشت جایگزین باید توسط سیاستها، قوانین و مقررات و مشوقهای دولتی مورد حمایت قرار گیرد.
- جوامع زنان اغلب نسبت به مردان ذوق بیشتری برای ایده‌های جدید دارند
- تحقیق در خصوص بازار باید پیش از پرداختن به هر زمینه‌ای از معیشت جایگزین انجام پذیرد، به‌ویژه محصولات ارگانیک یا اکوتوریسم
- به منظور کاهش فعالیتهای تخریبی، ابزارها و آموزش‌های مدرن و نمونه‌های برتر در اختیار کشاورزان محلی و ماهیگیران قرار گرفت (به طور مثال آبیاری قطره‌ای و تورهای جدید، پاکستان، ترکیه)
- برای مدیریت (و صدور گواهی) کاربری منابع طبیعی (به طور مثال ماهیگیری)، تعاونی و انجمن کاربران تأسیس نمایید.
- پهنه‌بندی می‌تواند سازوکار مهمی برای مدیریت کاربری منابع طبیعی در سطوح پایدار باشد
- انواع مختلف معیشت جایگزین/مکمل توسط پروژه‌های مطالعات موردی، مورد آزمایش قرار گرفته‌اند:
- کشت ارگانیک، باغهای میوه، تولید یکپارچه محصولات، مدیریت یکپارچه

آفت، کشت قارچ، پرورش ماهی، پرورش بز

- گردشگری طبیعی، صنایع دستی
- از گونه‌های مهاجم بیگانه برای بیوگاز، سوخت بیولوژیک، صنایع دستی، کود و کمپوست استفاده نمایید (نپال، انزلی (ایران))
- برای پر کردن خلأها، موقعیتهای شغلی فصلی ایجاد نمایید (به طور مثال استخدام ماهیگیران در فصولی که ماهیگیری انجام نمی‌شود برای کشت مانگرو (پاکستان) یا بازدیدهای گردشگری
- ارائه آموزش‌هایی در خصوص مدیریت کسب و کار
- آموزش زنان به عنوان تسهیلگر در خصوص کشت جایگزین (ایران)، و فراهم‌کنندگان محل اقامت برای گردشگران (پرسپا)
- جذب بودجه برای کمک به توسعه معیشت مردم محلی. به طور مثال، در نپال یک طرح اعتبار خرد ۱/۵ میلیون دلاری برای جوامع محلی در زونهای حائل در نظر گرفته شد.

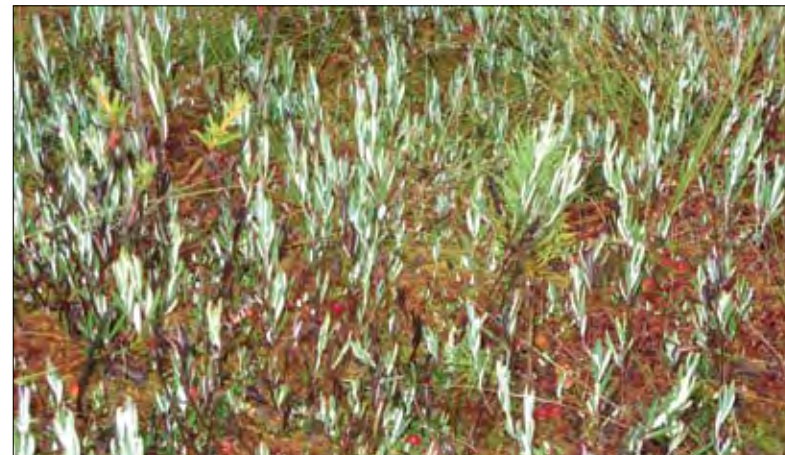
برخی از نمونه‌های برتر

در بلاروس، احیاء تالاب فرصتها (و منابع درآمدی) را برای شکار، جمع‌آوری توت و ماهیگیری فراهم نمود.

در سایتهای مطالعاتی ایران و پرسپا برپایی جشنواره عنصری کلیدی در جلب مشارکت همگانی بود



در نیال، برای افزایش ۱۵ درصدی درآمد خانوارهای جوامع وابسته به تالاب تا پایان دوره پروژه هدف‌گذاری گردید. گزینه‌های معیشتی مختلفی به خانوارهای فقیر پیشنهاد گردید: پرورش ماهی، پرورش بز، فرآوری فیبر طبیعی. گل سنبل آبی که یک گونه مهاجم بیگانه بود، با به کار گرفته شدن در ساخت کودهای کمپوست، سوخت هاضم‌های متان و استفاده در ساخت صنایع دستی، از یک علف هرز به یک گیاه باارزش تبدیل شد.





یک فنس الکتریکی خورشیدی، برای کاهش تخریب محصولات توسط گاو میشها، در منطقه کوشی تاپو (نپال) نصب گردید.

نتایج کلیدی

دستیابی به سطح بالایی از مشارکت جوامع، فرایندی پیچیده و طولانی است که به صبر، مهارت، منابع، زمان و بودجه کافی نیاز دارد. با این وجود، مشارکت تنها راه پایدارسازی نتایج پروژه است. وقتی که اعضای جامعه از ابتدای فرایند درگیر هستند، می‌توان احساس مالکیت، مسئولیت و مشارکت بیشتری را انتظار داشت. اگرچه تعارض بین ذینفعان اغلب در شروع یک پروژه وجود دارد، توسعه یک



مقدمه و سوالات کلیدی

مردم تنها زمانی حامیان حفاظت از تالابها خواهند بود که از ارزشهای آنها آگاه باشند. این نکته در خصوص تصمیمسازان نیز همانند جوامعی که در اطراف تالاب زندگی می کنند و مردم عادی صادق می باشد. به همین دلیل در هر پروژه حفاظت از تالاب، تنظیم یک برنامه ارتباطات هدفمند، حائز اولویت بالایی می باشد. کنوانسیون رامسر یک راهنمای CEPA تنظیم نموده است که توسط بسیاری از پروژهها مورد استفاده قرار گرفته است. پروژهها از اجرای چنین راهنمایی چه درسهایی آموخته اند و در ارتقاء سطح آگاهی های عمومی به چه موفقیت هایی دست یافته اند؟

نشانه های موفقیت چیست؟

- یک برنامه CEPA قوی که با مشارکت ذینفعان تدوین شده است، به اجرا درآمده و مورد پایش قرار می گیرد.
- جوامع محلی، عموم مردم و بخشهای خصوصی و تصمیمسازان از ارزشهای تالاب آگاه هستند و برای مدیریت پایدار آنها تلاش می کنند.
- رسانه ها به طور مداوم مسائل مربوط به تالابها را تحت پوشش قرار می دهند.

ابزارهای سودمند

دستورالعملها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی^۱

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>

چشم انداز مشترک و مثبت برای تالاب و افزایش مشارکت و فعالیتهای مردم محور اغلب می تواند منجر به افزایش اعتماد متقابل و همکاری شود. تعیین اولویتهای اقتصادی-اجتماعی جوامع محلی به عنوان نقطه ورودی به احیاء تنوع زیستی و محیط زیست، ضروری می باشد. بهبود اندک شرایط معیشتی حمایت جوامع محلی از پروژه را تضمین می نماید.

نکته هشداردهنده این است که بهترین برنامه ها برای بهبود معیشت می تواند با بلایای طبیعی مانند خشکسالی (ایران) و سیل (پاکستان) به راحتی با شکست مواجه شود.

۳-۶- ارتباطات، آموزش و آگاهی رسانی عمومی

"موفقیت زمانی حاصل شده که سایر مردم پیام شما را منتقل کنند و بر این باور باشند که این پیام ایده خود آنهاست".



■ مراسم روز جهانی تالابها در پاکستان

- کتاب راهنمای شماره ۴ کنوانسیون رامسر در خصوص ارتباطات، آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی^۱
- فروم CEPA / کتابخانه استفاده خردمندان کنوانسیون رامسر^۲

تجزیه و تحلیل نیازها

- تجزیه و تحلیل و اولویت‌بندی ذینفعان
- تجزیه و تحلیل خأ‌های اطلاعات (دانش) (اردن، قزاقستان)
- پرسشنامه/نظرسنجی برای ارزیابی سطح آگاهی‌ها

سازوکارها

- رسانه‌ها: تلویزیون، رادیو، جراید، وب سایتها، شبکه‌های اجتماعی
- برنامه تورهای مطالعاتی
- احداث مرکز بازدیدکنندگان تالاب
- روز جهانی تالابها، روزهای مرتبط با محیط‌زیست
- سرفصلهای آموزشی

درسهای آموخته از مطالعات موردی

ارتباطات و آگاهی‌رسانی عمومی

- تدوین یک برنامه CEPA قوی، استفاده (و در صورت نیاز انجام تغییرات در بخش‌های لازم) از دستورالعمل‌های CEPA کنوانسیون رامسر برای

1. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-guidelines-new-guidelines-for/main/ramsar/1-31-105%5E20857_4000_0__
 2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-activities-cepa/main/ramsar/1-63-69_4000_0__

- گروه‌های هدف مختلف از تصمیم‌سازان تا عموم مردم.
- استفاده از کمک جامعه‌شناسان برای یافتن مؤثرترین ابزار آگاهی‌رسانی عمومی برای گروههای هدف خاص.
- انجام نظرسنجی در خصوص آگاهی‌های عمومی در آغاز پروژه و پایش منظم برای حصول اطمینان از اثربخشی فعالیتهای CEPA.
- استفاده از اهمیت بین‌المللی تالابها برای تبلیغ در خصوص اهمیت تالابها و ایجاد حمایت سیاسی.
- استفاده از مکانیسم‌ها و ساختارهای موجود برای ارتقاء سطح آگاهی‌ها (تلویزیون، رادیو، جراید، انتشارات، وب سایتها، شبکه‌های اجتماعی).
- مستندسازی نتایج فعالیتهای برنامه‌های موفق برای توزیع و استفاده سایر پروژه‌ها.
- از جریان‌های کاریزمایی مانند دلفین‌های ایندوس و خرس قهوه‌ای هیمالیایی برای تبلیغ در خصوص مواردی با جذابیت کمتر مانند لاک‌پشت آب شیرین، حشرات و سایر بی‌مهرگان استفاده نمایید.
- تا حد ممکن مستندات و انتشارات مرتبط و مورد علاقه مردم را به زبان‌های محلی ترجمه نمایید.
- برای کلیه انتشارات یک برنامه توزیع مناسب در نظر داشته باشید و همچنین یک نسخه الکترونیک آن را نیز بر روی وب سایت قرار دهید.
- با خبرنگاران به طور فعالانه همکاری نمایید: برای آنان بازدیدهای میدانی برنامه‌ریزی کنید و اطلاعات و مطالب را در اختیار آنان قرار دهید. برای داشتن صفحات مرتبط با محیط‌زیست به صورت منظم، توافقنامه‌هایی با آنان منعقد نمایید.
- هم پروژه قزاقستان و هم پروژه ایران مجموعه‌ای از نمآهنگ‌های کوتاه با پیام‌های خاص برای پخش از تلویزیون تولید نموده‌اند.

- مراکز و تسهیلات اطلاعات تالابی می‌تواند اطلاعات را در اختیار افراد محلی، تصمیم‌سازان، مدارس، بخش‌های تجاری و بازدیدکنندگان قرار داده و بر بسیاری از فعالیت‌ها تمرکز نماید. در قزاقستان، پروژه نسبت به راه‌اندازی مرکز بازدیدکنندگان در هر سه سایت مطالعاتی خود اقدام نموده‌است.
- تشکلهای غیردولتی محلی مکانیسم خوبی برای ارتقاء آگاهی در سطح جوامع محلی می‌باشند.
- جشنواره‌ها، روزهایی برای اقدامات همگانی و تئاتر خیابانی می‌توانند در ارتقاء آگاهی‌های عمومی بسیار مؤثر باشند.
- WWF در پاکستان نسبت به ایجاد "فروم دوستان ایندوس" اقدام نمود.
- برپایی برنامه‌های هدفمند در سایتهای تالابی هنگام برگزاری جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، به ویژه روز جهانی تالابها.
- برگزاری برنامه‌های گرامیداشت قهرمانان تالاب که می‌توانند برنامه‌های آگاهی‌رسانی را توسعه دهند.
- حصول اطمینان از اینکه پیش از پایان پروژه، مسئولیت مدیریت وبسایت به بخش موردنظر منتقل شده‌است.

آموزش

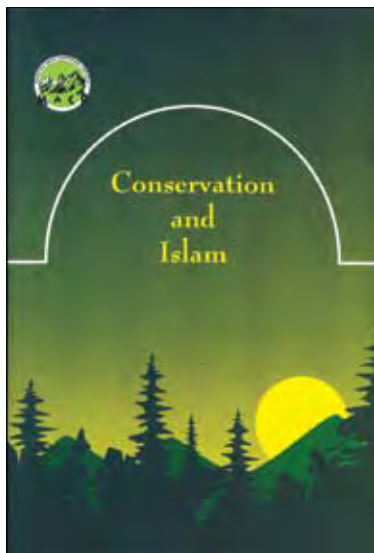
- همکاری با وزارت آموزش و پرورش برای گنجاندن سرفصل‌های مرتبط با تنوع‌زیستی در برنامه درسی دانش‌آموزان (به طور مثال تمرینات مرتبط با تالاب می‌تواند در دروس ریاضیات یا زبان گنجانیده شود).
- کار با معلمان برای توسعه و گسترش برنامه‌های CEPA.
- برپایی مسابقات برای دانش‌آموزان مدارس.
- قزاقستان و نپال نسبت به تدوین کتاب‌های الفبا با موضوع تنوع‌زیستی برای

کودکان اقدام نموده‌اند.

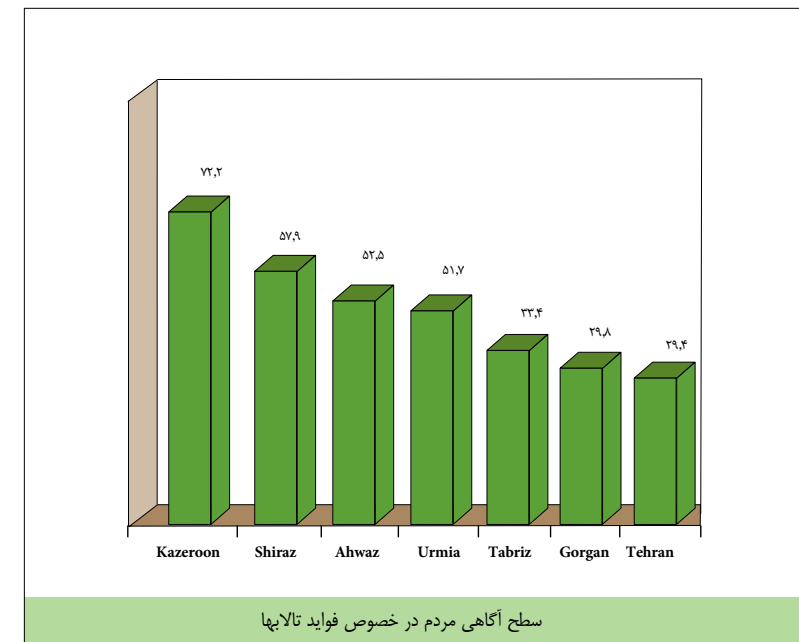
- جایکا، برای تالاب انزلی در ایران برنامه‌های آموزشی (متریال آموزشی، برنامه، مراکز آموزش تالابی، طرح‌های مدارس اکولوژیک، دوره کارشناسی ارشد بین‌المللی "مدیریت تالاب") در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه نموده‌است.

برخی از نمونه‌های برتر

WWF در پاکستان، مجموعه‌ای تحت عنوان "حفاظت و اسلام" منتشر نموده‌است که به رهبران مذهبی کمک می‌کند مسائل زیست‌محیطی و تنوع‌زیستی را در سخنرانی‌های عمومی خود مطرح نمایند. این موضوع به ویژه در جوامعی با سطح سواد پایین بسیار حائز اهمیت می‌باشد.



پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران با همکاری مرکز تحقیقات صداوسیما، یک بررسی در خصوص میزان آگاهی‌های عمومی در رابطه با تالابها در سایتهای مطالعاتی خود، در تهران و تعدادی از شهرهایی که پروژه در آنها فعالیتی نداشته به انجام رسانید. این بررسی حاکی از ثمربخشی بالای فعالیت‌های آگاهی‌رسانی پروژه بود.



پروژه درنای سیبری در ایران یک استراتژی آگاهی‌رسانی عمومی در سه سطح ملی، استانی و سایت (دو سایت مطالعاتی) تدوین نمود. همچنین در سایت اصلی پروژه مراسم سالانه "روز درنا" برگزار می‌شود.



مراسم روز درنا در فریدونکنار (ایران)



WWF پاکستان در سایتهای اصلی مطالعاتی خود مراکز اطلاع‌رسانی و حفاظت احداث نمود.



مرکز اطلاعات و حفاظت keenjhar در مراحل پایانی ساخت

۳-۱۱ پایش جامع و مدیریت اطلاعات

"رویکرد اکوسیستمی باید تمامی انواع اطلاعات مرتبط شامل دانش محلی، بومی و علمی، نوآوری‌ها و روش‌ها را در نظر داشته باشد".



■ به کارگیری دانش بومی و مشارکت جوامع محلی در اردن

مقدمه و سوالات کلیدی

برنامه‌ریزی مدیریت جامع رویکردی مبنی بر شواهد می‌باشد و پایش، ابزاری کلیدی در چرخه مدیریت تطبیقی محسوب می‌گردد. پایش، جمع‌آوری سیستماتیک داده‌ها و اطلاعات طی زمان به منظور سنجش میزان تطابق با استانداردها و شرایط از پیش تعیین شده، می‌باشد.



■ مرکز اطلاعات و حفاظت chotiari در مراحل پایانی ساخت

نیپال نسبت به تدوین یک استراتژی ملی CEPA، چارچوب توزیع آن، یک کتاب مرجع تالابی، دستورالعمل آموزش آموزشگران و FAQs اقدام نموده‌است.

نتایج کلیدی

ارتقاء سطح آگاهی‌ها در تمامی سطوح جامعه، از جوامع محلی تا دانش‌آموزان، بخش خصوصی و تصمیم‌سازان، یکی از ستون‌های اصلی هر پروژه مؤثر حفاظت از تالاب بوده و نیاز به تخصیص منابع مالی و پرسنل متعهد دارد. راهنمای CEPA کنوانسیون رامسر چارچوب بسیار کارآمدی برای توسعه یک برنامه ارتباطات ارائه می‌نماید و فروم CEPA رامسر و راهنماهای استفاده خردمندان می‌توانند به عنوان منابع غنی از ایده‌ها و متریاال به اشتراک گذاشته شده، مورد استفاده قرار گیرند. اقدامات CEPA حوضه و هزینه‌های تقریباً نامحدودی دارند. بنابراین داشتن اهداف و برنامه‌های روشن و پایش میزان اثربخشی از ملزومات آن می‌باشد.

یکپارچه بوده‌اند. پروژه‌ها چه درس‌آموخته‌هایی درخصوص استقرار سیستم پایش یکپارچه دارند؟

نشانه‌های موفقیت چیست؟

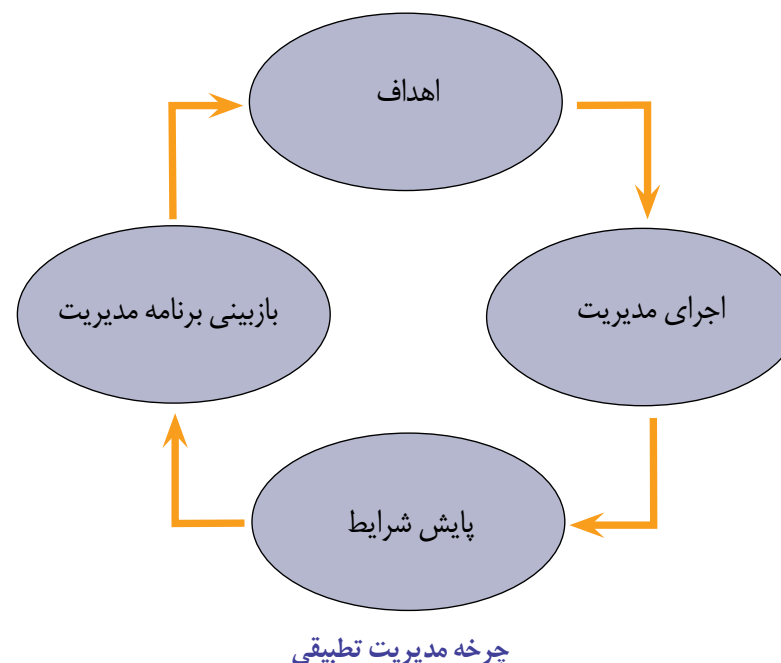
- شرایط اولیه بررسی و گزارش‌دهی شده‌است.
- سیستم پایش یکپارچه مستقر شده و پس از اتمام پروژه پایدار می‌باشد.
- شاخص‌ها، روش‌ها و مسؤولیت‌ها در یک پروتکل/برنامه مورد توافق قرار گرفته‌اند.
- پایش مشارکتی توسط نهادهای دولتی و تشکلهای غیردولتی
- مرکز اطلاعات مسؤول برای هماهنگی پایش و گزارش‌دهی تعیین شده
- سیستم مدیریت اطلاعات جامع در دسترس (بانک اطلاعات و GIS)
- گزارش پایش یکپارچه سالانه
- گزارش خلاصه برای تصمیم‌سازان و عموم مردم
- نتایج پایش در مدیریت تطبیقی مورد استفاده قرار می‌گیرند
- کمیته مدیریت محلی نتایج پایش را مدنظر قرار می‌دهد

ابزارهای سودمند

دستورالعمل‌ها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع‌زیستی^۱
- کتاب راهنمای شماره ۱۱ کنوانسیون رامسر در خصوص فهرست‌برداری،

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>



یک برنامه پایش کارآمد باید ساده، واجد طراحی مناسب و قابل اجرا باشد. در شرایط ایده‌آل، تالاب دارای برنامه پایش یکپارچه‌ای می‌باشد که اطلاعات موردنیاز برای سنجش میزان اثربخشی مدیریت اعمال شده را فراهم می‌نماید. پایش در صورتی سودمند خواهد بود که نتایج آن به مدیران و تصمیم‌سازان گزارش داده شده و در مدیریت تطبیقی مورد استفاده قرار گیرد. اغلب اوقات، اهمیت پایش نادیده انگاشته می‌شود، یا بدون در نظر گرفتن یک هدف مشخص مرتبط با مدیریت تالاب اجرا می‌شود. همه پروژه‌های شرکت‌کننده در کارگاه، مطالعات پایه شرایط تالاب‌ها را به انجام رسانیده و اغلب آنها به دنبال تدوین برنامه‌های پایش

ارزیابی و پایش^۱

- کتاب راهنمای شماره ۱۲ کنوانسیون رامسر در خصوص فهرست برداری تالاب^۲
- دستورالعمل‌های پایش^۳ UNDP
- ابزار اثربخشی مدیریت (RAPPAM)WWF^۴

سازوکارها

- مطالعات پایه
- استراتژی/ برنامه و پروتکل‌های پایش
- پایش مشارکتی
- بانک اطلاعاتی (به طور مثال Med Wet) و سیستم GIS و سنجش از دور
- سیستم نقشه برداری Med Wet
- شاخص‌های انتخاب شده (زیستی، اجتماعی و اقتصادی)
- قوانین و مقررات
- وب سایت

درس‌های آموخته از مطالعات موردی

پایش یکپارچه

- برنامه پایش مشتمل بر شاخص‌های انتخاب شده، دستورالعمل‌های

1. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-pubs-handbooks/main/ramsar/1-30-33_4000_0__
2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-pubs-handbooks/main/ramsar/1-30-33_4000_0__
3. <http://www.undp.org/evaluation/handbook/Annex1.html>
4. http://www.panda.org/what_we_do/how_we_work/conservation/forests/tools/rappam/

روش‌شناسی، مسؤولیت‌ها و نیازهای گزارش‌دهی تدوین نمایید.

- شاخص‌های کلیدی مرتبط با اهداف پروژه را انتخاب نمایید، برای مقرون به صرفه و قابل اجرا بودن، تا حد ممکن تعداد شاخص‌ها را پایین نگه دارید.
- شاخص‌ها را به طور منظم مورد پایش قرار دهید تا تغییرات شاخص‌های انتخاب شده را مورد ردیابی قرار داده و تعیین نمایید که آیا اقدامات مدیریتی صورت گرفته به نتایج مورد انتظار دست یافته‌اند؟
- در پرسپا و ایران، تجارب، مدل‌ها و دستورالعمل‌های بین‌المللی در تدوین برنامه پایش بسیار مفید بودند.
- از پایداری برنامه پایش پس از اتمام پروژه اطمینان حاصل نمایید.
- مسؤولیت‌های پایش و گزارش‌دهی باید به روشنی در برنامه مطرح شوند.
- برنامه پایش را به عنوان یکی از پیوست‌های برنامه مدیریت به آن الصاق نمایید. بدین ترتیب این برنامه نیز مورد تصویب رسمی قرار خواهد گرفت.
- بسیاری از برنامه‌های پایش قبلاً آغاز شده است. این نکته حائز اهمیت می‌باشد که آنها را تکمیل نمایید و از دوباره کاری بپرهیزید.
- پروتکل‌هایی که در سطح بین‌المللی پذیرفته شده‌اند برای تعیین روش‌شناسی پایش بسیاری از شاخص‌ها در دسترس می‌باشند، اما به طور مثال پروژه بلاروس برای سنجش میزان خروجی و ترسیب گازهای گلخانه‌ای توسط تورب‌زارها، مجبور به تدوین و آزمایش یک روش جدید شد.
- استفاده از پایش در مدیریت تطبیقی را در شرح وظایف کمیته محلی مدیریت بگنجانید، به طوری که نتایج آن در گسترش بیشتر برنامه‌های مدیریتی به کار گرفته شود.
- در پرسپا، یک سیستم پایش جامع فرامرزی با حمایت یک کارگروه ویژه مستقر شده است. انجام یک مرحله پایش آزمایشی پیش از تدوین برنامه کامل

برخی از نمونه‌های برتر

قزاقستان دستورالعمل پایش تنوع زیستی را منتشر نموده‌است.



پایش، کمک مؤثری به فرایند نمود.

- در بلاروس و ایران (برای گونه شنگ معمولی) جوامع محلی آموزش‌هایی دیده و در برنامه پایش درگیر شدند.
- در نپال، گروه‌های محلی برای انجام پایش گونه‌های شاخص کلیدی مانند خوتکا غاز آسیایی و دراج آموزش دیدند.

مدیریت اطلاعات و گزارش‌دهی

- یک هماهنگ‌کننده به عنوان مسؤول تدوین یک گزارش پایش جامع تعیین نمایید؛ برای این کار احتیاج به حمایت مالی و ساختاری می‌باشد.
- برای گزارش‌دهی هر پارامتر از یک فرمت استاندارد استفاده نمایید.
- برخی بخش‌ها از ارائه اطلاعات امتناع می‌ورزند، یا حتی اطلاعات نادرست ارائه می‌نمایند. گزارش پایش را پس از مشخص کردن خلأهای آن منتشر نمایید و گروهی از کارشناسان را برای کنترل کیفیت داده‌ها و گزارشات به کار گیرید.
- بازخورد سریع در خصوص نتایج پایش نوعی مشوق بوده، و همچنین برای مدیریت موردنیاز است، اما داشتن یک گزارش جامع نیاز به زمان طولانی دارد.
- گزارشات پایش، شامل خلاصه گزارش برای عموم و تصمیم‌سازان، باید به صورت گسترده توزیع شوند.
- دخیل نمودن ذینفعان محلی در ارزیابی نتایج پایش، تمرین عملی خوبی می‌باشد.
- در وضعیت ایده‌آل، باید یک بانک اطلاعاتی مرکزی راه‌اندازی شود که از طریق یک پایگاه داده به راحتی در دسترس باشد؛ پروژه‌های بلاروس، ایران، اردن و پرسیا یک مدل بین‌المللی مانند بانک اطلاعاتی تالاب‌های Med Wet تهیه نموده‌اند.



نتایج کلیدی

پایش جامع باید به عنوان جزء لاینفک و مهم برنامه مدیریت تلقی گردد که از طریق دنبال کردن شاخص‌های خاص، زمینه ارزیابی اثربخشی اقدامات مدیریتی را فراهم می‌سازد. تعداد شاخص‌ها باید کم بوده و مسؤلیت‌ها به سازمان‌های موجود واگذار شود تا پایداری برنامه را تضمین نماید. تهیه گزارش پایش جامع سالانه یک ابزار کلیدی می‌باشد.

لازم است برای برنامه پایش جامع یک دفتر مشخص و یک شخص مسؤول برای هماهنگی، مدیریت مرکزی اطلاعات، گزارش‌دهی و ارتباطات در نظر گرفته شود. بازخوردهای سریع و دوره‌ای در خصوص نتایج پایش، هم به عنوان یک مشوق برای افرادی که اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند و هم از نظر کاربرد در مدیریت تطبیقی، ضروری می‌باشد. نتایج پایش باید به صورت رایگان در دسترس قرار داشته باشد.

کمبود اطلاعات در خصوص تالاب‌ها، مانع اصلی حفاظت از تالاب‌ها در پاکستان بوده، بنابراین با استفاده از یک تیم میدانی بزرگ چند حرفه‌ای، یک ارزیابی در سطح ملی به انجام رسیده‌است.

نیال یک روش خاص برای مستندسازی دانش بومی تهیه و منتشر نموده‌است که حاکی از استفاده از ۲۱۰ محصول تالابی مختلف در Koshi Tappu است.

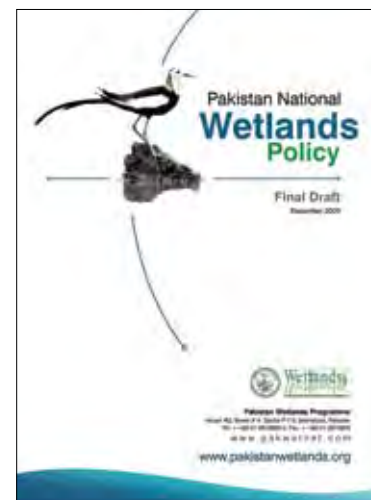


۸-۳ سیاست‌ها، قوانین و مقررات و بسط ملی

مقدمه و سوالات کلیدی

از آنجایی که تالاب‌ها در حدفاصل آب و خشکی واقع شده‌اند، در اغلب موارد در سیاست‌های بخشی تأثیرگذار بر آب، زمین، جنگل یا شیلات نادیده انگاشته می‌شوند- اگر چه به این منابع طبیعی وابستگی زیادی دارند یا نقش اساسی در مدیریت پایدار آنها ایفا می‌نمایند. همچنین مسؤولیت مسائل تأثیرگذار بر تالابها نیز بین نهادها پراکنده شده‌است، بدین معنی که اغلب فعالیتها "به هم پیوسته" نیستند. به همین دلیل کنوانسیون رامسر دستورالعمل‌های جامعی برای تدوین سیاست ملی تالاب‌ها تهیه نموده‌است، و معتقد است که این دستورالعمل‌ها می‌توانند نقش اساسی در هدایت تصمیم‌سازان به سوی بهره‌برداری خردمندانه از تالاب‌ها ایفا نمایند و به عنوان مشوقی برای هماهنگی بین بخشی باشند.

بسیاری از پروژه‌های شرکت کننده، از تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی حفاظت از تالاب‌ها حمایت نموده‌اند، و سایر آنها در حال تدوین آن می‌باشند. اغلب این سیاست‌ها مکانیسم‌هایی برای بسط تجربیات سایت‌های نمونه در سراسر کشور می‌باشند. چه درس‌آموخته‌هایی در این زمینه وجود دارد؟



نشانه‌های موفقیت چیست؟

- سیاست ملی تالاب‌ها تهیه شده و تحت نظارت یک کمیته ملی تالاب در حال اجرا می‌باشد.
- سیاست ملی تالاب‌ها در سیاست‌های بخشی و بین بخشی مرتبط وارد شده و ارتباط آنها را با تالاب تقویت نموده‌است.
- اقدامات کلیدی حفاظت از تالاب‌ها در استراتژی‌های بخشی وارد شده است.
- مشوق‌ها و قوانین نامعقول، اصلاح گردیده‌اند.
- تجارب کسب شده در سایت‌های نمونه در سراسر کشور به کار گرفته می‌شود.

ابزارهای سودمند

دستورالعمل‌ها

- رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی^۱
- کتاب راهنمای شماره ۲ کنوانسیون رامسر در خصوص سیاست‌های ملی تالاب^۲
- کتاب راهنمای شماره ۳ کنوانسیون رامسر در خصوص قوانین و مقررات و ساختارها^۳

سازوکارها

- سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ملی
- استراتژی و برنامه عمل ملی تنوع زیستی (CBD, NBSAP)
- جلسات مشورتی ملی برای بحث و گفتگو در خصوص سیاست بخشی
- تجزیه و تحلیل خلأ سیاست بخشی (متخصصین، قضات، سیاستمداران)

1. <http://www.cbd.int/ecosystem/>

2. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-pubs-handbooks/main/ramsar/1-30-33_4000_0_

3. http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-pubs-handbooks/main/ramsar/1-30-33_4000_0_

درس‌های آموخته از مطالعات موردی

سیاست‌ها و استراتژی‌ها

- بسیاری از پروژه‌ها کتاب راهنمای شماره ۲ کنوانسیون رامسر در خصوص سیاست ملی تالاب را کتابی بسیار مفید دانستند.
- سیاست‌های ملی تالاب در بسیاری از کشورها تدوین شده و به عنوان منبعی غنی از اطلاعات و تجربه محسوب می‌گردند. لیست کاملی از آنها را می‌توان در وب سایت کنوانسیون رامسر یافت.
- تدوین سیاست باید رویکردی از بالا به پایین و از پایین به بالا داشته و از نیازها و تجارب موجود بیاموزد.
- برای اطمینان از درگیر شدن کلیه بخشها باید طی فرایندی مشورتی نسبت به تهیه یک نقشه راه اقدام نمود؛ حضور نمایندگان تشکلهای غیردولتی نیز حائز اهمیت می‌باشد.
- زمانی که سیاست ملی تهیه شد، لازم است که خلأهای بخشی و نیز در سطح سایر سیاست‌های استراتژیک، مورد بررسی و تکمیل قرار گیرد. به طور مثال، در بلاروس برای مقابله با تخریب زمین، یک بخش در خصوص تورب‌زارهای تخریب شده در استراتژی ملی در نظر گرفته شد.
- یک کمیته ملی تالاب باید به عنوان متولی برنامه و سیاست ملی تالابها تأسیس شود و مسؤولیت پایش اجرای آن را بر عهده گیرد.
- سیاستها برای کارآمد بودن باید توسط قوانین، اقدامات و دستورالعمل‌ها پشتیبانی شوند. کتاب راهنمای شماره ۳ کنوانسیون رامسر در خصوص قوانین و مقررات و ساختارها اطلاعات بیشتری در این زمینه ارائه می‌نماید. در پاکستان، برنامه عمل ملی تالابها به علت نقص در استراتژی‌ها و سیاستها

و قوانین اجرایی، با شکست مواجه شد.

- امکان ارجاع به مدیریت کارآمد در سایت‌های نمونه، در فرایند تدوین سیاست بسیار سودمند است.
- اشاره به موضوعات تخصیص آب و مدیریت اثرات بالادست (مشمول بر مسائل فرامرزی) در سیاست‌های تالاب امری اساسی می‌باشد.
- پروژه‌ها می‌توانند محرک‌های خوبی برای اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون رامسر، کنوانسیون گونه‌های مهاجر و موافقتنامه آفریقایی-آسیایی پرندگان آبی در کشورهای مربوطه باشند.

تکرار و بسط تجربیات سایت‌های نمونه

- باید برای سیاست ملی تالابها یک برنامه عمل با اقدامات SMART تهیه شود و اجرای آن نیز به عهده کمیته ملی تالاب گذاشته شود.
- برنامه عمل (قطعا) و سیاست (گاهی اوقات) در فواصل زمانی منظم احتیاج به تجدیدنظر دارند.
- صندوق تسهیلات کوچک UNDP/GEF سازوکار مناسبی برای دخیل کردن نهادهای مردم‌نهاد و تشکلهای غیردولتی در فعالیتهای سایت‌های تکرار پروژه فراهم می‌نماید (به طور مثال ۵ تورب‌زار در بلاروس به همین طریق تحت پوشش قرار گرفتند).

برخی از نمونه‌های برتر

در بلاروس سیاست‌های مدیریت پایدار تورب‌زارهای تخریب‌شده مورد بازبینی قرار گرفته و دو استاندارد جدید تهیه و مورد تصویب قرار گرفت: الف) در خصوص

استفاده از ذخایر موادمعدنی (رسوبات) توربزارهای تخریب شده؛ ب) در خصوص بهسازی اکولوژیک ذخایر معدنی توربزارهای تخریب شده و سایر باتلاق‌های آسیب‌دیده و جلوگیری از ورود آسیب به رژیم هیدرولوژیک سیستم‌های اکولوژیک طبیعی در فرایند زهکشی. همچنین پروژه موفق گردید ارتباط مناسبی بین حفاظت از تنوع زیستی در توربزارهای تخریب شده و استراتژی ملی مبارزه با تخریب اراضی، و نیز سیاست‌های تغییر اقلیم برای کاهش دفع دی‌اکسید کربن، ایجاد نماید.



■ توربزارهای تخریب شده، بلاروس

پروژه نپال به استقرار کمیته ملی تالاب با ۱۱ عضو از وزارتخانه‌های بخشی و کمسیون برنامه‌ریزی ملی دست یافت که توسط یک کمیته فنی مشورتی حمایت می‌شود. کمیته مذکور هم اکنون در حال بررسی سیاست ملی تالاب‌های سال ۲۰۰۳ و سیاست‌های بین‌بخشی تأثیرگذار بر تالاب‌ها می‌باشد.

ایران برای پیدا کردن نیازهای اساسی تالاب‌های مناطق حفاظت شده کشور و گنجاندن آن در برنامه عمل ملی، ابزار اثر بخشی مدیریت (RAPPAM)/WWF را مورد استفاده قرار داد.

ترکیه دارای یک استراتژی تالاب، مجموعه‌ای از قوانین که زیرساخت قانونی حفاظت از تالاب را فراهم می‌نماید، یک کمیته ملی تالاب و چند کمیته محلی تالاب در سطح استانی است. اگر چه، اصلاحیه اخیر قانون حفاظت تالابها، پسرفت بزرگی در اقدامات حفاظت تالاب می‌باشد.

نتایج کلیدی

به دلیل ارزش تالاب‌ها و مسائل بین‌بخشی که بر آنها تأثیر می‌گذارند، لازم است در قوانین و مقررات و سیاست‌های ملی به اندازه کافی به آنها پرداخته شود. میزان نیاز به یک سیاست ملی جداگانه برای تالاب، به مسائلی که تالاب‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و میزان اثر بخشی سیاستها و قوانین و مقررات موجود، بستگی دارد. به طور کلی سیاستها تنها زمانی مؤثر هستند که توسط قوانین و مقررات مناسب پشتیبانی شوند.

تدوین سیاست تالاب‌ها باید طی فرایند مشارکتی صورت گرفته و یکپارچگی بین بخش‌ها را تضمین نماید و نیز از تجارب موجود استفاده نماید. کنوانسیون رامسر راهنمای بسیار مناسبی در این خصوص ارائه می‌نماید. همچنین نمونه‌های مطالعاتی متعددی از کشورهای مختلف موجود می‌باشد.

به علت محدود بودن دوره زمانی پروژه‌ها، ترکیبی از کار موفق در سایت‌های نمونه به همراه تعهد ایجاد شده از طریق سیاست ملی تالاب و قوانین و مقررات اجرایی، می‌تواند میراث ماندگاری برای کشور مربوطه برجای گذارد.

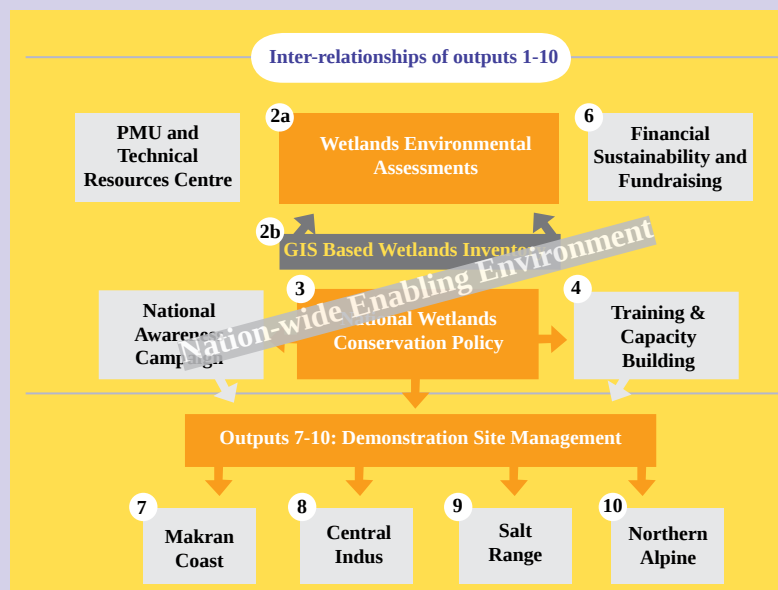


فصل چهارم

طراحی، مدیریت و استراتژی خروج پروژه

"فراموش نکنید که نقش آفرینان اصلی، جوامع حاضر در حوضه آبخیز می‌باشند، نه تیم پروژه"

طراحی پروژه پاکستان نشان می‌دهد که چگونه کار در یک سایت مطالعاتی، به همراه فعالیتهای سطح ملی منجر به ایجاد یک عزم ملی برای حفاظت از تالابها می‌شود.



یازده نمونه موردی مطرح‌شده در این مجمع تبادل نظر، پیشگامان رویکرد جامع جدیدی برای مدیریت پایدار تالابها بودند، که به دنبال حفظ تنوع‌زیستی و منافع مردم و کاهش اثرات تغییر اقلیم می‌باشند. در اغلب موارد، این کار از طریق تدوین یک سیستم مدیریتی نمونه برای کاهش تهدیدات در تعدادی سایت مطالعاتی، همراه با استقرار یک چارچوب در سطح ملی برای تکرار نتایج در سایر تالاب‌ها، به انجام رسیده‌است. بنابراین این پروژه‌ها در مقایسه با رویکردهای سنتی که تنها بر حفاظت یک گونه در معرض خطر یا تقویت مدیریت یک منطقه حفاظت‌شده تمرکز می‌نمودند، هدف بلندپروازانه و سطح بالاتری دارند.

طول عمر پروژه‌ها متفاوت بود ولی کلیه آنها دارای دوره مشخصی بودند و این نکته تمایز بین یک پروژه محدود با هدف طراحی و ارائه یک سیستم جدید و اجرای بلندمدت آن سیستم مدیریتی توسط کلیه ذینفعانی که قبل و بعد از پروژه وجود دارند، را آشکار می‌سازد. بنابراین، چنین پروژه‌هایی تنها یک گام بسیار اساسی از یک فرایند بلندمدت تغییر رویکرد به سوی مدیریت پایدار تالابها می‌باشند.

۱-۴ طراحی و تدوین پروژه

چالش موجود در طراحی یک پروژه، فراهم کردن ابزارهایی است که هم مسیر روشن اجرا و هم پایش، ارزیابی و مدیریت ریسک مؤثر را نشان می‌دهد. اغلب پروژه‌های GEF با استفاده از کمک هزینه‌های تسهیلات تدوین پروژه (PDF A & B) فرمول‌بندی شده‌اند. معمولاً مشاورین متخصص خارج از مجموعه، مطالعات را با ذینفعان ملی به انجام رسانیده و سپس با استفاده از نتایج این مطالعات خلاصه پروژه تهیه شده و به تصویب GEF رسیده است. سند پروژه نیز که توسط مشاورین بین‌المللی تهیه می‌شود، برنامه، بودجه و توافقات بین UNDP، به عنوان نهاد اجرایی GEF، و دولت(های) ملی را تعیین می‌کند. پروژه‌های GEF معمولاً توسط مشاورین بیرونی، تحت ارزیابی میان دوره‌ای و ارزیابی پایانی قرار می‌گیرند.

درس‌های آموخته در خصوص طراحی و تدوین پروژه

۱. فرایند بلندمدت تدوین پروژه و گاهی اوقات تأخیرهای طولانی (تا ۲ الی ۳ سال) بین فرمول‌بندی پروژه و آغاز اجرای آن، منجر به از دست رفتن دانش ساختاری پروژه شده و ریسک تغییرات بستر سیاسی نیز وجود دارد.
۲. راهبری مناسب فاز آغازین در درگیرسازی مجدد ذینفعان کلیدی، اطمینان از مرتبط بودن پروژه و تقویت خروجی‌های کلیدی، نقش اساسی ایفا می‌نماید. هر یک از عناصر اصلی پروژه باید مورد تأیید قرار گرفته و هر موضوع یا سوء تفاهمی - اعم از راهبری و نظارت، چارچوب منطقی، خروجی‌های سطح بالا، سیستم پایش و ارزیابی، بودجه و فرایندهای اداری - باید حل و فصل شود.
۳. طراحی پروژه اغلب بسیار بلندپروازانه است؛ پروژه‌ها باید با توجه به بودجه و زمان موجود، با اهداف واقع‌گرایانه تعریف شوند.
۴. اسناد پروژه اغلب بسیار مشروح بوده و در آن از واژگان تخصصی زیادی استفاده شده است. لذا درک آن برای افرادی که بناست آن را به اجرا گذارند، دشوار می‌باشد.
۵. استفاده از چارچوب منطقی پروژه اغلب برای تیم پروژه بسیار پیچیده می‌باشد و تعداد زیاد شاخصها در آن، پایش و ارزیابی پروژه را دشوار می‌سازد. یک چارچوب برنامه‌ریزی و پایش ساده‌تر که به جای خروجی‌های فرعی و فعالیتها، بر خروجی‌های کلیدی تمرکز دارد، سودمندتر می‌باشد.

۲-۴ راهبری و پرسنل پروژه

اغلب پروژه‌های شرکت‌کننده در کارگاه پروژه‌های بزرگ GEF با همکاری UNDP یا UNEP به عنوان نهاد اجرایی GEF و دولت ملی بودند. این پروژه‌ها به طور معمول متشکل از عناصر راهبری و اجرایی زیر می‌باشند:

- یک وزارتخانه راهبر، با همکاری سایر وزارتخانه‌ها تحت نظارت یک مجری ملی پروژه را اجرا می‌کند.
- دفتر UNDP در کشور حمایت‌های اجرایی، کنترل بودجه و نیازمندی‌های پروژه را ارائه می‌نماید.
- کمیته راهبری پروژه (که اعضاء آن متشکل از تمامی گروه‌های ذینفع می‌باشند) که گاهی اوقات توسط یک کمیته ملی فنی پشتیبانی می‌شود.
- دفتر هماهنگی پروژه/واحد مدیریت (با پرسنلی که برخی از آنها در سایت‌های مطالعاتی مشغول به کار هستند) که توسط مشاورین ملی و بین‌المللی پشتیبانی می‌شود. دفتر هماهنگی اغلب پروژه‌ها در وزارتخانه راهبر واقع شده و نقش اساسی در پشتیبانی از ذینفعان کلیدی پروژه در اجرای ظرفیت‌سازی، هماهنگی و ارتقاء سطح آگاهی‌ها را بر عهده دارد.

درس‌های آموخته در خصوص راهبری و پرسنل پروژه

۱. ساختار معمول راهبری پروژه‌های GEF نقش‌ها و مسؤولیت‌ها را به روشنی بیان می‌کند، با این وجود همه پروژه‌ها موفق به تشکیل یک کمیته راهبری قوی نشده‌اند.
۲. تغییر مداوم افراد کانونی در نهادهای دولتی، از هم‌گسیختگی زیادی در پروژه ایجاد می‌نماید.
۳. تیم پروژه باید با افراد کلیدی در وزارتخانه‌ها ارتباط خوبی برقرار نمایند، بویژه مقامات و کارشناسان اصلی که مسؤولیت بخش تالاب‌ها را بر عهده دارند.
۴. تیم پروژه باید تا حد ممکن در سیستم دولتی (به ویژه وزارتخانه راهبر) ادغام شده، و متفاوت از آنها دیده نشوند. مسائلی چون حقوق دریافتی و وسایل نقلیه پروژه‌ها می‌تواند باعث بروز مشکلاتی گردد.
۵. دسترسی به بودجه‌های بین‌المللی و کار کردن با استانداردهای بین‌المللی مدیریت پروژه، برای تیم پروژه شرایط پیشرفت بهتری نسبت به کارمندان دولتی فراهم می‌کند.
۶. اعضاء تیم پروژه باید از پذیرش مسؤولیت کمیته‌ها اجتناب بورزند چرا که این امر باعث تضعیف پایداری می‌گردد.
۷. مشاورین نقش مهمی را در اجرای پروژه ایفا می‌نمایند اما به منظور کسب نتایجی با استانداردهای بالا باید فعالیتهای آنها بر اساس شرح وظایف تعیین شده به دقت مورد پایش قرار گیرد.

۳-۴ بودجه‌بندی و ترتیبات اداری پروژه

اغلب پروژه‌های حاضر بودجه GEF قابل توجهی دارند که طی چند سال پروژه هزینه می‌شود، همچنین بودجه نقدی یا غیرنقدی (اغلب اوقات چند برابر بودجه GEF) از سوی دولت ملی یا سایر بخش‌ها. مدیریت، حسابداری و گزارش‌دهی نحوه هزینه کرد بودجه GEF بر عهده نهاد اجرایی (معمولاً UNDP یا UNEP) می‌باشد.

درس‌های آموخته در خصوص بودجه‌بندی و ترتیبات اداری پروژه

۱. بودجه بین‌المللی انعطاف‌پذیری مواجهه با دشواری‌های بین‌بخشی را فراهم می‌سازد.
۲. سند پروژه مسئولیت‌ها را به اندازه کافی تصریح نمی‌نماید که عملیاتی شدن تعهدات مالی را تضمین نماید. اغلب این مسئولیت‌ها بر عهده تیم پروژه گذاشته می‌شود، در حالی که این امر مشخصاً باید بر عهده کمیته راهبری پروژه باشد.
۳. اندازه‌گیری میزان کمک‌های غیرنقدی و تطبیق آن با اطلس دشوار می‌باشد؛ توصیه می‌شود پروژه کلیه کمک‌های غیرنقدی بخش دولتی در خصوص فعالیت‌های پروژه را ثبت نماید.
۴. پروژه‌ها باید بر اهمیت فراهم شدن کل بودجه (GEF و ملی) برای انجام پروژه تأکید داشته باشند.

۵. حضور یک پروژه GEF می‌تواند موقعیت جذب منابع دیگری را نیز فراهم سازد، اگرچه مسائل اداری مدیریت موازی چنین بودجه‌هایی که وارد محاسبات UNDP نمی‌گردد، مشکلاتی را ایجاد می‌نماید.
۶. از آنجایی که بودجه GEF منابع کافی برای حمایت از معیشت و نیازهای زیرساختی را تأمین نمی‌کند، گاهی اوقات "ارائه" پروژه به جوامع محلی را دشوار می‌نماید. حمایت‌های دیگر از سوی UNDP و برنامه کمک‌های کوچک (SGP) تسهیلات جهانی محیط‌زیست در این خصوص بسیار سودمند می‌باشند.
۷. در جایی که تشکل‌های غیردولتی بین‌المللی درگیر در فاز طراحی پروژه بر سر بودجه‌های اجرایی با نهادهای دولتی رقابت می‌کنند، مشکلاتی ایجاد می‌گردد.
۸. بوروکراسی در UNDP و وزارتخانه‌ها باعث ایجاد ناکارآمدی‌هایی می‌گردد. یکی از مدیران پروژه‌ها تعداد امضاهای خود طی ۵ سال را ۲۶۰۰۰ تخمین زد!
۹. UNDP بر "هزینه‌کرد" به عنوان یکی از معیارهای سنجش موفقیت، تأکید بیش از حدی دارد.
۱۰. گزارش‌های مطالبه شده از پروژه‌های GEF بسیار زیاد بوده ولی به نظر می‌رسد از نتایج آن استفاده مناسب به عمل نمی‌آید.
۱۱. یک ارزیابی میان‌دوره‌ای برنامه‌ریزی شده می‌تواند برای تشخیص نقاط قوت و ضعف و تأکید بر استراتژی خروج پروژه بسیار سودمند باشد.
۱۲. تعارض بین مشارکت کنندگان مالی و اجرا کنندگان پروژه در خصوص نحوه اجرا، می‌تواند منجر به یک مدیریت خرد معکوس گردد.

۴-۴ اجرای پروژه

در یک پروژه خوب طراحی شده و مکانیسم‌های راهبری، ساختاری و مالی مناسب، تیم پروژه با حمایت کمیته راهبری با چالش دستیابی به نتایج موردانتظار در زمان تعیین شده و با بودجه مشخصی می‌باشند. فاکتورهایی که می‌توانند بر موفقیت در اجرای پروژه تأثیرگذار باشند، می‌توانند منشأ درونی یا بیرونی داشته باشند.

درس‌های آموخته در خصوص اجرای پروژه

۱. پروژه‌هایی با بودجه بین‌المللی توجه دولت را به خوبی جلب نموده و منافع زیادی در خصوص آوردن تجارب بین‌المللی موفق به کشور دارند.
۲. پروژه‌های اجرای ملی (NEX) که به خوبی با بخش دولتی ادغام می‌شوند، می‌تواند حس مالکیت و تعهد قوی برای اجرا و پایداری ایجاد نمایند.
۳. چنین پروژه‌هایی می‌توانند کاتالیزور خوبی برای تغییر رویکردهای دولت باشند: با انگیزش همکاری‌های بین‌بخشی، کار به شیوه مشارکتی با تشکلهای غیردولتی و جوامع محلی، کار خروجی محور.
۴. رویکردی بر اساس همکاری بخش دولتی و تشکلهای غیردولتی می‌تواند امکان انعطاف‌پذیری و احتمال حمایت جوامع محلی را افزایش دهد. در پاکستان، پروژه، بخش دولتی را توانمند نمود تا مدیریت یک پارک ملی را بر عهده تشکلهای غیردولتی قرار دهد.

۵. ظرفیت‌سازی در بطن یک اجرای موفق قرار دارد، و انتقال تجربیات بین‌المللی می‌تواند یکی از مهم‌ترین منافع باشد.
۶. ذینفعان پروژه را به عنوان یک بازاضافی و خارج از مسؤولیت خود می‌بینند.
۷. انتقال مطلوب اهداف و دستاوردهای پروژه به کلیه ذینفعان امری ضروری است؛ گزارش‌دهی منظم ماهانه و خبرنامه، به علاوه وب‌سایت مناسب، ابزارهای خوبی هستند.
۸. مقیاس زمانی ثابت پروژه می‌تواند دولت را مقید به رعایت زمان‌بندیها و اهداف نماید، اما غالباً زمان در نظر گرفته شده برای پروژه برای مواجهه با چالش‌های بیرونی کافی نمی‌باشد.
۹. انعطاف‌پذیری تاریخ اتمام پروژه می‌تواند بر تأخیرهای ناشی از حوادث طبیعی یا سیاسی پیش‌بینی نشده غلبه نماید.
۱۰. در بیشتر موارد، برنامه‌ها و تلاش‌های دیگری برای معرفی تغییرات مشابه به انجام رسیده بود اما به هر دلیلی به پایداری نرسیده و نتوانسته بودند در سراسر کشور گسترش یابند. این پروژه‌های پیشین باید به عنوان منبعی برای درس‌های آموخته، توسط پروژه‌های کنونی مورد بررسی قرار گیرند.
۱۱. مدیران پروژه‌ها باید توجه خود را بر تضمین خروجی‌ها و اهداف اصلی متمرکز نمایند. این موارد اغلب تحت‌الشعاع فعالیتهای بیشمار قرار می‌گیرند.
۱۲. فرایندهای مداوم پایش و مدیریت ریسک، ابزارهای اساسی برای تضمین پیشرفت پروژه در مسیر صحیح می‌باشند.

نماید که مسؤولیت انجام هر فعالیت با چه کسی می‌باشد، آیا این افراد آموزش‌های لازم را دیده‌اند، و آیا منبع تأمین بودجه پایدار می‌باشد.

درس‌های آموخته در خصوص اجرای پروژه

۱. استراتژی‌های خروج پایدار باید از روز اول برنامه‌ریزی شده و به طور منظم مورد بازبینی قرار گیرند.
۲. اگر حمایت از پروژه یا انگیزه نهادهای دولتی ضعیف باشد، تدوین یک استراتژی خروج پایدار برای پروژه‌ای با منبع مالی بیرونی بسیار دشوار می‌باشد. برخی از عمده‌ترین چالش‌ها ناشی از اختلال عملکرد نهاد اجرایی ملی می‌باشد.
۳. توسعه ظرفیت‌ها می‌تواند مشارکت اساسی باشد که یک پروژه برای پایدارسازی نتایج خود به انجام می‌رساند. یادگیری تجربی مؤثرترین شیوه می‌باشد، اما دوره‌های آموزشی خاص به طور گسترده توسط همه پروژه‌ها به کار گرفته شده‌است.
۴. تیم پروژه بعد از اتمام دوره پروژه، برای حمایت از فرایندهای ایجاد شده توسط پروژه در سایت حضور نخواهند داشت. بنابراین تقویت تشکلهای غیردولتی محلی برای ادامه این نقش اهمیت حیاتی در تضمین پایداری نتایج دارد.
۵. چه در سطح سایت (برنامه‌های مدیریت و کمیته‌های مدیریت سایت) و چه در سطح ملی (سیاست‌های ملی و کمیته‌های ملی تالاب)، ایجاد

تمرکز بر خروجی‌های بزرگ به جای فعالیت‌های کوچک

در بلاروس، فعالیت‌های عملی احیا در ۱۵ تورب زار با مساحت ۲۸۲۰۷/۷ هکتار به انجام رسید. این فعالیت‌ها منجر به بهبود قابل توجه وضعیت تنوع‌زیستی، کاهش انتشار و افزایش ترسیب گازهای گلخانه‌ای، منافع اقتصادی حاصل از کاهش آتش سوزی‌ها و منافع معیشتی برای مردم محلی گردید. در قزاقستان ۶۳۶۴۵ هکتار به ذخیره‌گاه طبیعت Alakol افزوده شد.

۵-۴ استراتژی خروج پروژه

تضمین تأثیر پایدار، یکی از چالش‌های عمده پروژه‌هایی با دوره محدود می‌باشد. دلایل متعددی برای عدم موفقیت پروژه‌ها در دستیابی به نتایج پایدار وجود دارد، از جمله: طراحی ضعیف؛ عدم موفقیت در کسب خروجی‌های برنامه‌ریزی شده تا زمان پایان پروژه؛ شکست در تأمین مداوم بودجه، بلایای طبیعی؛ تغییرات سیاسی؛ تغییر در اولویت‌ها.

زمان‌بندی طولانی بودجه GEF (تا ۷ سال) مزیت بزرگی برای مقابله با مسائل پیچیده مدیریت جامع تالاب می‌باشد. با این وجود، حتی این دوره‌های زمانی نیز ممکن است برای تضمین پایداری اثرات پروژه در زمینه تنوع‌زیستی، معیشت، رویکردهای نوین مدیریت و ساختارهای سازمانی جدید نباشد. به همین دلیل تدوین یک استراتژی خروج مطلوب لازم است. این استراتژی باید تعیین

برنامه‌های پذیرفته شده قانونی و ساختارهای راهبری عملکردی برای پایداری لازم می‌باشند.

۶. کمبود بودجه‌های بعدی می‌تواند مشکل بزرگی برای پایداری و تداوم باشد. برنامه‌ریزی مکانیسم‌هایی برای پایداری بودجه در اولین مراحل پروژه بسیار مهم می‌باشد.

۷. گاهی اوقات تدوین پروژه‌های بعدی برای تضمین پایداری بیشتر نتایج لازم می‌باشد. به طور مثال پروژه تالاب انزلی در فاز اولیه خود کلیه ابزارهای کلیدی لازم برای مدیریت یکپارچه را تدوین نمود، اما این ابزارها به خوبی توسط ذینفعان محلی مورد استفاده قرار نگرفتند. اکنون پروژه دوم برای تضمین اجرا، در سطح محلی در دست انجام می‌باشد.

۸. از خرید تجهیزاتی که هزینه نگهداری بالایی دارند یا تسهیلاتی که نگهداری از آنها توسط دولت بعد از اتمام پروژه دشوار می‌باشد، اجتناب کنید.

۹. لازم است در خصوص حفظ پرسنل غالباً مجرب پروژه بعد از اتمام پروژه تدابیری اندیشیده شود. در غیر این صورت این افراد به راحتی از سیستم حذف خواهند شد. یکی از راهکارها این است که دولت آنها را در واحدهای تخصصی تالابی به کار گمارد.

۱۰. فعالیتها، ابزارها و درس‌آموخته‌های پروژه باید به طور کامل مستندسازی شده و به راحتی در دسترس سایرین قرار گیرد.

۱۱. یک مالک جدید یا استراتژی خروج باید برای وب سایت پروژه در نظر گرفته شود.

در پاکستان بسیاری از تالاب‌ها در اراضی تحت کنترل ارتش واقع شده‌اند و ارائه آموزش به پرسنل ارتش به عنوان مؤثرترین شیوه دستیابی به نتایج پایدار شناخته شده‌است.



در بلاروس، پروژه یک سیستم آموزشی در خصوص استفاده پایدار از تورب‌زارهای تخریب‌شده، احیاء اکولوژیک آنها و نگهداری از سیستم‌های تنظیم آب احداث شده، ایجاد نمود. این سیستم به سیستم آموزشی بخش جنگلداری (چرا که اغلب تورب‌زارهای تخریب شده در اراضی جنگلی واقع شده‌اند)، ارائه گردید و نسخه الکترونیک آن نیز در وب سایت پروژه در دسترس می‌باشد.



جایکا، برای تالاب انزلی در ایران با فراهم‌سازی امکان شرکت در دوره‌های آموزشی در ژاپن، به ظرفیت‌سازی پرسنل سازمان حفاظت محیط‌زیست کمک زیادی نمود.





عکس: خانق همدانی



فصل پنجم

نتایج



نتایج

این کارگاه تبادل تجربیات، برای بسیاری از مدیران پروژه‌ها، اولین فرصت به اشتراک گذاردن درس‌های آموخته با مدیران سایر پروژه‌های تالابی بزرگ مقیاس منطقه بود. علیرغم تنوع جغرافیایی گسترده، مسائل مشترک زیادی در خصوص تخریب محیط‌زیست، توازن در حفاظت و توسعه، چالش‌های ساختاری و سوال در خصوص چگونگی پایداری اثرات عنوان گردید. همچنین اشتراکات زیادی در رویکردهای به کار گرفته شده برای مقابله با چالش‌ها وجود داشت. این فصل برخی از نتایج کلی کارگاه را بیان می‌نماید.

۱. چالش حفاظت از تالاب، چالش توسعه پایدار می‌باشد

اکوسیستم‌های تالابی در مقابل اثرات فعالیت‌های انسانی بسیار حساس می‌باشند. این بدان دلیل است که تالاب‌ها هم منابع طبیعی غنی برای بهره‌برداری انسان فراهم می‌سازند و هم اینکه شرایط آنها بازتابی از بهره‌برداری انسانی از منابع آب و زمین در بالادست حوضه آبخیز رودخانه می‌باشد. از آنجایی که تالاب‌ها اثرات فعالیت‌های انسانی را گردهم می‌آورند، وضعیت تالاب‌های یک کشور می‌تواند شاخصی برای میزان موفقیت آن کشور در دستیابی به توسعه پایدار باشد.

در بسیاری از کشورها، سرعت تخریب اکوسیستم‌های تالابی به سطح هشداردهنده رسیده‌است. چالش کنونی تنها حفاظت از وضعیت فعلی نمی‌باشد، بلکه اطمینان از یک حرکت اساسی در رفتار به سوی مدیریت پایدارتر آب و زمین با تمرکز بر بهسازی و احیاء اکوسیستم‌های تخریب‌شده و خدمات حیاتی که زمانی توسط آنها فراهم می‌گردید، می‌باشد. به همین دلیل، حفاظت از اکوسیستم‌های تالابی پیچیده‌تر و چالشی‌تر از سایر انواع اکوسیستم بوده و زمان و منابع بیشتری نیاز دارد.

۲. پروژه‌های بزرگ مقیاس GEF و غیره می‌توانند کاتالیزور مؤثری برای تغییرات باشند

دوره نسبتاً طولانی و بودجه فراهم شده از طریق GEF و سایر پروژه‌های مشابه، برای بسیاری از کشورها، اولین فرصت پرداختن به چالش‌های پیچیده و مهمی که تالاب‌ها با آن مواجه هستند را فراهم می‌نماید. تقریباً تمامی پروژه‌ها از طریق ظرفیت‌سازی تا حدودی موفق به حرکت از مدیریت "بخشی عکس‌العملی" به مدیریت "فعال-جامع-مشارکتی" تالاب شده‌اند. مثال‌های زیادی از مواردی که پروژه نقش کاتالیزور را در تغییر رویکرد و رفتار هم در سایت‌های نمونه و هم در سطح ملی ایفا نموده‌است، وجود دارد.

شواهد در خصوص موفقیت پروژه‌ها برای دستیابی به بهبودی ماندگار منابع تالابی (خروجی‌های فرعی) در برخی مناطق دیده می‌شد، که این امر نشانگر مقیاس و شدت چالش بوده و بر این واقعیت تأکید دارد که این فرایند، فرایندی بلندمدت است که پروژه تنها یک گام از آن می‌باشد. یک استثناء در این خصوص پروژه احیاء تورب‌زارها در بلاروس بود که در آن احیاء بالغ بر ۲۸۰۰۰ هکتار از تورب‌زارهای تخریب شده انجام گرفته است.

پیام آشکار این موضوع آن است که برنامه زمانی تالاب جدی‌تر، اساسی‌تر و مهم‌تر از بودجه و زمانی است که تاکنون توسط منابع ملی و بین‌المللی برای آن فراهم شده‌است. بنابراین یک پروژه تنها می‌تواند بخشی از فرایند طولانی حرکت به سوی مدیریت پایدار تالاب‌ها باشد.

۳. رویکرد اکوسیستمی یک چارچوب مناسب و محکم برای حفاظت از تالاب‌ها فراهم می‌نماید

بکارگیری رویکرد اکوسیستمی - در مقایسه با رویکردهای سنتی حفاظت

گونه‌ها و مناطق حفاظت شده- مکانیسم مستحکمی برای حفاظت از تالاب‌ها می‌باشد. توازن بین حفاظت و توسعه و تأکید بر حفظ کارکردهای اکوسیستم همزمان با توانمندسازی مردم برای منفعت بردن از اکوسیستم‌های سالم، بردن مدیریت به فراتر از مرزهای مناطق حفاظت شده، و داشتن رویکردهای مشارکتی ارتباط زیادی با حفاظت از تالاب‌ها دارد. با اینکه چارچوب همه مطالعات موردی رویکرد اکوسیستمی بود، بسته به شرایط تفاوت‌های قابل توجهی در نحوه به کارگیری آن وجود داشت. یک شیوه برای همه مناسب نمی‌باشد.

مدیریت جامع ابزاری مؤثر برای اجرای رویکرد اکوسیستمی در سطح سایت‌های تالابی می‌باشد. عناصر کلیدی، گردهم آوردن ذینفعان از بخش‌های مختلف (دولتی و غیردولتی) و جوامع محلی برای رسیدن به یک چشم‌انداز مشترک برای منطقه و حل تعارضات در خصوص بهره‌برداری از منابع می‌باشند. به همین ترتیب در سطح ملی نیز رویکرد اکوسیستمی به همکاری یکپارچه بین بخش‌ها از طریق سیاست ملی تالاب و مکانیسم‌های ساختاری بین‌بخشی و در نتیجه حمایت از اقداماتی که در سطح محلی به انجام می‌رسد، نیاز دارد. هم اقدامات محلی و هم ملی نیازمند تغییرات قابل توجهی در ساختارهای سازمانی می‌باشند.

۴. موفقیت در حفاظت از تالاب نیازمند مدیریت پایدار آب و سازگاری با تغییرات آب و هوایی است

فراهم بودن مقدار کافی آب، با کیفیت مناسب و در زمان مطلوب، مهمترین فاکتور تعیین کننده وضعیت اکوسیستم‌های تالابی، بویژه در نواحی خشک مرکز و غرب آسیا و حوضه مدیترانه، می‌باشد. نیاز روزافزون به آب، بویژه برای کشت آبی، همچنین مصارف خانگی و صنعتی، و نیز برای تولید نیروگاه‌های آبی، همگی تأثیر بسزایی بر تالاب‌ها، تنوع زیستی آنها و سیستم حمایت از حیات آنها دارند. تأمین

حقابه تالاب‌ها از طریق قوانین و مقررات به یکی از حساس‌ترین مسائل تبدیل شده است که تعدادی از پروژه‌های حاضر در کارگاه با آن درگیر هستند.

پارادایم جدید محیط‌زیستی تغییر اقلیم، که هم منجر به بروز خشکسالی و هم سیل می‌شود، مشکلات آب موجود برای تالاب‌ها را تشدید می‌نماید. انتظار می‌رود چنین رویدادهایی به دفعات و شدت بیشتر اتفاق بیفتد. خشکسالی و سیل گاهی اوقات با تخریب پیشرفت صورت گرفته و از بین بردن شانس دستیابی به نتایج مورد انتظار در زمان‌بندی پروژه، چالش‌های بزرگی برای پروژه‌های کوتاه‌مدت محسوب می‌شوند. اگر چه، این پدیده‌ها برای ارتقاء آگاهی‌ها در خصوص ارزش‌های تالاب و اخذ تصمیمات حساس برای مدیریت بهتر آب، و تضمین تعهدات و بودجه‌های دولتی برای اقدامات در راستای سازگاری با تغییرات اقلیمی نیز فرصت‌هایی را فراهم می‌آورند.

۵. حفاظت از تالاب بیشتر مرتبط با مردم است، تا تنوع زیستی

حفاظت از تالاب بیشتر در ارتباط با مدیریت فعالیت‌های انسانی است که تأثیرات زیادی بر منابع طبیعی می‌گذارند، نه مدیریت خود تنوع زیستی. اگر چه هدف نهایی پروژه‌ها حفاظت از تنوع زیستی می‌باشد، ولی استراتژی‌های موفق پروژه بر بهره‌برداری ناپایدار از منابع و تعارضات تمرکز دارند، نه بر گسترش دانش جامع در خصوص تنوع زیستی یا اعلام تعداد بیشتر گونه یا سایت حفاظت شده.

۶. همیشه باید تمرکز اصلی بر احیاء کارکردهای تالاب باشد

پیشرفت‌های اخیر در درک خدمات اکوسیستم (سیستم حمایت از حیات) که توسط تالاب‌های دارای کارکرد مطلوب فراهم می‌گردد، گواه خوبی برای متقاعد کردن مردم در خصوص ارزش‌ها-اکولوژیک، اقتصادی و فرهنگی- تالاب می‌باشد.

این نکته همچنین استدلال اقتصادی محکمی برای حفاظت از تالاب می‌باشد. خدمات فراهم شده توسط تالاب‌ها، بویژه برای جوامع روستایی فقیر در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت بوده و فرصتهایی را برای گزینه‌های معیشتی جدید مانند گردشگری، فراهم می‌نماید.

نقش تالابها در حفاظت از تنوع زیستی، تنظیم جریان‌های آبی رودها و ذخایر آب زیرزمینی، خرداقلیم و ترسیب کربن (در مورد توربزارها)، همگی در مقیاس‌های محلی، ملی و بین‌المللی حائز اهمیت حیاتی می‌باشند. حداقل دو مورد از نمونه‌های مطالعاتی از طریق پرداخت برای خدمات اکوسیستم، دو گزینه جدید جذب بودجه برای حفاظت از تالاب‌ها یافتند. بدیهی است این مسأله در آینده نیاز به توجه بیشتری دارد.

۷. اگر آگاهی وجود داشته باشد، حمایت عمومی و سیاسی وجود خواهد داشت

مردم-خواه تصمیم‌سازان، جوامع محلی حاشیه تالاب یا عموم مردم-زمانی که ارزشهای تالاب را بدانند، حامیان حفاظت از تالابها خواهند بود. هم حمایت همگانی قوی و هم آگاهی تصمیم‌سازان، تعهد سیاسی که برای آینده پایدار تالابها ضروری هستند را تضمین می‌نمایند. به همین دلیل، برنامه ارتباطات قوی و مؤثر یکی از اجزاء اصلی برنامه حفاظت از تالاب می‌باشد. راهنما و ابزارهای CEPA رامسر بسته کاملی برای کمک به پروژه‌ها در این خصوص می‌باشد.

۸. مقیاس چالش، چشم‌انداز بلندپروازانه‌ای را اقتضا می‌نماید

بسیاری از پروژه‌ها با تخریب اکوسیستم در مقیاس‌های وسیع مواجه هستند، محل برگزاری کارگاه، دریاچه ارومیه در ایران، مثال خوبی در این خصوص ارائه

می‌نماید. علیرغم این چالش‌ها، پروژه‌ها بر اهمیت تدوین یک چشم‌انداز و برنامه بلندپروازانه بدیع برای احیاء این مناطق تأکید نمودند. فرایند برنامه‌ریزی مدیریتی، به دینفعان فرصت تعریف و تدوین چنین چشم‌اندازی و نیز ساختارهای سازمانی موردنیاز برای برنامه احیاء را فراهم می‌آورد. وقتی چشم‌انداز و رویکرد مورد توافق قرار گرفت، برای تضمین بالاترین سطوح حمایت مالی و دولتی، نیاز به اطلاع‌رسانی، تبلیغات و پشتیبانی سیاسی می‌باشد.

احیاء یک تالاب به شدت تخریب‌شده و بازگرداندن آن به شرایط یک اکوسیستم با عملکرد مطلوب، فرایندی بسیار پیچیده و هزینه‌بر است. پیام کلیدی این است که اقدامات را پیش از رسیدن تالاب به شرایط بحرانی آغاز نماییم.

۹. توافقنامه‌های چندجانبه محیط‌زیستی (MEAs) مکانیسم توانمندسازی خوبی برای اجرای پروژه فراهم می‌نمایند، در عین حال پروژه‌ها فرصت مطلوبی برای بهبود وضعیت اجرای این توافقنامه‌های چندجانبه در سطح ملی ایجاد می‌کنند.

اجرای توافقنامه‌های چندجانبه تنوع‌زیستی در سطح ملی و هم‌افزایی آنها، تدوین سیاست‌های هماهنگ ملی، شامل سیاست‌های تالابی را تقویت می‌کند. توافقنامه‌های چندجانبه و سایر مکانیسم‌ها از جمله قوانین اتحادیه اروپا تأثیر قابل توجهی بر میزان توجه نسبت به تالاب‌ها و رویکردی که در این خصوص دنبال می‌شود، دارند. پروژه‌هایی مانند آنچه در این کارگاه حضور داشتند، از طریق تهیه و انتشار دستورالعمل‌های توافقنامه‌های چندجانبه (مانند رویکرد اکوسیستمی کنوانسیون تنوع‌زیستی)، تولکیتها (مانند مجموعه جامع کنوانسیون رامسر در خصوص تالابها) موقعیت بسیار خوبی برای بهبود و به جریان انداختن آنها فراهم می‌کنند. ثبت بین‌المللی تالابها نیز می‌تواند توجه و بودجه همگان و بخش دولتی

را برای پرداختن به این مشکلات جلب نماید. برخلاف برخی دیدگاهها، قرار دادن تالابها در لیست مونتر (سایت‌های در معرض خطر) کنوانسیون رامسر نیز اقدام مثبتی می‌باشد که انگیزه اقدامات عاجلی را فراهم می‌سازد.

۱۰. پایداری نتایج پروژه در صورتی بیشتر خواهد بود و تنها در صورتی دست یافتنی خواهد بود که برای تداوم اجرا، نیازی به تیم پروژه نباشد.

اصلی‌ترین عناصر پایداری پروژه عبارتند از: الف) ارتقاء ظرفیت ذینفعان ملی و محلی برای فعالیت یکپارچه و مشارکتی در راستای حفاظت از تالابها؛ ب) ارتقاء آگاهی تصمیم‌گیران، جوامع محلی حاشیه تالاب و عموم مردم در خصوص ارزش‌های اکوسیستم‌های تالابی واجد عملکرد مطلوب. همه پروژه‌های ارائه‌شده بدون استثناء پیشرفت مطلوبی در دو نکته مذکور داشت و می‌توان نتایج ماندگاری (هر چند که سنجش آن دشوار می‌باشد) از آنها انتظار داشت.

دو مکانیسم دیگر برای پایداری پروژه که در این کارگاه مطرح گردید عبارت است از ج) تدوین و اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های مدیریت جامع، تحت راهبری محلی و ادغام شده با مسؤولیت‌های ذینفعان؛ و د) اتخاذ سیاست‌های ملی تحت نظارت کمیته‌های بین‌وزارتخانه‌ای. تقویت تشکلهای غیردولتی محلی و ملی، به ترتیب، برای این دو نکته حائز اهمیت می‌باشند.

تهدیدات خاص برای پایداری پروژه هنگامی بروز پیدا می‌کنند که پروژه در ایجاد یکپارچگی نزدیک و ظرفیت‌سازی وزارتخانه‌ها یا نهادهای استانی یا منطقه‌ای مسؤول حفاظت و مدیریت تالابها با شکست مواجه گردد، این وضعیت زمانی اتفاق می‌افتد که تیم پروژه نقش کلیدی را در تدوین برنامه‌های

مدیریت بر عهده گیرد و هنگامی که مکانیسم‌ها و زیرساخت‌های تعیین شده، بودجه‌هایی خارج از فرایندهای معمول دولتی نیاز داشته باشند.

آینده مجمع تبادل تجربیات

نشست جمع‌بندی کارگاه، دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در خصوص ارزش کارگاه، و مفید بودن برگزاری نشست‌های مشابه در آینده را جمع‌آوری نمود. دیدگاه‌ها در موارد زیر خلاصه شده‌اند:

۱. این کارگاه برای پروژه‌های مختلف شرکت‌کننده یک گام اساسی بود- برای بسیاری از پروژه‌ها، اولین فرصت فراهم شده برای به اشتراک گذاشتن تجربیات عملی اجرای پروژه (درس‌های آموخته، تجربیات موفق، ابزارها و غیره) با مدیران سایر پروژه‌ها بود.

۲. مدیران پروژه‌ها این نکته را مطرح نمودند که اگر چنین فرصتی در ابتدای شروع پروژه فراهم گردیده بود، می‌توانست بیش از این مفید و سودمند باشد.

۳. تدوین کتاب مرجع می‌تواند بسیار مفید باشد و پیشنهاد می‌گردد نتایج این کارگاه در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی به اشتراک گذاشته شود.

۴. مجمع تبادل تجربیات باید با دخیل کردن سایر پروژه‌های بزرگ تالابی منطقه، جامعیت بیشتری کسب کند.

۵. نمایندگان GEF و UNDP باید در نشست‌های آتی شرکت نمایند، چرا که آنها حمایت‌های اساسی به مدیران پروژه‌ها ارائه می‌نمایند و بسیاری از توصیه‌ها و پیشنهادات به این افراد مرتبط می‌باشد.

۶. مجمع تبادل تجربیات باید به صورت یک شبکه خودگردان (از نظر مالی) باقی بماند، با این حال حمایت مالی GEF یا UNDP از کشور میزبان کمک

مؤثری خواهد بود. UNEP ROWA نیز آمادگی خود را برای حمایت‌های لجستیک و مالی اعلام نمود.

۷. نتایج این کارگاه باید برای به‌روزرسانی دستورالعمل‌های تهیه شده توسط کنوانسیون‌ها و مجامع بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

۸. تبادل تجربیات با سایر پروژه‌ها باید امری مداوم باشد. یک گروه ایمیلی باید از پروژه‌های شرکت‌کننده شکل گیرد.

۹. نشست‌های بین‌المللی مانند COP‌های کنوانسیون‌ها، فرصت بیشتری برای این دیدارها فراهم می‌نمایند.

۱۰. پیشنهاد می‌گردد در جلسات آتی، زمان بیشتری برای بازدیدهای میدانی و مشاهده مسائل اجرایی در سایت اختصاص یابد.

به دنبال این بحث و گفتگو، نمایندگان نپال علاقمندی خود را برای میزبانی گردهمایی آتی این مجمع تبادل تجربیات اعلام نمودند. آنها پس از بازگشت به نپال زمینه‌های عملیاتی نمودن این پیشنهاد را مورد بررسی قرار خواهند داد و سایر شرکت‌کنندگان را از نتیجه مطلع خواهند ساخت. این پیشنهاد مورد استقبال خوبی از سوی شرکت‌کنندگان قرار گرفت.



شرکت‌کنندگان ملی

ردیف	نام و نام خانوادگی	سازمان
۱	اعتمادفر روزبه	وزارت جهادکشاورزی
۲	ارواحی علی	طرح حفاظت از تالابهای ایران
۳	اثنا عشری مهری	طرح حفاظت از تالابهای ایران
۴	بابایی نادعلی	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۵	برزگر حامد	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۶	بنایی امید	طرح حفاظت از تالابهای ایران
۷	بندی عمران	وزارت صنایع و معادن
۸	بهنام میترا	برنامه توسعه ملل متحد
۹	پرستار علیرضا	وزارت جهادکشاورزی
۱۰	پسیان سعید	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۱۱	ثمیری شاهین	جهادکشاورزی آذربایجان غربی
۱۲	جباری حجت	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۱۳	جباری محمد	آب منطقه ای آذربایجان غربی
۱۴	جلالت گلرخ	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۱۵	جمشیدیان حسین	خبرنگار ایلنا
۱۶	جوزایی جواد	سازمان حفاظت محیط زیست
۱۷	حبیبی آزاده	سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
۱۸	حسینی سیداحمد	سازمان جنگلها و مراتع
۱۹	حسینی سیدمسعود	سازمان حفاظت محیط زیست
۲۰	حیدریان جواد	خبرنگار مهر
۲۱	خانی مختار	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۲۲	خداپرست عبدالحسین	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی
۲۳	خدارحمی رضا	وزارت جهادکشاورزی



شرکت کنندگان ملی

سازمان حفاظت محیط زیست	خرازیان مقدم مجید	۲۴
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	خلیل الهی مژگان	۲۵
سازمان حفاظت محیط زیست	خلیلی علیرضا	۲۶
مرکز منطقه ای کنوانسیون رامسر	رجب خواه یاسمن	۲۷
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	رحمانی حسین	۲۸
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	رعناقد حمید	۲۹
سازمان حفاظت محیط زیست	زندى فرزاد	۳۰
اداره حفاظت محیط زیست مهاباد	سخنور فاروق	۳۱
طرح حفاظت از تالابهای ایران	سلیمانی روزبهانی محسن	۳۲
طرح حفاظت از تالابهای ایران	سیدقریشی علیرضا	۳۳
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	شجاع موسی	۳۴
برنامه توسعه ملل متحد	شریعت علی	۳۵
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	شهتند سعید	۳۶
سازمان حفاظت محیط زیست	صادقی زادگان صادق	۳۷
اداره حفاظت محیط زیست نقده	صفری فرامرز	۳۸
تلویزیون ملی ژاپن (NHK World TV)	صنعتی مجتبی	۳۹
سازمان حفاظت محیط زیست	طرقردی فرحناز	۴۰
سازمان حفاظت محیط زیست	عامری محمدابراهیم	۴۱
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	عباس نژاد حسن	۴۲
خبرنگار ایرنا	عبد الله پور کیمیا	۴۳
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	عبدالله زاده زهرا	۴۴
اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	عطایی عزیز	۴۵
سازمان حفاظت محیط زیست	علمی امیرمحمد	۴۶
خبرنگار ایسنا	غمخوار علیرضا	۴۷
طرح حفاظت از تالابهای ایران	فراهانی راد حمید	۴۸



شرکت کنندگان ملی

فرید مرتضی	سازمان حفاظت محیط زیست	۴۹
قربان بیگی هاید	سازمان حفاظت محیط زیست	۵۰
قربانی محمد	اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آذربایجان غربی	۵۱
کارآمد وحیدرضا	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	۵۲
کاظمی مراد	سازمان حفاظت محیط زیست	۵۳
کاکاجی عبدالامیر	وزارت نیرو - شرکت مدیریت منابع آب	۵۴
کسرای سعید	وزارت کشور	۵۵
کشوری زهرا	خبرنگار تهران امروز	۵۶
کوچکی سارا	طرح حفاظت از تالابهای ایران	۵۷
محموظی محسن	سازمان حفاظت محیط زیست	۵۸
محمدی زهرا	خبرنگار جهان اقتصاد	۵۹
محمدی مهدی	تلویزیون ملی ژاپن (NHK World TV)	۶۰
محمدیان اکبر	اداره حفاظت محیط زیست میاندوآب	۶۱
مرگن لیلا	خبرنگار موج	۶۲
مکوندی مریم	اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان	۶۳
ناکایاما هیدکی	تلویزیون ملی ژاپن (NHK World TV)	۶۴
نظری دوست علی	طرح حفاظت از تالابهای ایران	۶۵
نظری سلطان مهران	اداره حفاظت محیط زیست سلماس	۶۶
نوری سیدکمال الدین	وزارت کشور	۶۷
هندی فر میترا	سازمان حفاظت محیط زیست	۶۸
یحیی زاده میریوسف	مرکز تحقیقات آرتمیا	۶۹
یوسفی امید	اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	۷۰



TOWARDS A COMMUNITY OF PRACTICE OF WETLAND PROJECT MANAGERS